

فلسفه 2

بخش ۱: پیرامون واقعیت و هستی درس ۱: هستی و چیستی قدم های اول تا چهارم

متوسط مرجع: سراسری - ۱۳۹۹

۱ - کدام عبارت بیانگر دلیل مغایرت مفهوم وجود با ماهیت است؟

- ① مفهوم وجود را می توان بر ماهیات حمل کرد.
 ② چیزهایی وجود دارند که دارای ماهیت نیستند.
 ③ می توان ماهیاتی را تصور کرد که موجود نیستند.
 ④ سلب وجود از ماهیت، در ذهن و در خارج امکان پذیر است.

متوسط مرجع: خارج از کشور - ۱۳۹۹

۲ - در کدام گزاره، نمی توان از دلیل حمل سؤال کرد؟

- ① زمستان سرد است.
 ② انسان فانی است.
 ③ خدا جاودانه است.
 ④ پلاتین فلز است.

متوسط مرجع: سراسری - ۱۴۰۲

۳ - اگر وجود جزء مفهوم ماهیت بود، آنگاه

- ① دو مفهوم از یک واقعیت قابل انتزاع نبود
 ② وجود و ماهیت عین هم بودند
 ③ هیچ ماهیتی با ماهیت دیگر تفاوتی نداشت
 ④ همه ماهیات واجب الوجود بودند

متوسط مرجع: خارج از کشور - ۱۴۰۱

۴ - کدام عبارت درست است؟

- ① هرچه که فرض شود ضرورتاً دو حیثیت دارد: هستی و چیستی.
 ② از میان نسب اربع، نسبت میان ماهیت یک چیز با وجود همان چیز، تساوی است.
 ③ اشاره کردن به چیزی، بدون اینکه به نوعی وجود آن را باور داشته باشیم، غیر ممکن است.
 ④ وقتی چیزی را واقعی می پنداریم و سپس می فهمیم وجود نداشته، یعنی ماهیتش را نشناخته ایم.

متوسط مرجع: سراسری - ۱۴۰۳

۵ - حمل «اسم بر لفظ» و «گرد بر دایره» به ترتیب، با کدام مورد یکسان است؟

- ① دارای برگ بر درخت - قیمتی بر طلا
 ② انسان بر رشدکننده - جسمانی بر هوا
 ③ شکل بر پنج ضلعی - ادیب بر شاعر
 ④ موجود بر ماهیت - فرد بر عدد اول

درس ۲: جهان ممکنات نسبت های سه گانه قضایا

سخت مرجع: خارج از کشور - ۱۳۹۶

۶ - کدام عبارت مفهوم «ممتنع الوجود» را دقیق تر توضیح داده است؟

- ① مفهومی که تصور آن غیر ممکن است.
 ② چیزی که هرگز وجود نداشته و نخواهد داشت.
 ③ آنچه که حمل هستی بر آن ممکن نیست.
 ④ آنچه که فقط وجود خیالی یا فرضی داشته باشد.

متوسط مرجع: سراسری - ۱۴۰۱

۷ - رابطه میان موضوع و محمول در قضایای «برخی دانشجویان دیپلمه نیستند» و «استوانه وزن ندارد»، به ترتیب، کدام است؟

- ① امکانی - امکانی
 ② امکانی - وجوبی
 ③ امتناعی - امتناعی
 ④ امتناعی - وجوبی

۸ - کدام مورد ممتنع الوجود است؟

متوسط مرجع: سراسری - ۱۳۹۸

- ① اسب آتش خوار ② انسان هفت سر بالدار ③ دایرة منتظم الاضلاع ④ فیلی به اندازه مورچه

۹ - کدام یک از گزاره‌های زیر بازگوکننده هستی یک واجب الوجود بالغیر است؟

سخت مرجع: متنازمن - ۱۴۰۱

- ① دجال در انتهای تاریخ بر علیه تحقق عدالت باز خواهد گشت. ② علی در کتابخانه مشغول مطالعه بود.
③ هر انسانی حیوان ناطق است. ④ خدا همواره بر عرش استوار است.

۱۰ - حمل محمول بر موضوع در کدام گزینه متفاوت با سایر گزینه‌هاست؟

سخت مرجع: متنازمن - ۱۴۰۱

- ① اسب تک شاخ، تک شاخ است. ② کلاغ، سیاه است. ③ عدد چهار، فرد نیست. ④ شریک خداوند، ممتنع الوجود است.

۱۱ - رابطه موضوع محمول در عبارات «برخی موجودات علت ندارند» و «مربع حجم ندارد» چگونه است؟

سخت مرجع: متنازمن - ۱۴۰۲

- ① وجوبی - وجوبی ② امکانی - وجوبی ③ امتناعی - وجوبی ④ امکانی - امکانی

رابطه وجود با موضوع‌های مختلف

۱۲ - در کدام مورد، نسبت میان موضوع و محمول در هر دو قضیه یکسان است؟

متوسط مرجع: سراسری - ۱۴۰۲

- ① آب مایعی بی‌رنگ است - فعل کلمه‌ای است که انجام کاری را می‌رساند. ② چوب عایق است - یکی از انواع ویروس‌ها، ویروس آنفلوانزا است.
③ کره زمین دارای آب است - هر جسمی دارای مکان است. ④ اکسیژن، از انواع گازها است - فلز نوعی ماده است.

۱۳ - کدام عبارت، تعریف واجب الوجود بالغیر را به درستی بیان می‌کند؟

متوسط مرجع: خارج از کشور - ۱۳۹۹

- ① چیزی که بر حسب ذات خود ممکن الوجود است. ② ماهیتی که چستی خود را از علت دریافت می‌کند.
③ موجودی که ضرورت وجود او از ناحیه دیگری است. ④ ماهیتی که وجوب خود را از ماهیت دیگری می‌گیرد.

۱۴ - موضوعی فرضی را در نظر می‌گیریم که هرگز مصداق خارجی نداشته و نخواهد داشت. کدام مطلب را درباره این موضوع با اطمینان می‌توان گفت؟

سخت مرجع: سراسری - ۱۴۰۳

- ① تاکنون موجودی که علت تامه‌اش باشد، تحقق نیافته است. ② به دلیل نبودن همیشگی علت تامه، ممتنع بالذات است.
③ ذات این موضوع تاکنون از هستی امتناع داشته است. ④ این موضوع و علت آن، هیچ‌یک، امکان وجود ندارند.

۱۵ - رابطه میان «ممکن بالذات و ممتنع بالغیر»، «واجب و ممکن بالذات» و «واجب بالذات و واجب بالغیر» از میان نسبت‌های چهارگانه منطقی به ترتیب کدامند؟

سخت مرجع: متنازمن - ۱۴۰۲

- ① تباین - عموم و مخصوص من وجه - عموم و مخصوص مطلق ② عموم و مخصوص مطلق - تباین - عموم و مخصوص من وجه
③ عموم و مخصوص مطلق - عموم و مخصوص من وجه - تباین ④ تباین - عموم و مخصوص مطلق - عموم و مخصوص من وجه

درس ۳: جهان علی و معلولی رابطه علیت

۱۶ - کدام عبارت درست است؟ (با تغییر)

سخت‌مرجع: سراسری - ۱۳۹۸

- ① در فلسفه جدید غرب، اعتقاد عمومی به اصل علیت مورد انکار قرار گرفته است.
- ② اصل علیت یک قضیه بدیهی است و منشأ اولیه درک آن، آگاهی از خویش است.
- ③ تجربه علمی معلوم می‌کند که تعاقب دو حادثه، دلیل بر وجود رابطه علیت میان آنها نیست.
- ④ بلافاصله پس از وجود یافتن یک موجود، رابطه علیت بین آن و علت آن شکل می‌گیرد.

۱۷ - کدام تعریف برای «معلول» مناسب‌تر است؟

متوسط‌مرجع: سراسری - ۱۴۰۲

- ① چیزی که علت به او وجود می‌دهد.
- ② چیزی که در حالت تساوی میان وجود و عدم است.
- ③ آنچه که به دیگری وابسته است.
- ④ آنچه که از دیگری هستی می‌گیرد.

۱۸ - نظریه فیلسوفان مسلمان درباره عقلی بودن اصل علیت، به کدام سؤال پاسخ می‌دهد؟

متوسط‌مرجع: خارج از کشور - ۱۴۰۱

- ① ذهن چگونه از تجربه، به رابطه علیت پی می‌برد؟
- ② انسان چگونه رابطه علیت را درک کرده است؟
- ③ چرا پدیده‌ها خودبه‌خود به وجود نمی‌آیند؟
- ④ ذهن چگونه رابطه علیت را می‌سازد؟

منشأ پذیرش درک رابطه علیت

۱۹ - کدام مورد، عبارت را هماهنگ با نظر تجربه‌گرایان و به‌درستی کامل می‌کند؟

سخت‌مرجع: سراسری - ۱۴۰۲

«انسان بارها مواردی مانند سوختن چوب پس از آتش گرفتن یا روشنی زمین پس از طلوع خورشید را مشاهده کرده و ...»

- ① تصور کرده است که میان این گونه پدیده‌های متوالی، رابطه‌ای تخلف‌ناپذیر وجود دارد.
- ② متوجه شده است که میان برخی پدیده‌ها، نوعی رابطه ضروری برقرار است که آن را علیت می‌نامیم.
- ③ نتیجه گرفته است که کشف پدیده‌های متوالی، فقط از طریق تجربه و آزمایش امکان‌پذیر است.
- ④ کشف کرده که اصل علیت، مصادیقی دارد مانند سوختن چوب در آتش یا روشنی زمین در اثر طلوع خورشید.

۲۰ - کدام عبارت، مورد توافق کانت و هیوم است؟

متوسط‌مرجع: خارج از کشور - ۱۴۰۰

- ① درک علیت از طریق حواس امکان‌پذیر نیست.
- ② مفاهیمی مانند علیت، جزء ساختارهای ذهن انسان‌اند.
- ③ انسان داده‌های حسی را، در قالب‌های ذهنی درک می‌کند.
- ④ برای درک علیت، باید هم از حس و هم از عقل استفاده کنیم.

۲۱ - نظریه هیوم در مورد علیت، درصدد تبیین کدام مسئله است؟

متوسط‌مرجع: خارج از کشور - ۱۳۹۹

- ① بررسی نقش روان در باور رابطه علیت
- ② چرایی باور عمومی آدمیان به اصل علیت
- ③ بررسی نقش عقل در باور رابطه علیت
- ④ چگونگی کشف علت‌های طبیعی توسط تجربه

۲۲ - این عبارت مورد تایید کدام گروه قرار خواهد گرفت؟

سخت‌مرجع: سراسری - ۱۴۰۳

«کودک با مشاهده حوادث جهان، به مرور پی می‌برد که میان برخی از پدیده‌ها نوعی توالی وجود دارد که تکرار می‌شود.»

- ① فقط فیلسوفان تجربه‌گرا
- ② فقط فیلسوفان عقل‌گرا
- ③ همه فیلسوفان عقل‌گرا و تجربه‌گرا
- ④ همه فیلسوفان تجربه‌گرا به جز هیوم

۲۳- کدام مورد، عبارت زیر را مطابق نظر فیلسوفان مسلمان کامل می‌کند؟

«هنگامی که حرارت فلزی را منبسط می‌کند،»

متوسط مرجع: سراسری- ۱۳۹۹

- ① تجربه کشف می‌کند که حرارت، علت انبساط فلز است.
 ② حس، انبساط فلز را و تجربه علت منبسط شدن فلز را درک می‌کند.
 ③ بدهت عقلی حکم می‌کند که فلز به خاطر حرارت منبسط شده است.
 ④ تجربه حرارت را علت انبساط فلز یافته و اصل علت را نتیجه می‌گیرد.

۲۴- کدام عبارت دربارهٔ علیّت، مورد اختلاف دکارت و فیلسوفان مسلمان است؟

متوسط مرجع: سراسری- ۱۴۰۰

- ① اصلی فطری و بدیهی است.
 ② دانش بشری متکی بر آن است.
 ③ درک آن از طریق تجربه امکان‌پذیر نیست.
 ④ مصادیق آن بدون تجربه قابل شناخت نیستند.

سنخیت علت و معلول

۲۵- کدام عبارت درست است؟

سخت مرجع: سراسری- ۱۴۰۱

- ① معلول با صرف نظر از علت خود، امکان ذاتی دارد؛ اما غیرممکن است که با وجود علت تامه یا ناقصه، بر حالت امکان ذاتی باقی بماند.
 ② هیچ فیلسوفی وجود ندارد که وقوع اتفاقی حوادث را امکان‌پذیر بدانند، به عبارت دیگر، همگی باور دارند که میان هر حادثه یا علل آن، رابطهٔ ضروری برقرار است.
 ③ اگر فیلسوفی معتقد باشد که اصل سنخیت از طریق تجربه به دست می‌آید، نمی‌توانند وقوع اتفاق - به معنای نفی اصل سنخیت - را در حوادث بعدی، غیرممکن بدانند.
 ④ هر چند هیوم، معتقد است رابطهٔ ضروری میان علت و معلول یک موضوع حسی نیست، اما در نهایت از یک راه تجربی آن را تبیین می‌کند؛ یعنی اصل علیّت را تجربی می‌داند.

وجوب علی و معلولی

۲۶- «وقتی به یک نهال از هر جهت رسیدگی می‌کنیم و شرایط لازم برای رشد و سلامت آن را فراهم می‌کنیم، لزوماً انتظار شادابی و رشد این نهال را

سخت مرجع: سراسری- ۱۳۹۱

داریم، این انتظار نشان‌دهندهٔ چیست؟ (با تغییر)

- ① اصل سنخیت میان علت و معلول و نیز اصل وجوب علی که باعث پیوستگی قطعی موجودات است.
 ② اصل وجوب علی که از فروع اصل علیّت و بیانگر نظم حاکم بر روابط جهان است.
 ③ باور قطعی انسان به اصل سنخیت میان علت و معلول و پیوستگی میان موجودات.
 ④ باور همگانی و ناخودآگاه انسان نسبت به اصل وجوب علی که از فروع اصل علیّت است.

۲۷- با توجه به اصل علیت و فروع آن، کدام نتیجه قابل قبول است؟

سخت‌مرجع: خارج از کشور- ۱۴۰۲

- ① امکان ندارد دو پدیده مشابه، از دو علت متفاوت ناشی شده باشند.
- ② هرگاه دو پدیده، همواره همراه یکدیگر وجود پیدا کنند، حتماً یکی از آنها علت و دیگری معلول است.
- ③ هرگاه یک پدیده دارای آثار متفاوتی باشد، می‌توان از وجود یکی از آن آثار، وجود دیگری را احتمال داد.
- ④ اگر از همکاری چند پدیده با یکدیگر، اثر خاصی پدید آید، آن اثر را می‌توان به تک‌تک پدیده‌ها نسبت داد.

۲۸- کدام عبارت درست است؟

سخت‌مرجع: سراسری- ۱۴۰۱

- ① درک علت برخی از حوادث، به استفاده از حس و تجربه نیازی ندارد.
- ② از نظر هیوم، ضرورت میان علت و معلول نوعی تداعی در ذهن ایجاد می‌کند.
- ③ دکارت معتقد است انسان علت هر معلولی را با درکی فطری، متوجه می‌شود.
- ④ همه فیلسوفان توافق دارند که بدون تلاش‌های تجربی، پذیرش علیت ممکن نیست.

۲۹- پدیده «A» کدام یک از موارد باشد تا بتوانیم بگوییم از حالت امکان ذاتی به حالت وجوب بالغیر رسیده است؟

سخت‌مرجع: سراسری- ۱۴۰۰

- ① A، ساختمانی در ذهن یک معمار است.
- ② A، نهال یک بذر است که باغبان می‌خواهد آن را بکارد.
- ③ A، خاکستر، چوبی است که قرار است در آتش انداخته شود.
- ④ A، حرکت مژگان چشم است زمانی که پلک‌ها حرکت می‌کنند.

۳۰- کدام مورد را می‌توان به نحو خاص، لازمه اصل وجوب علی دانست؟

متوسط‌مرجع: سراسری- ۱۴۰۳

- ① وجود همه موجودات، پس از وجود علت آنهاست.
- ② هر جزئی از اجزای جهان به جزء دیگر نیازمند است.
- ③ ماهیت ممکنات نسبت به وجود و عدم، مساوی است.
- ④ بود و نبود علت نشانه بود و نبود معلول است و برعکس.

۳۱- در کدام عبارت، لفظ «باید» نشان‌دهنده وجوب علی و معلولی است؟

متوسط‌مرجع: خارج از کشور- ۱۴۰۰

- ① برای نماز خواندن باید وضو گرفت.
- ② انسان باید راستگو و درستکار باشد.
- ③ وقتی از مدرسه آمدی باید تکالیف را انجام دهی.
- ④ وقتی در قفل نیست و اشکالی وجود ندارد، باید در باز شود.

درس ۴: کدام تصویر از جهان؟ معانی اتفاق

۳۲- کدام عبارت مفهوم «شانس» در اصطلاح عامیانه را به نحو مناسب‌تری تحلیل می‌کند؟

متوسط‌مرجع: سراسری- ۱۳۹۹

- ① نفی قانون علیت؛ به این معنی که هر معلولی از هر علتی صادر می‌شود.
- ② عاملی خارج از قانون علیت که بر روند امور یک شخص تأثیر می‌گذارد.
- ③ نفی قانون علیت، به این معنی که میان علت و معلول رابطه ضروری وجود ندارد.
- ④ اعتقاد به اینکه در زنجیره حوادث زندگی، تعیین اهداف نهایی امکان‌پذیر نیست.

۳۳- مصرع زیر دقیقاً اتفاق به کدام معنا را رد می‌کند؟

متوسط‌مرجع: خارج از کشور- ۱۳۹۹

- «چو بد کردی مباش ایمن ز آفات»
- ① اصل سنخیت
 - ② اصل غایت‌مندی
 - ③ علت‌العلل
 - ④ اصل وجوب علی

۳۴ - کدام عبارت درست است؟

متوسط مرجع: سراسری - ۱۴۰۲

- ① رخ دادن حوادث غیرمنتظره و پیش‌بینی نشده در طبیعت، نشان می‌دهد که قوانین طبیعی، قطعی نیست.
- ② هرگاه مجموعه‌ای از حوادث، طی یک فرایند به نتیجه خاصی منتهی شوند، این فرایند باید برنامه‌ریزی شده باشد.
- ③ این نظر که موجودات زنده حاصل تکامل تدریجی موجودات ساده‌ترند، با اعتقاد به علیت سازگار نیست.
- ④ این تصور که جهان در اثر انفجار یک ماده بسیار فشرده گسترش یافته، علت نخستین را نفی می‌کند.

بررسی معانی اتفاق

۳۵ - کدام عبارت درست است؟

متوسط مرجع: خارج از کشور - ۱۴۰۲

- ① در نظریهٔ دموکریئوس، اگر برخورد ذرات را تصادفی بدانیم، اتفاق به معنای نفی غایبمندی را پذیرفته‌ایم.
- ② این نظریه که جهان کنونی، در اثر انفجار یک مادهٔ فشرده گسترش یافته، با وجود علت نخستین ناسازگار است.
- ③ اگر بگوییم جهان طبیعت و موجودات آن، طی یک فرآیند تدریجی به تکامل رسیده‌اند، نوعی اتفاق را پذیرفته‌ایم.
- ④ کسی که باور داشته باشد با وجود ابر در آسمان و سرمای هوا، ممکن است باران نیارد، اصل وجوب علی را نفی کرده است.

۳۶ - معنای متفاوت اتفاق از کدام عبارت قابل استنباط است؟

سخت مرجع: متنازمن - ۱۴۰۱

- ① اعتقاد به این معنای از اتفاق برابر است با دست کشیدن از هر فعالیتی
- ② نپذیرفتن این معنای از اتفاق مورد اتفاق همهٔ فلاسفه است.
- ③ قبول این نوع از اتفاق یعنی عالمی پریشان و آشفته
- ④ کسی که با این نوع اتفاق موافق است می‌گوید از قضا سرکنگبین صفرا فزود

۳۷ - اعتقاد به عبارت «آدمی را که بخت برگردد اسبش اندر طویله خر گردد» با کدام گزاره وجه مشترک دارد؟

سخت مرجع: متنازمن - ۱۴۰۱

- | | | | |
|-----------------------------|----------------------------|------------------------------------|-----------------------------------|
| ① از قضا سرکنگبین صفرا فزود | ② اتفاقاً شاه شد روزی سوار | ③ به آب زمزم و کوثر سفید نتوان کرد | ④ روزی نگر که طوطی جانم سوی لب |
| ① روغن بادام خشکی می‌فزود | ② با خواص خویش از بهر شکار | ③ گلیم بخت کسی را که بافتند سیاه | ④ بر بوی پسته آمد و بر شکر اوفتاد |

۳۸ - کسی که آهنی را حرارت بسیار می‌دهد و معتقد است که احتمال دارد آهن منبسط شود یا ممکن است که تغییری نکند کدام معنای اتفاق را پذیرفته است؟

سخت مرجع: متنازمن - ۱۴۰۱

- ① چهارم ② سوم ③ اول ④ دوم

بخش ۲: پیرامون خدا و عقل درس ۵: خدا در فلسفه (۱) دورهٔ یونان باستان

۳۹ - کدام یک، جزء مقدمات برهان حرکت نیست؟

متوسط مرجع: خارج از کشور - ۱۴۰۰

- ① هر متحرکی نیازمند محرک است.
- ② در عالم طبیعت حرکت وجود دارد.
- ③ تسلسل از نظر عقلی محال است.
- ④ محرکی وجود دارد که خودش حرکت ندارد.

۴۰ - کدام عبارت با دیدگاه‌های افلاطون ناسازگار است؟

سخت مرجع: خارج از کشور - ۱۴۰۱

- ① نظم، از عقل ناشی می‌شود و در آن ریشه دارد.
- ② ساختار کلی جهان را با چندخدایی نمی‌توان توضیح داد.
- ③ امر تغییرناپذیر را فقط با تعقل می‌توان درک کرد.
- ④ «مثال خیر» چون خورشیدی است که از حقیقت پرتو می‌گیرد.

۴۱- اولین مقدمه برهان حرکت ارسطو کدام است؟

متوسط مرجع: سراسری- ۱۴۰۱

- ① تسلسل محال است.
② در جهان حرکت وجود دارد.
③ محرکی وجود دارد که متحرک نیست.
④ اگر چیزی متحرک باشد، نباید متحرک باشد.

دوره جدید اروپا

۴۲- کدام عبارت درست است؟

متوسط مرجع: سراسری- ۱۳۹۹

- ① کانت وجود خدا را از طریق نفس غیرمادی انسان اثبات می‌کند.
② هیوم براساس دلایل حسی تجربی اثبات می‌کند که خدا وجود ندارد.
③ به اعتقاد ویلیام جیمز، عمده دلایل وجود خدا تجربی هستند.
④ به عقیده دکارت، تصور موجود نامتناهی نمی‌تواند از جانب موجود متناهی باشد.

۴۳- کدام عبارت به ترتیب، بیانگر شباهت و تفاوت نظر دکارت با کانت در حوزه معرفت‌شناسی است؟

سخت‌مرجع: سراسری- ۱۴۰۲

- ① حواس و عقل، هر یک، یافته‌های خاص خود را دارند. - پایه‌های عقلانی علوم تجربی از طریق تجربه قابل دستیابی نیستند.
② معرفت به وجود نفس مجرد، از تجربه حاصل نشده است. - با استدلال عقلی می‌توان وجود خدا را اثبات کرد.
③ مفهوم علیت در قوه ادراکی انسان وجود دارد. - روش عقلی، تنها یکی از روش‌های شناخت پدیده‌ها است.
④ درک مصادیق علیت، توسط حواس صورت می‌گیرد. - درک وجود خدا، نیازی به حس و تجربه ندارد.

۴۴- کدام عبارت با برهان اخلاقی کانت سازگار است؟

متوسط مرجع: خارج از کشور- ۱۴۰۲

- ① وجود نفس غیرمادی را فرض می‌گیرد.
② انسان را به رعایت اصول اخلاقی دعوت می‌کند.
③ نشان می‌دهد که چرا خدا باید وجود داشته باشد.
④ با استفاده از مقدمات عقلی، وجود خدا را اثبات می‌کند.

۴۵- هیوم، دلایل دکارت و دیگر فیلسوفان عقل‌گرا را درباره خداوند نامعتبر می‌داند، زیرا معتقد است:

متوسط مرجع: سراسری- ۱۴۰۲

- ① مهم‌ترین برهان بر اثبات وجود خدا، برهان نظم است.
② این براهین توانایی اثبات واجب‌الوجود بالذات را ندارند.
③ هیچ نوع شناختی مستقل از حس و تجربه وجود ندارد.
④ برای اثبات خدا، فقط دلایل تجربی از اعتبار برخوردارند.

۴۶- اساس استدلال دکارت بر اثبات خدا، کدام است؟

متوسط مرجع: خارج از کشور- ۱۳۹۹

- ① تصور خدا
② وجود نامتناهی
③ قدیر بودن خدا
④ مخلوق بودن من

۴۷- کدام گزینه با مقدمات استدلال دکارت در اثبات وجود خداوند سازگار است؟

سخت‌مرجع: متنازمن- ۱۴۰۱

- ① موجود نامتناهی توان تصور موجود متناهی را ندارد.
② موجود نامتناهی قدرت ایجاد موجود متناهی را ندارد.
③ تصور موجود نامتناهی توسط موجود متناهی آفریده می‌شود.
④ موجود متناهی تصور موجود نامتناهی را خلق نمی‌کند.

۴۸- کدام گزینه با دیدگاه دکارت درباره خدا مطابقت دارد؟

سخت‌مرجع: متنازمن- ۱۴۰۱

- ① ایجاد تصور وجود نامتناهی از موجود متناهی است.
② شرط نیاز به خدا اعتقاد به جهان نامتناهی است.
③ وجود نامتناهی شرط ضرورت اخلاق است.
④ موجود نامتناهی علت ایجاد تصور نامتناهی است.

درس ۶: خدا در فلسفه (۲) راه های اثبات وجود خدا نزد فیلسوفان مسلمان

۴۹ - پیش فرض سخن زیر، کدام عبارت است؟

سخت‌مرجع: سراسری- ۱۳۹۹

«اگر چیزی بدون علت وجود داشته باشد، تفاوتی نمی‌کند که آن چیز، خدا باشد یا جهان»

- ① هرچه موجود است، به علت نیاز دارد.
 ② هر ممکن‌الوجودی به واجب‌الوجود نیاز دارد.
 ③ هرچه به‌وجود آمده است، نیازمند علت است.
 ④ هر چیزی که وجودش وابسته است، به موجودی مستقل اتکا دارد.

متوسط‌مرجع: سراسری- ۱۳۹۸

۵۰ - کدام عبارت معنای تسلسل علل نامتناهی را به‌درستی نشان می‌دهد؟

- ① وجود علت‌العلل یا علت نخستین، ضامن تحقق زنجیرهٔ علت و معلول‌ها باشد.
 ② سلسلهٔ علت‌ها و معلول‌ها به علتی منتهی گردد که وجود آن علت، از علت دیگری صادر نمی‌شود.
 ③ وجود یک شیء قائم به علتی باشد و آن علت نیز قائم به علت دیگر و این سلسله تا بی‌نهایت ادامه یابد.
 ④ هر علتی معلول خاص خود را و آن معلول نیز معلول دیگری داشته باشد و این سلسله تا بی‌نهایت ادامه یابد.

متوسط‌مرجع: خارج از کشور- ۱۳۹۹

۵۱ - کدام عبارت، اصطلاح «تسلسل علل نامتناهی» را به‌درستی توضیح می‌دهد؟

- ① هر موجودی معلول علتی و آن علت، معلول علتی دیگر باشد.
 ② علل و معلول‌های مترتب برهم، منتهی به هیچ معلول غیرعلتی نشوند.
 ③ علل و معلول‌های مترتب برهم، منتهی به هیچ علت غیرمعلولی نشوند.
 ④ موجودات بی‌شماری وجود داشته باشند که با یکدیگر رابطهٔ علی دارند.

متوسط‌مرجع: سراسری- ۱۴۰۲

۵۲ - فرض سلسله‌ای نامتناهی از علت‌ها که هر علتی وابسته به علت قبل از خود باشد، کدام نتیجهٔ نهایی را به دنبال دارد؟

- ① وجود هیچ معلولی ضرورت پیدا نمی‌کند.
 ② تسلسل علل نامتناهی پیش می‌آید.
 ③ مجموعه علت و معلول‌ها بی‌شمار می‌شوند.
 ④ به علتی که معلول نباشد، نمی‌رسیم.

متوسط‌مرجع: سراسری- ۱۴۰۲

۵۳ - کدام یک، از مقدمات برهان فارابی بر اثبات خدا شمرده نمی‌شود؟

- ① فقط در صورتی که علت وجود داشته باشد، معلوم هم هست.
 ② ممکن است یک علت، در عین حال معلول هم باشد.
 ③ هرچه که واقعیت دارد، باید دارای علتی باشد.
 ④ بی‌شک، موجوداتی در جهان وجود دارند.

متوسط‌مرجع: سراسری- ۱۴۰۰

۵۴ - کدام عبارت درست است؟

- ① براساس قاعده علیت، هر چیزی باید علتی داشته باشد.
 ② اساس برهان فارابی در اثبات خدا، تقدم علت بر معلول است.
 ③ نتیجهٔ برهان وجوب و امکان، تقسیم واجب‌الوجود به بالذات و بالغیر است.
 ④ تسلسل علل نامتناهی یعنی موجودات زیادی وجود داشته باشند که با یکدیگر رابطه علی دارند.

سخت‌مرجع: سراسری- ۱۳۹۹

۵۵ - کدام تمثیل برای بیان برهان فارابی مبنی بر اثبات وجود خداوند، مناسب‌تر است؟

- ① مدیر یک شرکت، پرداخت وام را در صورت تأمین اعتبار و تأمین اعتبار را به شرط تصویب مجلس ممکن می‌داند.
 ② کسی که می‌خواهد روی کاغذ مطالبی بنویسد، علاوه بر قلم، کاغذ، مرکب و سایر عوامل، به اراده نیز نیازمند است.
 ③ در دو کفهٔ ترازو که در حالت استوا قرار دارد، سنگینی یک کفه نسبت به دیگری، نیازمند عاملی بیرونی است.
 ④ فردی که دو لیوان یکسان آب در مقابلش قرار دارد، برای ترجیح یکی از دو لیوان بر دیگری، نیازمند علت است.

۵۶- در برهان اسدّ و اخصر کدام مورد مشاهده نمی‌شود؟

سخت‌مرجع: منتآزمون- ۱۴۰۱

- ① تقدم ذاتی علت بر معلول ② نامحسوس بودن برخی علت‌ها ③ سلسله علت‌ها و معلول‌ها ابتدا دارد. ④ موجود بدون علت نداریم.

۵۷- کدام عبارت درست است؟

سخت‌مرجع: سراسری- ۱۴۰۱

- ① یکی از نتایج مهمی که ابن‌سینا از برهان خاص خود بر اثبات خدا می‌گیرد این است که واجب‌الوجود بالغیر وجود دارد.
② فارابی و ابن‌سینا در برهین خود بر اثبات خدا، هر یک به شیوه‌ای، اصل علیّت را مورد تبیین و بررسی قرار داده‌اند.
③ فیلسوفان مسلمان براساس این اصل که هر چیز علتی دارد، نتیجه می‌گیرند که سلسله علت‌های جهان به یک علت غیرمعلول منتهی می‌شود.
④ هر برهانی که اثبات کند، در رأس سلسلهٔ علل، باید یک علت غیرمعلول باشد، در عین حال که محال بودن تسلسل را نشان داده، وجود خدا را هم اثبات کرده است.

۵۸- کدام عبارت، وجه تمایز برهان خاص ابن‌سینا و ملاصدرا را در اثبات خدا، به نحو دقیق‌تری بیان می‌کند؟

سخت‌مرجع: خارج از کشور- ۱۴۰۱

- ① ملاصدرا برخلاف ابن‌سینا، ماهیت را نسبت به وجود و عدم علی‌السویه نمی‌داند.
② ابن‌سینا از رابطهٔ میان علت و معلول استفاده می‌کند و ملاصدرا از رابطهٔ بی‌نیاز و نیازمند.
③ ابن‌سینا از تساوی موجودات نسبت به وجود و عدم می‌گوید و ملاصدرا از فقر آنها نسبت به غنی بالذات.
④ ملاصدرا هستی موجود را عین وابستگی او می‌داند و ابن‌سینا تساوی ذات موجود نسبت به وجود و عدم را ملاک نیازش.

۵۹- حمل یگانه بر غنی بالذات، از نظر نسبت، مانند کدام حمل است؟

متوسط‌مرجع: سراسری- ۱۴۰۰

- ① شکل بر دوزنقه ② گیاه بر دارای حیات ③ منحصر به فرد بر مولود کعبه ④ دوزنقه بر دارای چهار ضلع

۶۰- تعریف «واجب‌الوجود بالغیر» از نظر ابن‌سینا در کدام گزینه به درستی ذکر شده است؟

سخت‌مرجع: منتآزمون- ۱۴۰۱

- ① موجوداتی که اکنون وجود ندارند هم واجب‌الوجود بالغیر هستند.
② موجودات جهان صرف نظر از محدود بودن یا نبودشان از این حیث که موجود شده‌اند، واجب‌الوجود بالغیر هستند.
③ واجب‌الوجود ذاتاً تغییر می‌کند و از ممکن‌الوجود بالذات به واجب‌الوجود بالغیر تبدیل می‌شود.
④ وجود به واسطهٔ عاملی درونی برایش ضروری شده است.

۶۱- برداشتی که از برهان امکان فقری ملاصدرا به دست می‌آید؛ در کدام گزینه مشهود است؟

سخت‌مرجع: منتآزمون- ۱۴۰۱

- ① معناداری اعتقاد به خدا در حیات معنوی و اجتماعی انسان اثر دارد. ② موجود نیازمند در بقا هم نیازمند موجود غیر وابسته است.
③ نور وجودی موجودات پس از آفرینش هیچ‌گاه خاموش نخواهد شد. ④ درک عقلانی و درست آن انسان را وارد ساحت برتر زندگی می‌کند.

۶۲- کدام عبارت تفاوت اصلی میان فیلسوفان مسلمان را با پراگماتیست‌های معناگرا، در باب معناداری زندگی بیان می‌کند؟

سخت‌مرجع: سراسری- ۱۴۰۳

- ① اولین شرط معناداری زندگی، اثبات خدا با دلایل و مبانی عقلی است.
 ② تا وقتی که خدا را با عقل باور نکنیم، نمی‌توانیم حضور او را احساس کنیم.
 ③ لازمه معناداری زندگی نه تنها پذیرش خدا، بلکه اثبات عقلی صفات اوست.
 ④ باور خدا و برقراری ارتباط با اوست که سامان‌بخش یک زندگی معنادار است.

۶۳- کدام مورد با نظرات فیلسوفان مسلمان سازگار است؟

سخت‌مرجع: خارج از کشور- ۱۴۰۰

- ① معناداری زندگی انسان بدون پذیرش واقعی وجود خدا، غیرممکن است.
 ② مقدمه مشترک همه براهین اثبات خدا، نیازمندی هر موجودی به علت است.
 ③ عقل وجود خدا را اثبات می‌کند و این، برای معنابخشی به زندگی کافی است.
 ④ فیلسوف، وجود خدا را به دلایل دینی می‌پذیرد و سپس می‌کوشد تا وجود او را اثبات کند.

۶۴- در کدام عبارت، روش به کار گرفته شده برای اعتقاد به خداوند با بقیه متفاوت است؟

سخت‌مرجع: سراسری- ۱۴۰۰

- ① هر جا که خوب‌تر و بهتر هست؛ خوب‌ترین و بهترین هم هست، پس حقیقتی هست که خوب‌ترین و بهترین است و او همان واقعیت الهی است.
 ② باور خدا به زندگی معنا می‌دهد و ارزش‌های اخلاقی را به همراه می‌آورد؛ خدایی که مبدأ خیر و زیبایی و ناظر بر انسان باشد؛ پس باید او را باور داشت.
 ③ نمی‌شود نظم و انتظامی بر جهان حاکم باشد، مگر این که موجودی جاودان و برتر از ماده در کار باشد؛ زیرا هر جا که نظم وجود دارد، باید ناظمی هم باشد.
 ④ انسان از حقیقت نامتناهی تصویری دارد؛ این تصور نمی‌تواند از خود انسان که متناهی است، باشد؛ پس از جانب وجودی نامتناهی به انسان داده شده است.

۶۵- کدام عبارت درست است؟

سخت‌مرجع: سراسری- ۱۴۰۰

- ① به اعتقاد ارسطو یکی از عملکردهای اخلاقی عقل این است که برای مثال، درک می‌کند فضیلت قوه غضب، خویشتن‌داری است.
 ② کانت معتقد است کاری که انسان در آن نفع شخصی نداشته باشد، فضیلت شمرده می‌شود؛ مانند وقتی که از روی دلسوزی به کسی کمک می‌کند.
 ③ به اعتقاد فیلسوفان مسلمان، گرایش به خیر اخلاقی و تمایلات متضاد با آن، کم و بیش در همه انسان‌ها، چه معتقد به خدا باشند و چه نباشند، وجود دارد.
 ④ از آن‌جا که فیلسوفان طبیعت‌گرا و ماتریالیست فقط منافع شخصی را به رسمیت می‌شناسند، معتقدند هر گاه انسان بتواند، باید به هر میزان که می‌خواهد آزاد باشد.

درس ۷: عقل در فلسفه (۱) مقصود فیلسوفان از عقل

- ۶۶ - نتیجه فلسفی کاربرد هراکلیتوس از مفهوم «لوگوس»، در کدام عبارت به نحو مناسب‌تری بیان شده است؟
سخت‌مرجع: خارج از کشور - ۱۴۰۱
- ① سخن انسان در واقع، اندیشه‌های یک حقیقت متعالی است.
② حقیقتی برتر از عقل انسان وجود دارد که عقل مظهر او است.
③ آنچه در ذهن انسان است، با کلام ظاهر می‌شود و به دیگران می‌رسد.
④ لوگوس، هم به معنای وجود متعالی و هم به معنای کلمه و سخن است.
- ۶۷ - شناخت کدام مورد، به دانش عملی مربوط می‌شود؟
سخت‌مرجع: سراسری - ۱۴۰۱
- ① قوانینی که دلایل افول و نابودی تمدن‌های انسانی را نشان می‌دهند.
② عواملی که باعث شده رفتار انسان از سایر انواع حیوان متمایز باشد.
③ قوانینی که در تأمین عدالت اجتماعی و اقتصادی مؤثر هستند.
④ عواملی که باعث مقاومت بدن در مقابل بیماری‌ها می‌شوند.
- ۶۸ - شناخت کدام مورد به دانش عملی مربوط می‌شود؟
متوسط‌مرجع: خارج از کشور - ۱۴۰۱
- ① حد اعتدال قوای سه‌گانه نفس انسانی ② ویژگی ذاتی انسان و کارکردهای آن ③ بررسی تجرد یا مادیت نفس انسان ④ بررسی ویژگی‌های مغز انسان

عقل در یونان باستان

- ۶۹ - کدام عبارت، عقل عملی را به درستی و با دقت بیشتری توضیح می‌دهد؟
متوسط‌مرجع: خارج از کشور - ۱۴۰۰
- ① آن عقلی که به علوم عملی، یعنی بایدها و نبایدها، مهارت‌ها و فنون اختصاص دارد.
② جنبه‌ای از عقل که بایدها و نبایدها را مورد بررسی و شناخت قرار می‌دهد.
③ آن بُعد از وجود انسان که به انجام بایدها و پرهیز از نبایدها مبادرت می‌ورزد.
④ نوعی از عقل که به رفتارهای اختیاری و باید و نبایدهای او اختصاص دارد.
- ۷۰ - کدام عبارت، بیانگر «عقل جهانی» نزد افلاطون است؟
متوسط‌مرجع: خارج از کشور - ۱۳۹۹
- ① اولین موجودی است که خداوند آفرید.
② اندیشه‌ای است که جهان و موجودات آن را آفریده است.
③ حقیقتی است که جهان و موجودات عالم، ظهور او هستند.
④ حقیقتی است که قوه عقل، در اتصال با او قادر به درک می‌شود.

عقل نزد فیلسوفان دوره جدید اروپا

- ۷۱ - کدام عبارت بیانگر نظر اوگوست کنت است؟
متوسط‌مرجع: سراسری - ۱۴۰۰
- ① نهایت تلاش عقل در شناخت واقعیات، استفاده از مشاهدات برای دستیابی به دانش‌های تجربی و پیشرفت در آن است.
② شناخت واقعیت کار حواس است و آن چه نقش عقل در علم تجربی پنداشته می‌شود، برساخته فیلسوفان است.
③ روش معتبر در شناخت واقعیت، تجربه علمی است و عقل که به امور انتزاعی اختصاص دارد، دخالتی در آن ندارد.
④ در دستگاهی که فیلسوفان از جهان ارائه می‌دهند، اصول عقلی را با ساخته‌های ذهن خود، ارائه می‌دهند.

- ۷۲ - کدام عبارت نادرست است؟
سخت‌مرجع: سراسری - ۱۴۰۳
- ① هیچ فیلسوف پوزیتیویستی، منکر نقش عقل، در یافته‌های انسان از واقعیت‌های جهان هستی نیست.
② اختلاف میان فیلسوفان غربی درباره محدود کارآمدی عقل، با تأثیرپذیری از ترجمه آثار ابن‌سینا و ابن‌رشد آغاز شد.
③ امروزه در اروپا عقل به عقل تجربی تقلیل یافته، اما کارکردهای عقل اعتبار خود را به کلی از دست نداده است.
④ دکارت و عقل‌گرایان پس از وی، درباره عقل و ماهیت آن با فیلسوفانی مانند ارسطو و ابن‌سینا اختلاف اساسی دارند.

متوسط مرجع: خارج از کشور - ۱۴۰۲

۷۳ - اشتقاق فیلسوفان به دو گروه عقل گرا و تجربه گرا، به کدام مسئله مربوط می شود؟

- ① اختلاف نظر در مورد برتری عقل بر حس
② نقش عقل در شناخت موجودات طبیعی
③ قلمرو و محدودیت های قوه عقل
④ کاربردهای مختلف مفهوم عقل

درس ۸: عقل در فلسفه (۲) عقل نزد فیلسوفان مسلمان

متوسط مرجع: سراسری - ۱۴۰۲

۷۴ - کدام عبارت بیانگر نظر فیلسوفان مسلمان است؟

- ① استفاده از استدلال های عقلی صرف، ممکن است نتایجی مخالف وحی در پی داشته باشد؛ در این صورت باید با تلاش علمی، از تعارض های ظاهری آن دو کاست.
② آنچه که معارف وحی را برای غیر پیامبران قابل فهم و استفاده می کند، عقل است و ایمان جاهلانه، گمراه کننده و خطرناک است.
③ استدلال عقلی، شهود و وحی، راه هایی برای نیل به حقیقت اند؛ بنابراین در همه موضوعات به نتایج یکسان می رسند.
④ عالی ترین مرتبه شهود که وحی است و به پیامبران الهی اختصاص دارد، فقط از طریق تهذیب نفس قابل دستیابی است.

متوسط مرجع: خارج از کشور - ۱۴۰۱

۷۵ - کدام عبارت، تفاوت حکمت اشراقی با حکمت مشایی را به نحو دقیق تری بیان می کند؟

- ① بحث و استدلال را برای مطالعه مسائل وجود، کافی نمی داند.
② اساس آن سلوک معنوی و عرفانی و مجاهدت با نفس است.
③ به جای فلسفه ارسطو و یونان، از حکمت ایران باستان بهره می برد.
④ به جای مسئله واقعیت و وجود، به مسئله نور و مطالب مربوط به آن می پردازد.

متوسط مرجع: خارج از کشور - ۱۴۰۱

۷۶ - ملاک درستی یا نادرستی یک گزاره از نظر یک فیلسوف، کدام است؟

- ① بتوان نوعی استدلال در درستی آن گزاره اقامه کرد.
② عقل بتواند درباره هستی و چیستی آن گزاره بیندیشد.
③ استدلال برهانی، مطابقت آن گزاره را با واقعیت اثبات کند.
④ استدلال های عقلی، سازگاری آن را با مبانی و اصول فلسفه نشان دهند.

متوسط مرجع: سراسری - ۱۴۰۱

۷۷ - کدام عبارت با نظرات ابن سینا سازگار است؟

- ① آنچه که با عنوان «عقل کل» یاد شده، نام دیگری برای خدا است که خود جزئی از عالم عقول است.
② مرحله عقل بالملکه مرحله ای است که عقل از حالت هیولانی خارج شده و معلومات ساده ای را کسب کرده است.
③ منزلت عقل فعال نسبت به عقل انسان، همان منزلت چشم نسبت به نور است، با چشم است که نور مشهود می شود.
④ دستگاه تفکر و استدلال انسان در آغاز بالقوه است و شکوفایی آن مرحله به مرحله و نیازمند عالم عقول است.

متوسط مرجع: سراسری - ۱۳۹۹

۷۸ - کدام مورد، مستلزم نقش عقل، به عنوان یکی از منابع دینی است؟

- ① درک معانی آیات الهی
② وجود مبدایی برای عالم
③ استخراج احکام از متون دینی
④ دقت در حکمت وجود واجبات شرعی

متوسط مرجع: خارج از کشور - ۱۳۹۹

۷۹ - کدام مورد، نقش عقل را به عنوان منبع معرفت دینی مطرح می کند؟

- ① تفکر در دلایل فرائض دینی مطرح در قرآن
② لزوم نبوت و نزول وحی بر پیامبران
③ بررسی اهمیت و نقش عقل در متون دینی
④ استخراج حکم جدید از متون دینی

سخت‌مرجع: خارج از کشور- ۱۴۰۲

۸۰- کدام گزاره در مرحله عقل بالملکه و کدام یک در مرحله عقل بالفعل، قابل درک و دریافت است؟

- ① هر مجموعه‌ای زیرمجموعه‌اش را در بر می‌گیرد. - برخی از گزاره‌ها با استدلال قابل اثبات‌اند.
- ② همه فلزها بر اثر حرارت منبسط می‌شوند. - یک عبارت نمی‌تواند هم تصور باشد و هم تصدیق.
- ③ انسان دارای قوایی برای شناخت واقعیات است. - موجود مادی یا جاندار است یا بی‌جان.
- ④ هر مثلثی سه زاویه دارد. - ذهن براساس قواعد خاصی عمل می‌کند.

۸۱- به ترتیب، هر یک از موارد زیر با کدام مرحله از مراحل عقل مرتبط است؟

سخت‌مرجع: سراسری- ۱۴۰۲

- هر مجموعه‌ای زیرمجموعه‌های خود را دربر می‌گیرد.
- حیوانات یا خزنده هستند یا بر روی دو پا راه می‌روند.
- دو قضیه متضاد قابل جمع در صدق نیستند.

- ① عقل بالفعل - عقل بالفعل - عقل بالفعل
- ② عقل بالفعل - عقل بالفعل - عقل بالملکه
- ③ عقل بالملکه - عقل بالفعل - عقل بالملکه
- ④ عقل بالملکه - عقل بالملکه - عقل بالملکه

متوسط‌مرجع: خارج از کشور- ۱۴۰۰

۸۲- کدام عبارت درست است؟

- ① این ویژگی، خاص دانش فلسفه است که درستی یا نادرستی گزاره‌های آن را استدلال و برهان تعیین می‌کند.
- ② فیلسوفان تجربه‌گرای مسلمان، برخلاف گروه عقل‌گرا، استدلال تجربی و تمثیل را نیز در جای خود معتبر می‌دانند.
- ③ به اعتقاد فیلسوفان مسلمان، ایمانی که پشتوانه عقلی ندارد، می‌تواند عامل گمراهی فکری یا عملی انسان گردد.
- ④ اصل در دانش فلسفه، تقویت مهارت‌های منطقی و تفکر فلسفی است و دانستن تفکرات سایر فیلسوفان ضرورتی ندارد.

متوسط‌مرجع: سراسری- ۱۴۰۳

۸۳- کدام مورد در شمار کارکردهای عقل در مرحله بالملکه است؟

- ① درک تأثیر گذر زمان بر جسمی مانند A
- ② جست‌وجوی علت روشنایی پس از دیدن آن
- ③ تشخیص تعارض دو رفتار و تأثیر آن بر مخاطب
- ④ فهم اینکه دو جسم، هم‌زمان در یک‌جا نمی‌گنجند

بخش ۳: نگاهی اجمالی به سیر فلسفه در جهان اسلام درس ۹: آغاز فلسفه در جهان اسلام زمینه‌های رشد فلسفه

متوسط‌مرجع: سراسری- ۱۳۹۸

۸۴- کدام عبارت با توجه به جریان‌های فلسفی جهان اسلام درست است؟ (با تغییر)

- ① مخالفت‌های متکلمان با فلسفه موجب توجه بیشتر به فلسفه پس از ابن‌سینا شد.
- ② شیخ اشراق بر همراهی عقل و ذوق عرفانی تأکید دارد؛ اما در نظام فکری او غلبه با روش عقلی و استدلالی است.
- ③ مظهر و نماینده کامل عرفان اسلامی که عرفان را به صورت یک علم مدون درآورد، ابن عربی، معروف به معلم ثانی است.
- ④ حیات عقلی جامعه مسلمان موجب گسترش و رونق حیات علمی و حیات فلسفی گردید.

متوسط‌مرجع: خارج از کشور- ۱۳۹۸

۸۵- بیت زیر به کدام نکته به‌طور مستقیم اشاره دارد؟

«ای که از دفتر عقل آیت عشق آموزی
ترسم این نکته به تحقیق نتانی دانست»

- ① احساس بی‌نیازی عارف از براهین عقلی
- ② آیت بودن عقل و عشق نزد عارف
- ③ مقدمه بودن عقل برای نیل به عشق، نزد عارف
- ④ تلازم عقل و استدلال با عشق و مجذوبیت

۸۶- هر یک از موارد «الف» و «ب» به ترتیب، با کدام یک از عوامل زمینه‌ساز حیات عقلی جامعهٔ نوحاستهٔ مسلمانان، تناسب بیشتری دارد؟
(الف) قرآن کریم می‌فرماید: «اوست اول و آخر و اوست ظاهر و باطن».

متوسط مرجع: سراسری - ۱۴۰۲

(ب) پیامبر (ص) از میان دو گروه که یکی به عبادت و دیگری به گفت‌وگوی علمی مشغول بودند، به گروه دوم پیوست.

- ① طرح مباحث عقلی و فلسفی - تکریم علم به عنوان ثمرهٔ خردورزی
- ② طرح مباحث عقلی و فلسفی - دعوت به یادگیری علم در هر جا که باشد
- ③ ارزش قائل شدن برای خود اندیشه و خردورزی - طرح مباحث عقلی و علمی
- ④ ارزش قائل شدن برای خود اندیشه و خردورزی - تکریم پیوستهٔ عالمان و دانشمندان

حکمای مشا

۸۷- کدام کتاب، نوعی شرح فلسفی به شمار می‌رود و راه ادراک حقایق از نظر فارابی کدام است؟ (با تغییر)

متوسط مرجع: خارج از کشور - ۱۳۹۸

- ① اغراض مابعدالطبیعه - ریاست مدینهٔ فاضله
- ② اغراض مابعدالطبیعه - اتصال به عقل فعال
- ③ رسالهٔ جمع بین رأی دو حکیم - ریاست مدینهٔ فاضله
- ④ رسالهٔ جمع بین رأی دو حکیم - اتصال به ملک وحی

مقام علمی و فلسفی فارابی

۸۸- در کدام گزینه، عبارت اول درست و عبارت دوم نادرست است؟

سخت مرجع: منتآزمون - ۱۴۰۱

- ① در مدینهٔ جاهله هدف مردم فقط سلامت جسم و فراوانی لذت‌های دنیایی است - ابن سینا در کتابی به نام «اغراض ارسطو فی کتاب مابعدالطبیعه»، با دقت و توانایی بسیار نظرات ارسطو را شرح می‌کند.
- ② نهضت ترجمه از قرن دوم هجری آغاز شد و منحصر به دانش فلسفه نبود - اولین فیلسوف مسلمان به نام «ابو یوسف یعقوب بن اسحاق کندی، حدود ۲۷۰ کتاب و رساله از خود به یادگار گذاشته است.
- ③ حیات تعلقی مسلمانان، با ظهور اسلام و تشکیل جامعهٔ اسلامی آغاز شده است - ویژگی اصلی حکمت مشاء همان صورت استدلالی آن و الگو گرفتن از ارسطو بود.
- ④ از آنجا که ارسطو در مباحث فلسفی بیش از هر چیز به قیاس برهانی تکیه می‌کرد، فلسفهٔ اسلامی نیز صورت استدلالی قوی به خود گرفت - فارابی کتابی به نام «الجمع بین رأی الحکیمین» دارد که در آن، نظرات افلاطون و ارسطو را بیان می‌کند.

درس ۱۰: دوره میانی شیخ‌الرئیس فلسفه

۸۹ - با توجه به طبیعت‌شناسی ابن‌سینا، کدام عبارت نادرست است؟

سخت‌مرجع: خارج از کشور - ۱۳۹۴

- ۱) شرور و نقایص طبیعی، زمینه‌ساز خیر و کمال طبیعت هستند.
- ۲) هر موجودی با توجه به طبیعت خود ضرورتاً به کمال می‌رسد.
- ۳) کشف ویژگی‌ها و روابط پدیده‌های عالم طبیعت، منجر به شکل‌گیری علوم طبیعی می‌شود.
- ۴) با توجه به بخشی از طبیعت نمی‌توان درباره آن داوری کلی کرد.

۹۰ - کدام عبارت را می‌توان از دیدگاه ابن‌سینا در طبیعت‌شناسی نتیجه گرفت؟

سخت‌مرجع: سراسری - ۱۴۰۰

- ۱) همه موجودات طبیعی، دارای طبیعتی خاصی هستند که براساس حرکات و تحولات آنها شکل می‌گیرد.
- ۲) تحقیق در ماورای طبیعت، دانشمند را از روابط میان پدیده‌ها آگاه می‌کند و به خشوع در برابر حق وا می‌دارد.
- ۳) با توجه به اینکه نظام عالم احسن است، داوری در مورد وقایع مخرب طبیعی که خیرند یا شر، غیرممکن است.
- ۴) وجود هر موجود طبیعی، از جهاتی خیر است و از جهاتی دیگر شر؛ اما در مجموعه عالم، وجودش جز خیر نیست.

۹۱ - پاسخ اصلی ابن‌سینا به این سؤال که «چرا نظام عالم نظام احسن است»، کدام است؟

متوسط‌مرجع: سراسری - ۱۳۹۶

- ۱) وقایع ویرانگر هم جزء ضروری نظام عالم هستند.
- ۲) هر موجودی به‌سوی خیر و کمال حرکت می‌کند.
- ۳) نظام موجودات منطبق بر علم الهی است.
- ۴) هر موجودی در طبیعت نقش خاصی دارد.

۹۲ - هر یک از آثار باقی‌مانده از ابن‌سینا که به‌عنوان دایرة‌المعارف علمی و فلسفی، فرهنگنامه پزشکی، ابواب مختلف حکمت و آخرین دیدگاه‌های فلسفی، به جای مانده، به ترتیب، کدام است؟

متوسط‌مرجع: خارج از کشور - ۱۳۸۹

- ۱) قانون - شفا - اشارات و تنبیهات - دانشنامه‌ی علایی
- ۲) شفا - قانون - اشارات و تنبیهات - دانشنامه‌ی علایی
- ۳) قانون - شفا - دانشنامه‌ی علایی - اشارات و تنبیهات
- ۴) شفا - قانون - دانشنامه‌ی علایی - اشارات و تنبیهات

۹۳ - به اعتقاد ابن‌سینا «عنایت» که همان بر همه موجودات است، نظام احسن را تحقق می‌بخشد و بهترین روش برای تحقیق در عالم طبیعت، است.

متوسط‌مرجع: سراسری - ۱۳۸۸

- ۱) احاطه و شمول علم باری تعالی - سازگاری تحقیق با هدف و غایت خلقت جهان
- ۲) فیاضیت و بخشندگی مطلق خداوند - سازگاری تحقیق با هدف و غایت خلقت جهان
- ۳) احاطه و شمول علم باری تعالی - فراگیری تحقیق، تمام اجزای شکل‌دهنده هستی
- ۴) فیاضیت و بخشندگی مطلق خداوند - فراگیری تحقیق، تمام اجزای شکل‌دهنده هستی

۹۴ - طراح اندیشه فلسفه اسلامی، در اثر فلسفی خود به نام بود و ابواب مختلف حکمت از سوی ابن‌سینا در مطرح شد. (با اندکی تغییر)

متوسط‌مرجع: سراسری - ۱۳۸۸

- ۱) ابن‌سینا - الأشارات و التنبیهات - شفا
- ۲) فارابی - رسالة جمع بین رأی دو حکیم - قانون
- ۳) ابن‌سینا - الأشارات و التنبیهات - دانشنامه‌ی علایی
- ۴) فارابی - رسالة جمع بین رأی دو حکیم - دانشنامه‌ی علایی

۹۵- کدام عبارت با دیدگاه‌های ابن‌سینا سازگاری بیشتری دارد؟

سخت‌مرجع: سراسری- ۱۴۰۲

- ۱) شناخت جهان طبیعت به مدد مشاهده، استقرا، روش تجربی و بر اساس اصول عقلانی امکان‌پذیر می‌شود.
- ۲) مشاهده دقیق، استقرا و آزمایش‌های مکرر، دانشمند را به یک بینش کلی نسبت به مراتب وجود می‌رساند.
- ۳) با بررسی و مطالعه تجربی تک‌تک موجودات جهان، وجود یک مبدأ که خالق نظام احسن است، اثبات می‌شود.
- ۴) هریک از موجودات عالم، طبیعتی دارد که هم آثار آن موجود را تعیین می‌کند و هم منشاء آثار کل عالم طبیعت می‌شود.

۹۶- در مورد حکمت اشراق کدام عبارت صحیح نیست؟

متوسط‌مرجع: خارج از کشور- ۱۳۹۱

- ۱) فیلسوف اشراقی، تحقیق فلسفی به شیوه استدلالی محض را بی‌حاصل می‌داند.
- ۲) حکیم اشراقی، بحث از وجود است ولی استدلال را با سیر و سلوک همراه می‌سازد.
- ۳) کوشش فیلسوف اشراقی بر آن است که هرچه را بر پایه عقل استوار سازد، با ذائقه دل نیز دریابد.
- ۴) در مقایسه با تصوف، این به برهان چندان بها نمی‌دهد.

۹۷- کدام عبارت با نظرات سهروردی ناسازگار است؟ (با تغییر)

متوسط‌مرجع: سراسری- ۱۳۹۸

- ۱) از نظر سهروردی مبدأ جهان و خالق هستی همان نورالانوار است.
- ۲) منظور از مغرب کامل، عالم ماده است که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته است.
- ۳) در فلسفه اشراق مغرب و مشرق صرفاً در جغرافیای عرفانی معنا پیدا می‌کنند.
- ۴) در عالم مجردات، موجوداتی وجود دارند که با هم رابطه علی ندارند و امور طبیعی را تدبیر می‌کنند.

۹۸- منظور سهروردی از نور، کدام است؟

متوسط‌مرجع: سراسری- ۱۳۹۶

- ۱) هستی مطلق ۲) حقایق مجرده ۳) واقعیت اشیاء ۴) ذات باری تعالی

۹۹- به اعتقاد شیخ اشراق، حکیم متأله کسی است که است.

متوسط‌مرجع: خارج از کشور- ۱۳۸۸

- ۱) بین معرفت ظاهری و فلسفه استدلالی، توافق عقلی برقرار کرده
 ۲) به تصفیه نفس پرداخته و درون را به نور معرفت روشنی بخشیده
 ۳) به معرفت ظاهری دست یافته و در فلسفه استدلالی به کمال رسیده
 ۴) در صور برهانی به حد کمال رسیده و به اشراق و عرفان هم دست یافته

۱۰۰- کدام عامل نزد حکمای مسیحی قرون یازدهم تا سیزدهم میلادی، به حاکمیت عقل در برابر دین منجر شد؟

متوسط‌مرجع: سراسری- ۱۴۰۲

- ۱) کشف توانایی عقل برای اثبات و تبیین مسائل دینی
 ۲) انشعاب فیلسوفان اروپایی به دو دسته عقل‌گرا و تجربه‌گرا
 ۳) روی آوردن فیلسوفان به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی
 ۴) ناسازگاری میان تبیین عقلانی مسائل دینی با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک

۱۰۱- حمل دارای دو قطر مساوی بر «مربع»، از نظر نسبت، مانند کدام حمل است؟

سخت‌مرجع: خارج از کشور- ۱۴۰۰

- ۱) دوزنقه بر مثلث
 ۲) متساوی‌الاضلاع بر مثلث
 ۳) مثلث بر دارای اضلاع
 ۴) دارای زاویه بر مستطیل

۱۰۲ - کدام عبارت مورد اختلاف ابن سینا و ملاصدرا است؟

سخت مرجع: سراسری - ۱۴۰۰

- ① انسان حقیقتی دو بعدی دارد.
 ② روح موجودی غیر زمینی و از جنس مجردات است.
 ③ روح، موجودی مجرد با ظرفیت بی پایان است.
 ④ هر اتفاقی برای جسم رخ دهد، روح خبردار می شود.

۱۰۳ - کدام عبارت درباره مشرب فلسفی ملاصدرا نادرست است؟

متوسط مرجع: سراسری - ۱۴۰۲

- ① همه مباحث فلسفی وی، از معیارهای پذیرفته شده در دانش فلسفه تبعیت می کنند.
 ② با آثار عرفا به خوبی آشنایی داشته و در شکل گیری نظام فلسفی او مؤثر بوده است.
 ③ در اثبات برخی حقایق فلسفی، از آیات قرآن به عنوان مقدمات استدلال هایش استفاده کرده است.
 ④ مکتب فکری او ثمره پیوند فلسفه های مشایی و اشراقی و بهره مندی از شهود قلبی و وحی قرآنی است.

۱۰۴ - کدام عبارت درست است؟

متوسط مرجع: خارج از کشور - ۱۳۹۸

- ① برای توضیح و تفسیر معارف دینی، می توان از مفاهیم فلسفی کمک گرفت.
 ② در معارف دینی اسلام، از ابتدا، یک نظام مابعدالطبیعی به ثمر نشسته بود.
 ③ دعوت قرآن به تفکر در آیات الهی، برای نشان دادن عجز انسان از فهم است.
 ④ برخی از معارف دینی به ذات خود فلسفی هستند و به زبان مابعدالطبیعه بیان شده اند.

۱۰۵ - مناسب ترین دلیل برای اینکه ملاصدرا نام مهم ترین کتاب فلسفی خود را براساس مراحل سفر عرفانی انتخاب کرده، کدام است؟

متوسط مرجع: سراسری - ۱۴۰۲

- ① وی در این کتاب، مراحل چهارگانه سفر عرفانی را تبیین عقلی و فلسفی کرده است.
 ② در این کتاب، مباحث فلسفی متناظر با مراحل سفر عرفانی دسته بندی و تدوین شده اند.
 ③ مباحث این کتاب در مورد چگونگی سلوک به سوی حق و سپس بازگشت به خلق است.
 ④ ملاصدرا فیلسوفی عارف بود و عارفان معتقدند که سیر و سلوک انسان به سوی کمال، مراحل دارد.

حکمت متعالیه و اصول اولیه آن

۱۰۶ - مبنای بحث «اصالت وجود و اصالت ماهیت» کدام گزینه است؟

سخت مرجع: سراسری - ۱۳۹۸

- ① تعیین ملاک نیازمندی معلول به علت
 ② پذیرش وجود واقعیت های مستقل از ذهن
 ③ تجزیه واقعیت یگانه در ذهن، به دو مفهوم جداگانه
 ④ تبیین منشأ اختلاف موجودات از نظر خواص و آثار

۱۰۷ - ملاصدرا کدام عبارت را می‌پذیرد؟

سخت‌مرجع: خارج از کشور- ۱۴۰۱

- ① اصالت وجود می‌گوید اگر برای مثال یک کبوتر را در نظر بگیرید، مایزاءِ واقعیت، وجود این کبوتر است و کبوتر بودنش، همان وجود داشتنش است.
- ② ذهن عادی چنین می‌فهمد که در جهان ماهیت‌هایی مانند انسان و اسب و شیر هست که مفهوم مشترک وجود را به نحو یکسان از آنها می‌فهمیم.
- ③ هنگامی که زردآلویی را جلوی چشمان خود می‌گیریم و با دقت به آن می‌نگریم، ذهن ما وجود زردآلو را هم، از زردآلو بودن آن نتیجه می‌گیرد.
- ④ حقیقت مانند کانون نور است که هم نور ضعیف و هم نور قوی در آن هست و ترکیب نور قوی و نور ضعیف، همان ترکیب ماهیت و وجود است.

۱۰۸ - با توجه به نظام فلسفی ملاصدرا، کدام عبارت درست است؟

سخت‌مرجع: سراسری- ۱۴۰۱

- ① برهان خاص ملاصدرا در اثبات خدا، فقط با در نظر گرفتن اصالت وجود، وحدت حقیقت و مراتب داشتن آن، قابل فهم و تبیین است.
- ② ملاصدرا براساس سه اصل اصالت و وحدت وجود و مراتب داشتن آن، نظام جهان را تبیین می‌کند و حق را غنی بالذات و خارج از این نظام می‌داند.
- ③ براساس اصل اصالت وجود، تنوع و کثرتی که در موجودات جهان وجود دارد، حاکی از وجودهای مختلفی است که همگی از وجود یگانه‌ای هستی گرفته‌اند.
- ④ تفاوت ملاصدرا با عارفان در مسئله وحدت حقیقت وجود این است که وی آن را مستدل می‌کند و نشان می‌دهد که کثرت، به جنبه ماهوی موجودات بازمی‌گردد.

۱۰۹ - اگر هم «وجود» و هم «ماهیت» اعتباری باشند، کدام نتیجه به دست می‌آید؟

متوسط‌مرجع: خارج از کشور- ۱۳۹۸

- ① زیادت وجود بر ماهیت، در ذهن
- ② تمایز ذاتی موجودات از یکدیگر
- ③ بسته شدن راه شناخت واقعیات
- ④ اشتراک موجودات در اصل وجود و اختلاف ماهیات آنها

۱۱۰ - کدام مورد از مبانی فلسفی حکمت مشاء محسوب می‌شود؟

متوسط‌مرجع: سراسری- ۱۳۸۱

- ① اصالت وجود
- ② تشکیک وجود
- ③ مغایرت خارجی وجود و ماهیت
- ④ مغایرت ذهنی وجود و ماهیت

۱۱۱ - کدام عبارت با نظرات ملاصدرا سازگار است؟

سخت‌مرجع: خارج از کشور - ۱۴۰۰

- ① آنچه اصیل است، وجود است و ماهیت انتزاعی است، یعنی هیچ‌گونه واقعیتی ندارد.
- ② میان وجود و ماهیت، وجود امری واقعی و ماهیت مفهومی ساخته و پرداخته ذهن افراد است.
- ③ ذهن عادی و طبیعی انسان، در مسئله اصالت وجود یا ماهیت، حقیقت را وارونه نشان می‌دهد.
- ④ وحی و شهود را باید در فلسفه به همان نحوی به کار گرفت که عقل و استدلال به کار می‌روند.

۱۱۲ - در صورتی که برخی از دستاوردهای عقل با داده‌های وحی متعارض به نظر برسند، با توجه به نظرات ملاصدرا، کدام احتمال مطرح نمی‌شود؟

سخت‌مرجع: سراسری - ۱۴۰۰

- ① در دستاوردهای عقل خطایی رخ داده است.
- ② برخی از داده‌های وحی را به درستی نفهمیده‌ام.
- ③ آنچه را که به اشتباه، داده وحی تصور کرده‌ایم، داده وحی نیست.
- ④ وقتی دستاوردهای عقل، با قرآن و سنت متعارض به نظر رسد، باید عقل را کنار گذاشت.

۱۱۳ - کدام عبارت بیانگر نظر ملاصدرا است؟

متوسط‌مرجع: سراسری - ۱۳۹۸

- ① وحی فقط همان را می‌گوید که عقل به آن رسیده باشد.
- ② هر چه را که وحی گفته باشد، باید بتوان با عقل اثبات کرد.
- ③ عقل دو وظیفه دارد: اداره امور زندگی و اثبات حقانیت دین.
- ④ عقل و وحی دو منبع مستقل از یکدیگر، اما مؤید همدیگرند.

۱۱۴ - کدام عبارت معنای «ماهیت و اعتباری بودن آن» را در حکمت متعالیه، به نحو مناسب‌تری بیان می‌کند؟

متوسط‌مرجع: سراسری - ۱۴۰۳

- ① مفهومی که ذهن از حقیقت موجودات انتزاع می‌کند
- ② مفهومی که تمایز و اختلاف موجودات به آن برمی‌گردد
- ③ مفهومی که از چیستی هر موجود در ذهن منعکس می‌شود
- ④ چیستی موجودات که ساخته و پرداخته ذهن اشخاص است

۱۱۵ - کدام مورد در توضیح مفهوم «اصالت» در بحث «اصالت وجود یا ماهیت» مناسب‌تر است؟

متوسط‌مرجع: سراسری - ۱۳۹۶

- ① آنچه که قائم به چیز دیگری نیست.
- ② مفهومی که دارای منشأ واقعی باشد.
- ③ چیزی که دارای نوعی مصداق باشد.
- ④ آنچه که واقعیت را تشکیل می‌دهد.

۱۱۶ - کدام عبارت نظر ملاصدرا را به درستی بیان می‌کند؟

متوسط‌مرجع: سراسری - ۱۴۰۰

- ① از میان دو مفهوم «انسان» و «وجود»، وجود مفهومی واقعی و انسان مفهومی ساخته ذهن اشخاص است.
- ② ماهیت‌ها اموری ذهنی هستند که ما آنها را به موجودات گوناگون نسبت می‌دهیم.
- ③ در خارج از ذهن ما، آنچه که واقعاً هست، یک حقیقت است و آن، وجود است.
- ④ با توجه به واقعی بودن وجود، هیچ جایی برای تکثر و کثرت در عالم نیست.

درس ۱۲: حکمت معاصر الگویی از نظام فکری و عملی

۱۱۷ - کدام عبارت برای یک فیلسوف تجربه‌گرا غیر قابل پذیرش است؟

متوسط‌مرجع: سراسری - ۱۴۰۲

- ① روشی که عقل با آن به شناخت واقعیت می‌رسد، روش تجربی است.
- ② عقل انسان، قادر به شناخت قانون‌های طبیعت است.
- ③ انسان به کمک عقل، امور زندگی خود را تدبیر می‌کند.
- ④ عقل، نقشی در بررسی و اثبات درستی گزاره‌ها ندارد.

فلسفه 1

فصل ۱: فلسفه و ابعاد آن درس ۱: چیستی فلسفه مقدمه

۱۱۸ - روان‌شناسی رفتارگرا مطالعات خود را بر کدام اساس قرار می‌دهد؟

سخت‌مرجع: سراسری - ۱۳۹۸

- ① حقیقت ذهن ② شناخت شخصیت ③ پدیده‌های مادی ④ پدیده‌های مشاهده‌پذیر

انسان و تفکر

۱۱۹ - کدام عبارت درست است؟

متوسط‌مرجع: سراسری - ۱۴۰۱

- ① شخصی که بتواند نظرات خود را مستدل کند، فیلسوف است.
② برای تفکر یا فهم فلسفی، ضرورتی ندارد دانش فلسفه آموخته باشیم.
③ فیلسوف حقیقی، همواره می‌کوشد تا واقعیت‌ها را با باورهای خود هماهنگ کند.
④ هرگاه تعجب انسان در اثر یک عامل برانگیخته شود، با یک سؤال فلسفی مواجه می‌شود.

متوسط‌مرجع: سراسری - ۱۴۰۲

۱۲۰ - در کدام مورد، مراحل رسیدن به درک و دریافت فلسفی از یک موضوع، به درستی بیان شده است؟

- ① اختلاف‌نظر متفکران در مورد سعادت ← سعادت چیست؟ ← اعتدال میان قوا، عامل سعادت انسان است. ← سعادت انسان مشروط به وجود عالم آخرت است.
② آیا علیت در سراسر هستی جاری است؟ ← این عالم یک پدیده است، پس حتماً علتی دارد. ← پیر شدن انسان چه علتی دارد؟ ← چون انسان دارای بدن مادی است، پیر می‌شود.
③ از دنیا رفتن یکی از اطرافیان ← آیا مرگ، نابودی و نیستی است؟ ← انسان دارای نفس غیرمادی است. ← مرگ انتقال از عالم ماده به عالمی دیگر است.
④ مشاهده یک دختر بچه دستفروش ← آیا عدالت در مورد این دختر بچه تحقق یافته است؟ ← چگونه می‌توان فقر را در جامعه کاهش داد؟ ← عدالت، قرار گرفتن هر کس در جای مناسب خویش است.

سخت‌مرجع: متنازمن- ۱۴۰۱

۱۲۱- چند مورد از موارد زیر نادرست است؟

- ۱- واژه فلسفه، توسط فیثاغورس بر زبان‌ها افتاد و عمومی شد.
- ۲- فیلسوفیا مرکب از دو کلمه است.
- ۳- فیلسوفیا به معنی «دوستدار دانایی» است.
- ۴- دانشمندان قبل از سقراط خود را سوفیست می‌نامیدند.
- ۵- کلمه سفسطه که از زبان یونانی از لفظ سوفیست گرفته شد، معنای مغالطه‌کاری پیدا کرد.

① ۲ ② ۳ ③ ۱ ④ ۴

دانش فلسفه و واژه فلسفه و ویژگی های آن

۱۲۲- کدام مورد را می‌توان پرسش فلسفی دانست؟

متوسط‌مرجع: سراسری- ۱۴۰۰

- ① فلسفه چگونه دانشی است؟ ② فلسفه خواندن نماز چیست؟ ③ زندگی کردن چه فایده‌ای دارد؟ ④ آیا تفکر تابع قواعد خاصی است؟

متوسط‌مرجع: خارج از کشور- ۱۳۹۹

۱۲۳- کدام عبارت درست است؟

- ① برخی از مسائل فلسفه با روش تجربی قابل بررسی است، اما روش کلی فلسفه، روش عقلی است.
- ② فلسفه مانند همه دانش‌های دیگر قانونمند است و با استفاده از روشی خاص، مسائل خود را بررسی می‌کند.
- ③ تفکر فلسفی خاص فیلسوفان نیست، بلکه از همان آغازین روزهای حیات هر انسانی خود را نشان می‌دهد.
- ④ همه انسان‌ها به شرط دقت در افکار، تصمیمات و اعمال روزمره خود، دچار نوعی حیرت فلسفی می‌شوند.

سخت‌مرجع: متنازمن- ۱۴۰۲

۱۲۴- مهم‌ترین هدف سوفیست‌ها بود و از این رو در استدلال‌های خود بیشتر از کمک می‌گرفتند.

- ① جدل - سفسطه ② تعلیم سخنوری و وکالت - تحلیل عقلی
 ③ جدل - تحلیل عقلی ④ تعلیم سخنوری و وکالت - سفسطه

درس ۲: ریشه و شاخه‌های فلسفه بخش اصلی فلسفه

۱۲۵- کدام عبارت درست است؟ (با تغییر)

متوسط‌مرجع: سراسری- ۱۳۹۸

- ① بررسی مصادیق رابطه علیت برعهده علوم است. ② همه اشیا در چیستی یا ماهیت با یکدیگر مشترک‌اند.
 ③ فلسفه اولی کوشش است برای تبیین عقلانی پدیده‌ها ④ بررسی مبانی فلسفی علوم مختلف برعهده فلسفه اولی است.

متوسط‌مرجع: خارج از کشور- ۱۳۹۹

۱۲۶- کدام عبارت توصیف درستی از حیطه‌های فلسفه ارائه می‌دهد؟

- ① هستی‌شناسی، پل ارتباطی میان فلسفه‌های مضاف و دانش‌های بشری است.
- ② هستی‌شناسی، بخش اصلی فلسفه است که ریشه و شاخه‌های فلسفه را در برمی‌گیرد.
- ③ فلسفه‌های مضاف، مسائل خاص فلسفه را وارد حیطه‌های گوناگون علوم و فنون می‌کنند.
- ④ هر شاخه فلسفه، قسمتی از فلسفه است که بنیان آن را یکی از شاخه‌های علوم می‌سازد.

سخت‌مرجع: سراسری- ۱۳۹۶

۱۲۷- کدام مورد در اصل یک سؤال فلسفی است؟

- ① کدام مکتب انسان را تابع اقتصاد می‌داند؟
 ② آیا انسان‌ها در ابتدا نژاد واحدی داشته‌اند؟
 ③ آزادی تابع فرهنگ است یا فرهنگ تابع آزادی؟
 ④ چگونه انسان می‌تواند خودخواهی را با دیگرخواهی جمع کند؟

متوسط‌مرجع: سراسری- ۱۳۹۹

۱۲۸- کدام عبارت درست است؟

- ① رشته‌های مختلف دانش، رابط فلسفه‌ی اولی با فلسفه‌های مضاف هستند.
 ② در حیطه‌ی فلسفه‌ی سیاست، یک فیلسوف در عین حال باید سیاستمدار هم باشد.
 ③ فلسفه‌ی اولی بخش اصلی فلسفه است که ریشه و شاخه‌های فلسفه را در برمی‌گیرد.
 ④ مکتب‌های گوناگون تربیتی عصر حاضر، در آثار بسیاری از فیلسوفان قدیمی ریشه دارد.

متوسط‌مرجع: سراسری- ۱۳۹۷

۱۲۹- کدام سؤال به حوزه‌ی مسائل معرفت‌شناسی مربوط می‌شود؟

- ① آیا یادآوری خاطرات خوشایند، بر همه‌ی انسان‌ها تأثیر یکسان دارد؟
 ② اگر حافظه‌ی جایی در مغز داشته باشد، خاطره‌ی یک کوه را چگونه می‌توان جای داد؟
 ③ آیا فعالیت‌های مغز در زمان مرور خاطرات خوش و خاطرات رنج‌آور، یکسان است؟
 ④ زمانی که انسان در خود، نسبت به کسی احساس محبت می‌کند، آیا در مغز او نیز اتفاقی می‌افتد؟

متوسط‌مرجع: سراسری- ۱۴۰۳

۱۳۰- در کدام عبارت فقط به بخش ریشه‌ای فلسفه پرداخته شده است؟

- ① به نظر افلاطون همه‌ی ما خیر و زیبایی برین را می‌شناسیم؛ زیرا با دیده‌ی درون می‌توان حقایق الهی را مشاهده کرد و نقش تربیت شکوفا کردن همین جنبه‌ی الهی است.
 ② سقراط می‌گفت که یک نیروی فوق بشری همواره مراقب اوست و او را از بعضی کارها یا سخنان منع می‌کند. او گاهی سخنش را به این دلیل که ندای غیبی مانع اوست، ناتمام می‌گذاشت.
 ③ پروتاگوراس می‌گفت: درباره‌ی خدایان، مطمئن نیستیم که هستند یا نیستند یا به چه چیزی شبیه‌اند؛ زیرا ابهام موضوع و کوتاهی عمر بشر، مانع معرفت یقینی است.
 ④ سقراط در پاسخ این سؤال که پس از مرگ چگونه تو را به خاک بسپاریم می‌گفت: اگر توانستید مرا نگه دارید و از چنگ شما نگریختم، هر گونه که می‌خواهید به خاک بسپارید.

متوسط مرجع: سراسری - ۱۴۰۲

۱۳۱ - کدام عبارت درست است؟

- ① با تأمل فیلسوفانه در شاخه‌هایی از فلسفه مانند فلسفه تاریخ و فلسفه حقوق، دانش‌هایی چون تاریخ و حقوق شکل می‌گیرد.
- ② فلسفه‌های مضاف در عین این که مسائل مشترک میان علوم و فلسفه را مطرح می‌کنند، بنیان‌های عقلی علوم نیز هستند.
- ③ امکان شناخت وجود، فرع بر معرفت آن است و به همین دلیل یکی از مسائل فلسفه، امکان یا عدم امکان شناخت است.
- ④ آن دسته از دانش‌هایی که قوانین بنیادی علوم را به وجودشناسی منتقل می‌سازند، شاخه‌های فلسفه هستند.

فلسفه‌های مضاف

سخت مرجع: خارج از کشور - ۱۴۰۲

۱۳۲ - در کدام عبارت، اساس و شالوده بودن فلسفه‌های مضاف برای نظریات علمی نمایان است؟

- ① عوالم مجرد از ماده نیز وجود دارند و با توجه به اینکه نفس انسان تابع قوانین فیزیکی نیست، به عالم مجرد از ماده تعلق دارد.
- ② برای پیشرفت جامعه، مالکیت خصوصی باید محترم شمرده شود؛ زیرا جامعه مجموعه افرادی است که کنار هم زندگی می‌کنند.
- ③ براساس شواهد تاریخی، انسان توانایی تأثیرگذاری بر جامعه و تغییر آن را دارد؛ بنابراین دارای قدرت اختیار و تصمیم‌گیری است.
- ④ با توجه به گستردگی ابعاد و ژرفای حقیقت انسان، با تأمل در نفس می‌توان برخی از قوانین بنیادی هستی را درک کرد.

سخت مرجع: متنازمن - ۱۴۰۲

۱۳۳ - مبانی و زیربنای علوم در بررسی می‌شوند و تأمین‌کننده آزادی‌های فردی است.

- ① فلسفه مضاف - لیبرالیسم ② فلسفه مضاف - سوسیالیسم ③ فلسفه - لیبرالیسم ④ فلسفه - سوسیالیسم

۱۳۴ - فلسفه علوم اجتماعی یکی از شاخه‌های مهم کدام دانش است و اعتقاد به «توانایی تأثیرگذاری افراد بر جامعه و تغییر جامعه» در کدام دیدگاه مطرح شده است؟

سخت مرجع: متنازمن - ۱۴۰۲

- ① فلسفه - بینابین ② علوم اجتماعی - بینابین ③ علوم اجتماعی - سوسیالیسم ④ فلسفه - سوسیالیسم

درس ۳: فلسفه و زندگی معنای زندگی

۱۳۵ - کدام عبارت، درباره فیلسوفان و تفکر فلسفی درست است؟

متوسط مرجع: خارج از کشور - ۱۴۰۱

- ۱ رسیدن به شناخت درستی از واقعیت، مستلزم پرهیز از مغالطه است؛ از این رو، فیلسوفان با مغالطه‌ها سروکار دارند.
- ۲ فیلسوف می‌خواهد خود را از بند عادات نابخردانه، پیش‌داوری و تعصب برهاند و هدف او از کشف حقیقت، همین است.
- ۳ انسان موجودی کنجکاو و متفکر است؛ کسانی که سوالات و کنجکاوی‌های خود را به‌نحو جدی پیگیری می‌کنند، اهل تفکر فلسفی‌اند.
- ۴ فیلسوف کسی است که در موقعیت‌های گوناگون زندگی می‌اندیشد و باورهایی منظم و پیوسته دارد. هرچند استدلالی نداشته باشد.

۱۳۶ - با توجه به تمثیل غار افلاطون، کدام عبارت درست است؟

سخت مرجع: خارج از کشور - ۱۴۰۲

- ۱ زندانیان درون غار، از واقعیت همه موجودات به جز خودشان بی‌خبرند.
- ۲ زندانیان تا وقتی که در غار اسیرند، توان درک نشانه‌های واقعیت بیرونی را ندارند.
- ۳ شخصی که زندانی را یاری می‌کند تا از غار خارج شود و به تدریج به روشنی خو کند، نماد عقل است.
- ۴ اگر یکی از زندانیان به‌طور اتفاقی از بند رها شود، دیگر حاضر به بازگشت به جایگاه قبلی خود نیست.

۱۳۷ - برای پی بردن به معنای زندگی افراد باید به‌ترتیب زیر عمل کنیم:

سخت مرجع: متنازمن - ۱۴۰۲

- ۱ زیر نظر گرفتن اطرافیان - تحلیل طرز فکر آنها - بررسی حرف‌ها و رفتارهایشان - پی بردن به اهداف آنها در زندگی
- ۲ بررسی حرف‌ها و رفتارهایشان - کشف برخی از ریشه‌های فکری آنها - تحلیل افکار و عقایدشان - حدس اهداف زندگی آنها
- ۳ زیر نظر گرفتن آنها - پی بردن به اهدافشان در زندگی - تحلیل رفتارهای آنان - کشف برخی ریشه‌های فکری آنان
- ۴ بررسی رفتارها و حرف‌هایشان - پی بردن به اهداف آنها در زندگی - تحلیل باورهای فکری آنها - پی بردن به معنای زندگی آنها

فواید تفکر فلسفی

متوسط مرجع: خارج از کشور - ۱۴۰۰

۱۳۸ - کدام مورد، ویژه تفکر فلسفی است؟

- ① تأمل در باورهای بنیادین زندگی
 ② استفاده از روش عقلی و استدلالی
 ③ تلاش برای رهایی از عادت‌های غیرمنطقی
 ④ تلاش برای پاسخ قانونمند به سؤالات مطرح شده

متوسط مرجع: سراسری - ۱۴۰۲

۱۳۹ - کدام یک، هدف اصلی طرح تمثیل غار را بیان می‌کند؟

- ① توصیف چگونگی اسارت انسان در بند عادت‌ها
 ② نشان دادن نقش عقل در رهایی از جهل
 ③ بیان تدریجی بودن سیر عقلانی به سوی حقیقت
 ④ نشان دادن نقش تعصبات در دوری از حقیقت

درس ۴: آغاز تاریخی فلسفه فیلسوفان یونان باستان

متوسط مرجع: سراسری - ۱۴۰۰

۱۴۰ - کدام عبارت بیان‌کننده اندیشه‌های فیثاغورس و پیروان او است؟

- ① نظم ریاضی در همه موجودات جریان دارد و جهان را فقط با دانش ریاضیات می‌توان شناخت.
 ② جهان ساختاری ریاضی دارد و مبادی اولیه موجودات، همان اصول شکل‌ها و عددها هستند.
 ③ اصول ریاضیات درباره همه موجودات صادق است؛ زیرا عناصر اولیه موجودات، سازنده اعداد هستند.
 ④ اصول و مبادی اولیه جهان، سازنده اعداد و اصول اعدادند و اعداد، موجودات جهان را شکل داده‌اند.

متوسط مرجع: خارج از کشور - ۱۳۹۹

۱۴۱ - با توجه به نظرات فیلسوفان اولیه، کدام عبارت درست است؟

- ① گزنوفانس معتقد بود خدای خدایان در هیچ چیز شبیه موجودات جهان نیست و بی‌همتا است.
 ② پارمندیس نخستین کسی بود که به روشنی دریافت، «بودن» و «شدن» از ویژگی‌های اساسی موجودات است.
 ③ هراکلیتوس معتقد بود ستیزه و جنگ دائمی، موجودات را ایجاد می‌کند و آتش، آن‌ها را سوزانده و نابود می‌کند.
 ④ از آثار تالس می‌توان فهمید که معتقد بوده ماده اولیه سازنده جهان، آب است و بنیان اشیا بر آب قرار گرفته است.

سخت مرجع: خارج از کشور - ۱۳۹۶

۱۴۲ - کدام عبارت درست است؟

- ① یونان را مهد تفکر فلسفی دانسته‌اند، چرا که ظهور اندیشه در آن، باعث شد که زبان تعقل جای زبان افسانه را بگیرد.
 ② بی‌اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه سبب شد تا نظرات متضادی از سوی جهان‌شناسان باستان عرضه شود.
 ③ بیشتر عوامل سازنده تمدن، قبل از هر تمدن دیگری، در بین‌النهرین، یونان و مصر پدیدار شده بود.
 ④ اسطوره‌ها، در حقیقت نشان‌دهنده تأملات آغازین بشر در مورد هستی و جهان هستند.

- ۱۴۳ - پارمنیدس از این استدلال که «هستی از نیستی به وجود نمی‌آید و نیستی به هستی تبدیل نمی‌شود»، به کدام نتیجه می‌رسد؟ متوسط‌مرجع: سراسری- ۱۳۹۹
- ① حقیقت هستی، امری ثابت است و حرکت در آن راه ندارد.
② آن چه که هست، هست و آن چه که نیست، نیست.
③ وجود، همان «بودن»، و صیورورت و حرکت، همان «شدن» است.
④ بودن و شدن، از مفاهیم اساسی فلسفه هستند.

- ۱۴۴ - «تأکید بر نقش عقل در درک حرکت و سکون» و «توجه به حرکت، به عنوان جمع امور ناسازگار»، به ترتیب، به کدام فیلسوف مربوط می‌شود؟ متوسط‌مرجع: سراسری- ۱۴۰۲
- ① پارمنیدس - هراکلیتوس ② هراکلیتوس - پارمنیدس ③ پارمنیدس - پارمنیدس ④ هراکلیتوس - هراکلیتوس

سوفیست‌ها

- ۱۴۵ - محتوای کدام عبارت با نظرات پروتاگوراس ناسازگار است؟ متوسط‌مرجع: خارج از کشور- ۱۳۹۶
- ① گفت‌وگوهای آدمیان برای دست‌یابی به حقیقت، بی‌نتیجه است.
② اگر چیزی به حواس نیاید، به این معنی است که وجود ندارد.
③ فقط آن چه از راه حواس به دست آید، پایدار و یقینی است.
④ حواس در هر شرایطی می‌توانند حقیقت چیزها را دریابند.

- ۱۴۶ - با بیان کدام یک از عبارات‌های زیر، فرد دچار تناقض شده است؟ متوسط‌مرجع: سراسری- ۱۴۰۰
- ① هیچ‌کس نیست که بتواند آن چه را خودش فهمیده، به دیگری هم منتقل کند.
② هیچ‌کس نیست که بتواند واقعیت داشتن یا واقعیت نداشتن جهان را با علم اثبات کند.
③ هیچ‌یک از شناخت‌هایی که تاکنون درباره ساختار جهان به دست آورده‌ایم، عین واقعیت نیست.
④ حواس ما کم و بیش دچار خطا می‌شود، بنابراین هیچ‌یک از یافته‌های حواس قابل اعتماد نیستند.

- ۱۴۷ - کدام مورد، عبارت زیر را به نحو مناسب تکمیل می‌کند؟
«برخلاف فیلسوفان ایونی، مورد توجه سقراط او به مسائل مربوط به توجه داشت و همین مطلب، وجه او با سوفسطائیان بود.» متوسط‌مرجع: سراسری- ۱۴۰۲

- ① هستی و نیستی - نبود - انسان - اشتراک
② حقیقت انسان - بود - سعادت - تفاوت
③ تغییرات طبیعت - نبود - فضیلت و رذیلت - اشتراک
④ مسئله حقیقت و خطا - بود - اخلاق و سیاست - تفاوت

- ۱۴۸ - درستی، (ص) یا نادرستی (غ) جملات زیر به ترتیب کدامند؟ سخت‌مرجع: متنازمن- ۱۴۰۲
- الف - دانش فلسفه در یونان شکل گرفت و از آنجا آغاز شد.
ب - فیثاغورس با آمیختن فلسفه با ریاضی و عرفان دستگاه فلسفی عمیقی تأسیس کرد.
ج - در یونان باستان پیش از سقراط کلمه فیلسوف برای کسی به کار نمی‌رفت.
د - پارمنیدس معتقد بود هستی از نیستی به وجود نمی‌آید اما نیستی می‌تواند به هستی تبدیل شود.
ه - نظرات متضاد فیلسوفان پیش از سقراط منجر به ظهور سوفیست‌ها شد.

- ① غ - غ - ص - غ - غ ② ص - ص - غ - غ - ص ③ غ - غ - ص - ص - غ ④ ص - ص - غ - غ - ص

درس ۵: زندگی براساس اندیشه

۱۴۹ - کدام مورد را نمی‌توان از دفاعیات سقراط در دادگاه نتیجه گرفت؟

متوسط مرجع: خارج از کشور - ۱۳۹۹

- ① اجرای فرمان خدا، از هر امر دیگری مهم‌تر است.
 ② کسی که ادعای دانایی می‌کند، در پی حقیقت نیست.
 ③ دانایی از آن خداست و انسان را از آن بهره‌ای نیست.
 ④ کسی که از ترس، کار درست را رها کند، سزاوار سرزنش است.

۱۵۰ - سقراط در زمان خودش به دانایی مشهور بود. علت این موضوع به نظر او چه بود؟

متوسط مرجع: خارج از کشور - ۱۳۹۸

- ① این‌که او نادانی سوفسطائیان را آشکار می‌کرد.
 ② پیام سروش دلفی مبنی بر این‌که او داناترین مرد شهر است.
 ③ گفت‌وگوهای او با مردم، برای این‌که فرمان خداوند را به‌جای آورده باشد.
 ④ تصور مردم مبنی بر این‌که او پاسخ‌سؤالاتی را که از سوفسطائیان می‌داند.

۱۵۱ - کدام مورد، عبارت را به نحو مناسب‌تری تکمیل می‌کند؟

گفت‌وگوهای سوفسطائیان، جهت بحث‌های فلسفی را برگرداند؛ سقراط برخلاف که در پی تحلیل بودند، به توجه داشت.

سخت مرجع: خارج از کشور - ۱۴۰۲

- ① به‌سوی اقسام مغالطه‌ها - فیلسوفان اولیه - حرکت و سکون - مسائل اساسی جامعه
 ② از مسائل هستی‌شناسی - فیلسوفان ایونی - تغییرات هستی - انسان و مسائلش
 ③ از دگرگونی‌های طبیعی - سوفسطائیان - مسئله شناخت - خیر و شر اخلاقی
 ④ به‌سوی انسان و مسائلش - آنان - ادراک حسی - عقل و شناخت عقلانی

۱۵۲ - کدام عبارت را می‌توان از دفاعیات سقراط نتیجه گرفت؟

متوسط مرجع: سراسری - ۱۳۹۹

- ① منشأ همه بدی‌ها و ناراستی‌ها، نادانی انسان است.
 ② دانای حقیقی خداست و فقط آنچه او می‌گوید، درست است.
 ③ هرکس خدا را باور داشته باشد، باید صفات او را نیز بپذیرد.
 ④ کسی که خورشید و ماه را به خدایی بپذیرد، سزاوار سرزنش است.

فصل ۲: معرفت و شناخت درس ۶: امکان شناخت مقدمه

۱۵۳ - تلاش برای استدلال آوردن برای موضوعی و توضیح برای طرف مقابل و همچنین نزدیک کردن دیدگاه او به خود به چه معناست؟

سخت مرجع: متآزمون - ۱۴۰۱

- ① خطا بودن ادعای طرف مقابل
 ② بدیهی نبودن امکان شناخت
 ③ تدریجی بودن مسئله شناخت
 ④ پذیرش کشف حقیقت

چیستی معرفت

۱۵۴ - این گزاره که «حواس برخلاف عقل، به‌تنهایی قادر به درک خطاهای خود نیستند»، با کدام‌یک از مفاهیم زیر در معرفت‌شناسی ارتباط بیشتری پیدا می‌کند؟

متوسط مرجع: سراسری - ۱۴۰۰

- ① ماهیت شناخت
 ② امکان شناخت
 ③ ابزارهای شناخت
 ④ ارزش شناخت

متوسط‌مرجع: سراسری- ۱۴۰۲

۱۵۵ - کدام مورد، عبارت روبه‌رو را به درستی کامل نمی‌کند؟ «هرگاه شخصی».

- ① بدانند که خطا می‌کند، پس توانایی رسیدن به حقیقت را دارد
 ② اصل دانستن را انکار کند، باید حقیقت و خطا نزد او یکسان باشد
 ③ در اصل دانستن شک کند، هیچ دانشی در ذهن او شکل نمی‌گیرد
 ④ تصور کند که نمی‌تواند شناخت‌هایش را منتقل کند، نباید سخن بگوید

متوسط‌مرجع: سراسری- ۱۴۰۲

۱۵۶ - کدام عبارت در مورد امکان شناخت و مسائل مربوط به آن، قابل پذیرش است؟

- ① رفتار انسان با موجودات جهان، نشان می‌دهد که قدرت شناخت خود را باور دارد.
 ② شناخت، امری امکان‌پذیر است؛ پس چیزی وجود ندارد که بشر قادر به شناخت آن نباشد.
 ③ این باور که انسان نمی‌تواند به همه خصوصیات موجودات دست یابد، نسیبت شناخت را در پی دارد.
 ④ تفاوت میان شناخت افراد از یک موضوع، نشان می‌دهد که شناخت هر کس، نسبت به خودش معتبر است.

امکان معرفت - پیشرفت پیوسته دانش انسان

۱۵۷ - این عبارت که «معلوم است که ما از خود و جهان پیرامون شناختی داریم»، به کدام یک از حیطه‌های معرفت‌شناسی مربوط می‌شود؟

متوسط‌مرجع: سراسری- ۱۳۹۹

- ① ابزارهای شناخت ② قلمرو شناخت ③ ماهیت شناخت ④ امکان شناخت

سخت‌مرجع: خارج از کشور- ۱۴۰۲

۱۵۸ - این موضوع که ما متوجه خطای خود می‌شویم؛ به کدام پرسش پاسخ می‌دهد؟

- ① حدود و قلمرو شناخت‌های ما چقدر است؟
 ② چگونه می‌توانیم خطا را از حقیقت تشخیص دهیم؟
 ③ شناخت‌های ما تا چه حد با واقعیت مطابقت دارند؟
 ④ آیا ما می‌توانیم نسبت به موجودات جهان آگاهی پیدا کنیم؟

متوسط‌مرجع: خارج از کشور- ۱۴۰۰

۱۵۹ - کدام عبارت درست است؟

- ① گستردگی شناخت و فهم ما از جهان، نشان می‌دهد که توانایی شناخت ما حدی ندارد.
 ② کسی که توانایی شناخت برخی امور را مطلقاً منتهی بداند، منکر امکان شناخت است.
 ③ با پیشرفت‌های حیرت‌آور بشر در سده‌های اخیر، همه دانش‌های گذشته زیر سؤال رفته‌اند.
 ④ کسی که معتقد است حقیقت غیر قابل شناخت است، ناخواسته وجود یک حقیقت را اثبات می‌کند.

متوسط‌مرجع: خارج از کشور- ۱۴۰۰

۱۶۰ - فلسفه با کدام مورد ارتباط مستقیم ندارد؟

- ① عشق به خردمندی ② هنر خوب زیستن ③ استفاده درست از ظرفیت ذهن ④ تلاش برای نیل به حقیقت

۱۶۱ - این واقعیت که «حقایق فراوانی در عالم هست که آن‌ها را نمی‌دانیم و نمی‌شناسیم»، به کدام یک از حیطه‌های معرفت‌شناسی مربوط می‌شود؟

متوسط‌مرجع: خارج از کشور- ۱۳۹۹

- ① ابزارهای شناخت ② ماهیت شناخت ③ امکان شناخت ④ قلمرو شناخت

درس ۷: ابزارهای شناخت حس

متوسط مرجع: خارج از کشور - ۱۴۰۰

۱۶۲ - بارزترین نشانه اعتبار شناخت حسی کدام است؟

- ① عقل به کمک این شناخت، اسرار و رموز طبیعت را می شناسد.
 ② با استفاده از آن می توان خطاهای گوناگون حواس را تشخیص داد.
 ③ انسان نیازهای جسمانی خود را براساس یافته های آن برطرف می کند.
 ④ فقط با استفاده از این شناخت می توانیم تمایز و تفاوت چیزها را بفهمیم.

سخت مرجع: متنازوم - ۱۴۰۲

۱۶۳ - گزاره ها در کدام گزینه به ترتیب نادرست و درست هستند؟

- ① با کمک حس صرفاً به شناخت حسی می رسیم - با کمک عقل صرفاً به شناخت عقلی می رسیم.
 ② ابزار حس فقط توانایی شناخت عالم مادی را دارد - با عقل می توان امور محسوس و نامحسوس را شناسایی کرد.
 ③ حس ساختار قوانین تجربی را درک می کند - قاعده های عقلی همگی غیر تجربی هستند.
 ④ قوانین تجربی حاصل تحلیل عقلانی یافته های حسی هستند - عقل محتوای قوانین تجربی را درک می کند.

عقل

متوسط مرجع: خارج از کشور - ۱۳۹۹

۱۶۴ - کدام عبارت درباره شناخت عقلی درست است؟

- ① یافته های آن، اساس دانش های گوناگون بشری است.
 ② نوعی درک بدون واسطه و براساس تأمل در خود است.
 ③ اقسام مختلفی دارد که درون نگری یکی از آنها است.
 ④ در برخی از موارد، مستلزم بهره گیری از یافته های حسی است.

سخت مرجع: سراسری - ۱۴۰۱

۱۶۵ - کدام عبارت درباره قوه عقل، درست است؟

- ① یافته های آن یا در ریاضیات به کار می رود یا در فلسفه.
 ② شناخت های آن اساس و پایه هر نوع درک و آگاهی دیگری است.
 ③ همه قوای شناختی را مورد مطالعه و تحلیلی قرار می دهد.
 ④ دریافت های آن به امور غیر محسوس و ماورای طبیعت منحصر می شود.

سخت مرجع: خارج از کشور - ۱۴۰۱

۱۶۶ - کدام توصیف درباره واقعیت هایی که توسط عقل فهمیده می شود، درست است؟

- ① فقط از راه تفکر و استدلال قابل دستیابی است.
 ② موجود مادی و محسوس موضوع آن قرار نمی گیرد.
 ③ قلمرو کاربرد آن منحصر به شناخت عقلی است.
 ④ اساس همه انواع دانش های بشری را تشکیل می دهد.

متوسط مرجع: سراسری - ۱۴۰۲

۱۶۷ - کدام عبارت بیانگر کارکرد ویژه عقل، نسبت به سایر قوا و ابزارهای شناخت است؟

- ① شناخت حقایق غیر محسوس و ماوراء طبیعی
 ② تشخیص موارد استفاده از اشیاء گوناگون
 ③ کسب مقدمات استدلال های قیاسی
 ④ بررسی و تحلیل یافته های حسی

قلب و وحی

سخت مرجع: متنازوم - ۱۴۰۱

۱۶۸ - کدام یک از گزاره های زیر بدون واسطه برای انسان حاصل می شود؟

- ① درک انسان از شیرینی عسل
 ② آگاهی انسان نسبت به احکام دین
 ③ درک انسان از نورانی بودن خورشید
 ④ شناخت انسان از وجود فرشتگان

سخت‌مرجع: متنازمن - ۱۴۰۱

۱۶۹ - کدام گزینه در ارتباط با شناخت تجربی درست و در ارتباط با شناخت شهودی نادرست می‌باشد؟

- ۱) از همکاری عقل با حس شناخت تجربی حاصل می‌شود. - شناخت شهودی از طریق تقویت ایمان و تعالی بخشیدن به نفس و حاصل می‌گردد.
- ۲) افلاطون از اولین دانشمندانی است که مبانی علوم تجربی را پایه‌گذاری کرد. - معرفت شهودی از طریق کمال‌طلبی و همراه با عبادات خالصانه، بی‌واسطه و ناگهانی کسب می‌شود.
- ۳) شناخت تجربی بر چند قاعده عقلی مهم استوار است. - معرفت شهودی بدون استفاده از تجربه و آزمایش در قلب تجلی می‌کند و سیر و سلوک و تهذیب نفس ضروری نیست.
- ۴) ابن سینا در ارتباط با شناخت تجربی می‌گوید قانون علیت از تجربه و آزمایش به دست نمی‌آید؛ بلکه برعکس خودش پایه و اساس هر تجربه‌ای است. - یکی از شهودهای قلبی وحی الهی است که ویژه پیامبران است.

۱۷۰ - عبارتهای زیر به ترتیب به چه موضوعی در رابطه با شناخت و ابزارهای آن اشاره دارند؟

سخت‌مرجع: متنازمن - ۱۴۰۲

- الف - خطاپذیر است و از طریق تقویت ایمان حاصل می‌شود.
 - ب - عامل شناسایی علل پدیده‌های طبیعی است.
 - ج - حقایقی که صرفاً با تفکر و چینش استدلال حاصل می‌شوند.
 - د - خطاناپذیر است و بدون دخل و تصرف به مردم منتقل می‌شود.
 - ه - عامل شناسایی علل حالات درونی و توضیح آنهاست.
- ۱) معرفت شهودی - عقل - استدلال عقلی - شهود عارفانه - حس
 - ۲) شناخت شهودی - عقل - شناخت عقلی - شهود وحیانی - عقل
 - ۳) شهود وحیانی - حس - استدلال عقلی - شناخت شهودی - حس
 - ۴) شهود عارفانه - حس - شناخت عقلی - شهود وحیانی - عقل

درس ۸: نگاهی به تاریخچه معرفت - معرفت در یونان باستان

متوسط‌مرجع: سراسری - ۱۳۹۸

۱۷۱ - اساس استدلال پروتاگوراس بر اینکه «حقیقت امری نسبی است»، کدام است؟

- ۱) هیچ دانش پایدار و مطلقی وجود ندارد.
- ۲) سخنان جهان‌شناسان با یکدیگر تعارض دارد.
- ۳) با بسط مقال، هر ادعایی را می‌توان ثابت کرد.
- ۴) شناخت حقیقی، شناختی است که با حواس به دست می‌آید.

متوسط‌مرجع: سراسری - ۱۴۰۱

۱۷۲ - موضوع انسان‌شناسی فلسفی کدام است؟

- ۱) «خود» به معنای آنچه که هر کس از خود درمی‌یابد.
- ۲) ماهیت تفکر، به عنوان عالی‌ترین ویژگی انسان
- ۳) چیستی انسان و جایگاه او در عالم هستی
- ۴) روان به عنوان منشأ احساسات و رفتارها

معرفت در اندیشه فیلسوفان مسلمان (۲) (بهره مندی از همه ابزارهای معرفت)

سخت‌مرجع: منتآزمون- ۱۴۰۲

۱۷۳- کدام یک از عبارات زیر در رابطه با دوره‌های تاریخ فلسفه صحیح است؟

- ۱) فیلسوفانی مانند فارابی، ملاصدرا، ارسطو و شیخ اشراق از فلاسفه دوره شکوفایی فلسفه در جهان اسلام هستند.
- ۲) دوره جدید اروپا با ظهور فیلسوفانی مانند هگل آغاز می‌شود و تاکنون ادامه دارد.
- ۳) دوره دوم تاریخ فلسفه شامل فلاسفه قرون وسطی و دوره رنسانس است.
- ۴) دوره یونان باستان را می‌توان به سه دوره فیلسوفان پیش از سقراط، بعد از وی و شاگردان این دو تقسیم کرد.

سخت‌مرجع: منتآزمون- ۱۴۰۲

۱۷۴- گزاره زیر با کدام عبارت منافاتی ندارد؟

«امکان رسیدن به معرفت یکسان وجود ندارد و دیدگاه انسان‌ها درباره پدیده‌ها حتماً متفاوت است.»

- ۱) شناخت انسان‌ها در برخی موارد نسبی است اما در برخی موارد می‌توانند به شناخت یکسانی دست یابند.
- ۲) شناخت انسان‌ها در بسیاری از موارد نسبی است اما این به معنای نسبی بودن همه معرفت‌ها نیست.
- ۳) به طور کلی شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد و لزوماً برای فردی دیگر معتبر نیست.
- ۴) به طور کلی ممکن است انسان‌ها به شناخت‌های یکسانی برسند، گرچه ممکن است در برخی موارد شناختی کسانی نداشته باشند.

معرفت در دوره جدید اروپا

متوسط‌مرجع: خارج از کشور- ۱۳۹۹

۱۷۵- کدام عبارت به نارسایی پوزیتیویسم اشاره دارد؟

- ۱) تجربه علمی صلاحیت و توان ورود به برخی از حیطه‌های معرفت بشری را ندارد.
- ۲) با آنچه که در دانش تجربی کسب می‌شود، نمی‌توان باورهای سودمندی کسب کرد.
- ۳) امور قابل ارزیابی تجربی، در صورتی که با تجربه اثبات نشوند، فاقد اعتبار معرفتی هستند.
- ۴) هر فردی متناسب با وضعیت خود، به شناختی می‌رسد که با شناخت دیگری متفاوت است.

متوسط‌مرجع: سراسری- ۱۳۹۹

۱۷۶- کدام عبارت، بیان‌کننده مواردی از نقض نظریه پوزیتیویست‌ها است؟

- ۱) دانش تجربی واقعیت را آن‌طور که هست، نشان نمی‌دهد.
- ۲) با پیشرفت علم، بسیاری از نظریه‌های علمی تغییر کرده‌اند.
- ۳) دانشمندان در بررسی نظریه‌های علمی نیز، از ابزار عقل استفاده می‌کنند.
- ۴) هر کس متناسب با باورهای خود، به شناختی متفاوت از دیگران دست می‌یابد.

سخت‌مرجع: خارج از کشور- ۱۴۰۰

۱۷۷- کانت با کدام یک موافق است؟

- ۱) هیچ‌یک از شناخت‌های انسانی ذاتی نیست.
- ۲) اصل علیت اصلی است که عقل آن را اثبات می‌کند.
- ۳) علیت طلوع خورشید نسبت به روشنی زمین، از پیش در دستگاه ادراکی موجود است.
- ۴) تصوراتی مانند زمان و مکان و علیت را، انسان از راه عقل به دست می‌آورد، نه از راه حس و تجربه.

۱۷۸ - کدام عبارت با نظرات کانت در مورد شناخت سازگار است؟

سخت‌مرجع: خارج از کشور- ۱۴۰۲

- ① اگر داده‌های حسی، یعنی آنچه که از طریق حس به ما می‌رسد وجود نداشت، ما قادر به شناخت هیچ واقعیتی نبودیم.
- ② مفهوم علیت، مفهومی است که ابتدا قوه ادراکی انسان می‌فهمد و سپس آن را به پدیده‌های خارجی تعمیم می‌دهد.
- ③ درک مصادیق علیت به واسطه حواس صورت می‌گیرد اما مفهوم علیت را دستگاه ادراکی انسان می‌سازد.
- ④ ما برای تصور مفاهیمی مانند مکان و زمان، ابتدا باید اشیاء دارای مکان یا زمانمند را درک کنیم.

۱۷۹ - کدام عبارت برای یک فرد نسبی‌گرا غیر قابل تأیید است؟

متوسط‌مرجع: سراسری- ۱۴۰۳

- ① شناخت افراد می‌تواند نسبت به خودشان معتبر باشد.
- ② کاربرد ما از یک باور است که اعتبار آن را تعیین می‌کند.
- ③ از طریق حس و تجربه است که می‌توان واقعیات را شناخت.
- ④ انسان ابزارهای لازم برای شناخت پاره‌ای از مسائل را ندارد.

۱۸۰ - کدام گزینه نادرست است؟

سخت‌مرجع: متنازمن- ۱۴۰۲

- ① تجربه‌گرایان تجربه را اساس کسب معرفت می‌دانستند.
- ② بیکن که به اصالت تجربه معتقد بود، عقل را قبول نداشت.
- ③ دکارت به تفکر عقلی اهمیت بسیار می‌داد و برعکس بیکن بود.
- ④ کانت معتقد بود که انسان مفاهیمی مثل علیت را از راه حس و تجربه به دست نمی‌آورد.

ظهور پراگماتیسم

۱۸۱ - در کدام گزینه هر دو عبارت بیان‌شده صحیح می‌باشند؟

سخت‌مرجع: متنازمن- ۱۴۰۲

- ① نظرات هراکلیتوس و پارمنیدس درباره معرفت کاملاً مخالف یکدیگر هستند - حقیقت از دیدگاه پروتاگوراس تابع شخص ادراک‌کننده و زمان ادراک است.
- ② از نظر سوفیست محال نیست دو نفر درباره مطلبی شناخت یکسان داشته باشند - علت اهمیت عقل از نظر افلاطون درک عالم مثل از طریق آن است.
- ③ فارابی و ابن‌سینا به تبعیت از ارسطو و افلاطون حس و عقل را معتبر می‌دانستند - ابن‌سینا از شناخت حسی، عقلی و شهودی در تبیین فلسفی خود استفاده کرده است.
- ④

شیخ اشراق آنچه را که با کشف و شهود به دست آورده بود در نظام فلسفی‌اش تبیین استدلالی می‌کرد - در دوره جدید اروپا اکثر فلاسفه اروپایی عقل‌گرایی را بر تجربه‌گرایی اولویت می‌دهند.

فصل ۳: انسان درس ۹: چیستی انسان (۱) دیدگاه یونان باستان به انسان

۱۸۲ - کدام عبارت درست است؟

سخت‌مرجع: خارج از کشور- ۱۴۰۱

- ① از نظر افلاطون «نفس» بالارزش‌ترین دارایی انسان و جزئی از عقل او است که قابل رؤیت نیست.
- ② کانت و دکارت در این امر اتفاق نظر دارند که نفس انسان از قوانین فیزیکی تبعیت نمی‌کند.
- ③ وجه مشترک هابز و دکارت در انسان‌شناسی این است که هر دو، انسان را یک ماشین پیچیده می‌دانند.
- ④ داروینیست‌ها نظریه داروین را در مورد منشأ پیدایش حیات پذیرفته و بنابراین رعایت اصول اخلاقی را ضروری نمی‌دانند.

۱۸۳ - پروانه و دوستش دربارهٔ موضوعی با هم گفت‌وگو می‌کنند. پروانه به دوستش می‌گوید من برخلاف ارسطو معتقدم انسان یعنی موجود اخلاقی، موضوع این سخن پروانه و دوستش، کدام است؟

متوسط مرجع: سراسری - ۱۴۰۰

- ① مسائل اخلاقی ② فلسفهٔ اخلاق ③ موجودیت انسان ④ حقیقت انسان

۱۸۴ - با توجه به نظرات افلاطون در مورد انسان و حقیقت او، کدام عبارت پذیرفتنی است؟

متوسط مرجع: سراسری - ۱۴۰۲

- ① هر موجود زنده و دارای نفس، یک جزء نامرئی به نام عقل دارد.
② نفس انسان در هنگام تولد تحقق ندارد، بلکه به تدریج ایجاد شده و به فعلیت می‌رسد.
③ درک این مطلب که «یک چیز نمی‌تواند هم باشد و هم نباشد» به نفس انسانی مربوط است.
④ از میان موجودات، فقط انسان دارای حقیقت برتری است که محدودیت‌های ماده را ندارد.

دیدگاه اروپاییان به انسان در دورهٔ جدید

۱۸۵ - کدام عبارت بیانگر نظر دکارت است؟

سخت مرجع: سراسری - ۱۴۰۰

- ① با استفاده از دلایل استوار عقلی؛ پی می‌بریم که انسان دارای نفس مجرد است.
② اعتقاد به اموری مانند علیّت و خدا، جزء ساختارهای ذهن و ذاتی انسان‌ها است.
③ بخشی از معرفت‌های ما بدون استفاده از هر نوع تجربه و مقدم بر آن درک می‌شود.
④ معرفت‌های ذاتی اموری شهودی هستند که درک آنها به عقل یا تجربه علمی نیازی ندارد.

۱۸۶ - توضیح تأثیر متقابل روح و جسم، بنا بر دیدگاه کدام یک، مشکل‌تر است؟

متوسط مرجع: خارج از کشور - ۱۴۰۰

- ① ملاصدرا ② دکارت ③ داروینیست‌ها ④ ماتریالیست‌ها

۱۸۷ - کدام تشبیه برای بیان نسبت میان حقیقت انسان با بدنش، نزد معتقدین به «انسان تک‌ساختی»، مناسب‌تر است؟

متوسط مرجع: سراسری - ۱۴۰۳

- ① رانندهٔ اتومبیل با اتومبیلش ② آب با اجزای تشکیل‌دهنده‌اش
③ جوانه با بذری که از آن سر می‌زند ④ بخار آب با ظرفی که آن را به حرکت وامی‌دارد

۱۸۸ - درستی (ص) یا نادرستی (غ) گزاره‌های زیر به ترتیب کدامند؟
الف - از نظر دکارت اراده و اختیار در انسان از ویژگی‌های بدن اوست.

سخت مرجع: منتآزمون - ۱۴۰۲

- ب - مارکس نیازهای مادی انسان را ناشی از نیاز او به اجتماع، قانون و اخلاق می‌داند.
ج - دیدگاه داروین دربارهٔ تحول تدریجی موجودات منافاتی با دیدگاه اثبات‌کنندگان روح ندارد.
د - از نظر کانت بدن تابع قوانین فیزیکی است و نمی‌تواند دارای اراده و اختیار باشد.
ه - توماس هابز فعالیت بدن انسان را به فعالیت دستگاهی مکانیکی مانند موتور اتومبیل تشبیه می‌کند.

- ① غ - ص - غ - ص ② ص - غ - غ - ص ③ ص - ص - غ - غ ④ غ - ص - ص - ص

درس ۱۰: چیستی انسان (۲) مقدمه (دیدگاه فیلسوفان مسلمان)

۱۸۹ - کدام عبارت درست است؟

متوسط مرجع: خارج از کشور - ۱۴۰۱

- ① به باور ابن سینا، روح انسان یک موجود ماوراء طبیعی است که در مرحله جنین کامل، به او تعلق می‌یابد و تا پایان حیات زمینی، بدن را همراهی می‌کند.
- ② ملاصدرا روح انسان را از بدن مستقل نمی‌داند و آن را نتیجه تکامل بدن می‌داند؛ بنابراین ویژگی خاص انسان این است که از پیچیدگی بسیار زیادی برخوردار است.
- ③ سهروردی که به جای «وجود» از مفهوم نور استفاده می‌کند، نفس را آمیخته‌ای از نور و ظلمت می‌داند که از مشرق وجود دور افتاده و مشتاق بازگشت به آنجا است.
- ④ فیلسوفان مسلمان چون ابن سینا و دیگران، علاوه بر استفاده از آموزه‌های افلاطون و ارسطو، به این شهود رسیده بودند که روح را موجودی مجرد و مسجود فرشتگان ببینند.

حقیقت نورانی نفس

۱۹۰ - هر یک از موارد زیر مرتبط به کدام فیلسوف می‌باشد؟

سخت مرجع: منتأزمون - ۱۴۰۱

- حقیقت برتر همان نفس است که قابل رویت نیست.
- نفس انسان در هنگام تولد، حالت بالقوه دارد و هیچ چیز بالفعلی ندارد.
- برای توصیف بی‌قراری و کوشش روح، شعری به زبان عربی سرود.
- خداوند که نور محض است و هیچ ظلمتی در او راه ندارد.

- | | |
|--|---|
| ① ارسطو - افلاطون - فارابی - ابن سینا | ② افلاطون - ارسطو - فارابی - ابن سینا |
| ③ افلاطون - ارسطو - ابن سینا - سهروردی | ④ ارسطو - فیثاغورس - ابن سینا - سهروردی |

تا بی نهایت

۱۹۱ - ملاصدرا و ابن سینا در مورد کدام عبارت، اختلاف نظر دارند؟

متوسط مرجع: خارج از کشور - ۱۴۰۰

- ① روح بدن را به کار می‌گیرد، نه بدن روح را.
- ② رابطه روح و بدن شبیه رابطه قفس و پرنده است.
- ③ روح و بدن در واقع تفاوتی با یکدیگر ندارند.
- ④ بدن بیمار، روح را کسل می‌کند و روح افسرده بدن را بیمار می‌کند.

درس ۱۱: انسان، موجود اخلاق گرا فعل طبیعی و فعل اخلاقی

۱۹۲ - کدام عبارت به نظریه افلاطون درباره معیار فضیلت، مربوط نمی‌شود؟

سخت مرجع: سراسری - ۱۴۰۱

- ① کاری که ناشی از اعتدال باشد.
- ② آنچه که باعث سعادت آدمی شود.
- ③ کاری که به فرمان عقل صورت گیرد.
- ④ کاری که برای رسیدن به سعادت انجام شود.

متوسط مرجع: سراسری - ۱۳۹۸

۱۹۳ - کدام گزینه مبین خوشبختی از نظر ارسطو است؟

- ① رعایت حد اعتدال ② اندیشیدن به خداوند ③ رعایت فضیلت اخلاقی ④ زندگی فلسفی

متوسط مرجع: خارج از کشور - ۱۳۹۹

۱۹۴ - طبق نظریه اخلاقی افلاطون، انسان نیکبخت کسی است که

- ① از میان قوای خود، تنها به قوه عقل که عالی‌ترین قوه است، توجه کند.
 ② به چهار فضیلت حکمت، خویشتن‌داری، شجاعت و عدالت آراسته گردد.
 ③ از امیال و افعال طبیعی دوری کرده و یکسره به انجام فضیلت‌ها بپردازد.
 ④ عقل او در مقابل قوای شهوت و غضب ایستادگی کرده و اداره بدن را به عهده بگیرد.

متوسط مرجع: سراسری - ۱۳۹۹

۱۹۵ - کدام نظر درباره فعل اخلاقی، با نظرات کانت ناسازگار است؟

- ① قابل تعمیم است. ② براساس حکم وجدان است. ③ در جهت میل به سعادت است. ④ احساسات در آن دخالتی ندارد.

سخت مرجع: سراسری - ۱۴۰۳

۱۹۶ - کدام بیت با نظر افلاطون درباره معیار فعل اخلاقی مناسبت بیشتری دارد؟

- ① الا تا نیچی سر از عدل و رای / که مردم ز دست نیچند پای
 ② از خرد غافل شود بر بد تند / بعد آن عقلش ملامت کند
 ③ هین مدو اندر پی نفس چو زاغ / کو به گورستان برد نه سوی باغ
 ④ صفت پیشروان ره عقل / آزر را پشت سر انداختن

سخت مرجع: متنازمن - ۱۴۰۱

۱۹۷ - کدام گزینه دیدگاه ماتریالیست‌ها را بیان نمی‌کند؟

- ① از نظر ماتریالیست‌ها تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد.
 ② زیست اجتماعی انسان‌ها را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آن‌ها کرده است.
 ③ انسان یک ماشین مادی بسیار پیچیده است نه چیزی فراتر از آن
 ④ ذهن و روان انسان چیزی فراتر از مغز و سلسله اعصاب انسان است.

سخت مرجع: خارج از کشور - ۱۴۰۱

۱۹۸ - کدام عبارت، به نظریه کانت در مورد فعل اخلاقی مربوط نمی‌شود؟

- ① به فرمان عقل صورت می‌گیرد.
 ② ناشی از گرایشات عالی انسانی است.
 ③ برای انجام وظیفه اخلاقی است.
 ④ در اطاعت از وجدان و در عین حال قابل تعمیم است.

سخت مرجع: سراسری - ۱۴۰۲

۱۹۹ - درباره کدام عبارت میان معتقدان به دیدگاه‌های مختلف اخلاقی، اختلاف نظر وجود دارد؟

- ① ویژگی‌هایی مانند عدالت و صداقت و رفتار براساس آنها، برای سلامت اجتماع ضروری هستند.
 ② از آنجا که انسان زندگی اجتماعی دارد، ناگزیر است منفعت دیگران را نیز در رفتارهای خود در نظر بگیرد.
 ③ تشخیص رفتار درست از نادرست و دستیابی به سعادت فردی و اجتماعی، از طریق عقل امکان‌پذیر می‌شود.
 ④ هرگاه انسان خواهان آزادی در برابر دیگران باشد، باید به دیگران هم حق بدهد که در برابر او همان قدر آزاد باشند.

متوسط مرجع: سراسری - ۱۴۰۲

۲۰۰ - کدام عبارت با نظرات اخلاقی فیلسوفان مسلمان سازگار نیست؟

- ① منشاء گرایش به نیکی و گریز از بدی، عقل نظری و عامل تشخیص و عمل به آن، عقل عملی است.
 ② داشتن ویژگی‌هایی مانند انصاف و صداقت و رفتار براساس آنها، در جهت سلامت اجتماع و خیر افراد است.
 ③ شرط تشخیص رفتار درست از نادرست و دستیابی به سعادت فردی و اجتماعی، سلامت و اعتدال عقل است.
 ④ گرایشات اخلاقی آدمی مانند دو کفه یک ترازو هستند و انگیزه‌ها، باعث سنگینی یکی نسبت به دیگری می‌شود.

پاسخنامه تشریحی

- ۱ - گزینه ۳ حمل «وجود» بر هر «ماهیتی» نیازمند دلیل است.
- ۲ - گزینه ۴ حملِ فلز بر پلاتین یک حملِ ضروری است و خاصیت فلز بودن از عنصر پلاتین جدایی‌ناپذیر است.
- ۳ - گزینه ۴ اگر وجود جزئی از ماهیت باشد، صرف تصور یک ماهیت باعث می‌شود که وجود هم تحقق پیدا کند و بنابراین تمام ماهیت‌ها واجب‌الوجود بودند. تشریح گزینه‌های دیگر:
- گزینه ۱: اینکه دو مفهوم را از یک واقعیت انتزاع کنیم در هر صورت امکان‌پذیر است. اگر وجود هم جزئی از ماهیت باشد باز می‌توانیم از یک ماهیت مفاهیم مختلفی را انتزاع کنیم.
- گزینه ۲: این گزاره در صورتی درست است که وجود همان ماهیت باشد، نه اینکه فقط جزئی از آن باشد.
- گزینه ۳: تفاوت ماهیت‌ها بنا به همین که ماهیت‌های متفاوتی هستند می‌تواند پابرجا باشد.
- ۴ - گزینه ۳ انسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند، دو جنبه می‌یابد: موجود بودن و چستی داشتن. وقتی به پدیده‌ای اشاره می‌کنیم، منظور این است که به وجود داشتن آن پی برده‌ایم.
- ۵ - گزینه ۲ حمل «لفظ» بر «اسم»، یعنی اینکه بگوییم «لفظ اسم است»، حملی است که نیازمند دلیل می‌باشد چون لفظ به غیر از اسم، اقسام دیگری نیز دارند و مثلاً ممکن است که فعل باشد. حمل «گرد» بر «دایره»، از سوی دیگر بی‌نیاز از دلیل است؛ یعنی به عبارت دیگر، قضیه «دایره گرد است»، نیازمند دلیل نیست.
- ۶ - گزینه ۲ دقیق‌ترین تعریف برای ممتنع‌الوجود که هم شامل ممتنع‌الوجود بالذات و هم ممتنع‌الوجود بالغیر می‌باشد، همین است که حمل هستی به آن ممکن نیست. توضیح اینکه ممتنع‌الوجود بر دو قسم است: ۱- ممتنع‌الوجود بالذات مانند شریک‌الباری و اجتماع نقیضان ۲- ممتنع‌الوجود بالغیر آن است که هنوز علت تامه ایجاد آن به وجود نیامده است. مثلاً نابودی رژیم اسرائیل. بنابراین در دو حالت حمل هستی بر آنها ناممکن است.
- بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه ۱- شامل ممتنع‌الوجود بالذات است اما نه بالغیر.
- گزینه ۳- این نیز شامل ممتنع‌الوجود بالذات می‌شود و نه بالغیر.
- گزینه ۴- ممتنع‌الوجود بالغیر فقط وجود خیالی و فرضی ندارد و می‌تواند در آینده محقق شود.
- ۷ - گزینه ۲ موضوعی را که نسبت به محمول وجود، رابطه حتمی دارد، وجوبی می‌گویند. مثل قضیه دوم. موضوعی را که نسبت به محمول وجود، رابطه احتمالی دارد، امکانی می‌گویند. مثل قضیه اول
- ۸ - گزینه ۳ مفهوم ضلع با مفهوم دایره هیچ ارتباطی ندارد و در نتیجه ممتنع‌الوجود به حساب می‌آید؛ ولی سایر گزینه‌ها وجود ذهنی دارند.
- ۹ - گزینه ۲ دجال که هنوز به دنیا نیامده پس وجودش واجب نیست. علی‌اگر چه در کتابخانه بود حتی اگر تغییر مکان

داده باشد از وجود ساقط نمی‌شود، پس واجب‌الوجود بالغیر است، چون در حال حاضر هستی دارد، اما وجودش از دیگری (خدا) است. گزینه ۳، راجع به انسان به صورت کلی صحبت می‌کند، نه تنها آنهایی که هستند، بلکه آنهایی که می‌توانند باشند. یعنی این حکم بر دجال هم صدق می‌کند که هنوز وجود ندارد. خداوند نیز واجب‌الوجود بالذات است.

۱۰ - گزینه ۲ حمل ذاتی یک شیء بر خود آن شیء و ذات وجوبی است. صرف‌نظر از این که آن ماهیت وجود دارد یا خیر. پس حمل تک‌شاخ بر اسب تک‌شاخ ضروری است. فرد نبودن عدد چهار هم ضروری است. همچنین حمل مفهوم «ممتنع الوجود» بر شریک خدا وجوبی است. رنگ کلاغ جزء ذات و ماهیت آن نیست. در نتیجه سیاه بودن برای کلاغ امکانی است.

۱۱ - گزینه ۲ از آنجایی که خدا علت‌العلل است و علت ندارد، این گزاره امکانی است، مربع هم که یک شکل هندسی ذهنی است و حجمی ندارد در صورتی که حجم داشته باشد مکعب یا اشکال دیگر است.

۱۲ - گزینه ۴: گاز بودن، از ویژگی‌های ذاتی «اکسیژن» و «ماده بودن»، از ویژگی‌های ذاتی «فلز» است. پس رابطه موضوع و محمول هر دو عبارت وجوبی است.
بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: وجوبی (در غیر این صورت آب نیست). - امکانی (فعل می‌تواند وقوع حالت را نشان دهد؛ مانند «هوا سرد شد».)

- گزینه ۲: وجوبی (عایق بودن از ویژگی‌های چوب است). - امکانی (هر ویروس دیگری هم نوعی از ویروس است.)

- گزینه ۳: امکانی (می‌توانست آب نداشته باشد). - وجوبی (از ویژگی‌های ذاتی جسم، محدود بودن در یک مکان است.)

۱۳ - گزینه ۳ همه ماهیاتی که موجودند، به واسطه عاملی دیگر واجب‌الوجود شده‌اند. از این رو به آنها واجب‌الوجود بالغیر می‌گوییم.

۱۴ - گزینه ۱ اگر ماهیتی را در نظر آوریم که موجود نیست و هرگز هم موجود نبوده و نخواهد شد، می‌توانیم بگوییم که ممتنع‌الوجود است؛ حال یا ممتنع‌الوجود بالذات، مانند مثلث چهارضلعی، یا ممتنع‌الوجود بالغیر مانند دریای جیوه. گزاره‌ای که به درستی می‌توان درباره هر دوی این حالت‌ها گفت که درباره جفت‌شان صحیح باشد این است که تاکنون موجودی که علت تامه‌شان باشد تحقق نیافته است و هرگز هم تحقق نخواهد یافت، چون اگر علت تامه یک چیز تحقق یابد خود آن نیز تحقق خواهد یافت و حال آنکه می‌دانیم این موضوع مفروض ما، ممتنع‌الوجود است. بنابراین گزینه ۱ صحیح خواهد بود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

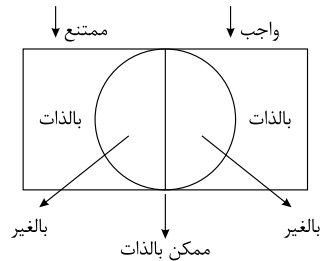
گزینه ۲: نمی‌شود لزوماً گفت که این موضوع فرض گرفته شده توسط صورت سؤال ممتنع بالذات است و ممکن است که ممتنع بالغیر باشد و علت آن موجود نباشد.

گزینه ۳: ذات این موضوع لزوماً از هستی امتناع ندارد، بلکه می‌تواند ماهیتی ممکن باشد که فقط علت موجود

نشده و نخواهد شد.

گزینه ۴: این موضوع مورد و علل آن نیز می‌تواند همگی موضوعاتی «ممکن» باشند؛ یعنی امکان وجودی داشته باشند یا به عبارت دیگر ممکن‌الوجود باشند. این گزینه چون «امکان» وجود داشتن را سلب کرده است نادرست می‌باشد.

۱۵ - گزینه ۳ با توجه به شکل زیر می‌توان رابطه میان واجب و ممکن و ممتنع را به دست آورد:



۱۶ - گزینه ۲ دلایل رد گزینه‌ها:

گزینه ۱: اصل علیت مورد انکار عموم مردم نیست.

گزینه ۳: تجربه و مشاهده به تنهایی نمی‌تواند سخن از وجود یا عدم بزند.

گزینه ۴: رابطه علیت یک رابطه وجودی است. یعنی وجود معلول وابسته به وجود علت است و برای شکل گرفتن و وجود یافتن، نیازمند رابطه علیت با علت خود است؛ نه پس از آن.

۱۷ - گزینه ۴ معلول در رابطه علیت هستی‌اش را از دیگری (علت تامه) می‌گیرد و وجودش ضرورتاً وابسته به وجود آن علت است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: اگر علت ناقصه باشد نمی‌توان گفت حتماً به معلول وجود می‌دهد.

گزینه ۲: معلول قبل از اینکه موجود شود چنین است، وقتی به وجود بیاید دیگر این تعریف در مورد آن صدق نمی‌کند.

گزینه ۳: هر نوع وابسته‌بودنی معلول را مشخص نمی‌کند، بلکه وابستگی در اصل وجود باید باشد. مثلاً بچه هم به مراقبت مادر وابسته است، اما مراقبت مادر علت وجودی بچه نیست.

۱۸ - گزینه ۲ از نظر فلاسفه مسلمان اصل علیت یک قاعده عقلی است و از تجربه به دست نمی‌آید و خودش پایه و اساس هر تجربه‌ای است. پس هر تلاش تجربی خود مبتنی بر این قاعده است. در عین حال، این گونه نیست که انسان به‌طور مادرزادی در همان بدو تولد با این قاعده آشنا بوده و آن را درک می‌کرده است. آنان می‌گویند: همین که ذهن انسان شکل گرفت، متوجه می‌شود که وجود یک چیز با عدم آن جمع نمی‌شود.

(قاعده و اصل امتناع اجتماع نقیضین). پس از درک این اصل انسان درمی‌یابد که حوادث خودبه‌خود رخ نمی‌دهند و صدای علل و عواملی هستند.

۱۹ - گزینه ۲ تجربه‌گرایان (غیر از دیوید هیوم) باور داشتند که انسان با مشاهده و تجربه برخی حوادث متوالی پی برده است که بین برخی پدیده‌ها، نوعی رابطه ضروری برقرار است و نام آن را «علیت» گذاشته است.

رد سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: به دیدگاه هیوم نزدیک‌تر است، چرا که معتقد بود این نتیجه‌گیری انسان چیزی به جز یک توهم ذهنی نیست و رابطه ضروری بین پدیده‌ها وجود ندارد.
- گزینه ۳: اینکه هر چیزی باید تنها به وسیله حس و تجربه تحلیل و بررسی شود، عقیده مشترک همه تجربه‌گرایان است و ربطی به عبارت ذکرشده در صورت سوال ندارد.
- گزینه ۴: نتیجه این مقدمات نشان‌دهنده چگونگی درک علت توسط انسان از نظر تجربه‌گرایان است و ربطی به یافتن مصادیق علت ندارد.
- ۲۰ - گزینه ۱ هیوم از جمله تجربه‌گرایانی بود که برخلاف آنها درک رابطه علت از طریق حواس را غیرممکن می‌دانست و معتقد بود آنچه آنها اسم آن را علت گذاشته‌اند همان تداعی است که یک حالت روانی ناشی از توالی پدیده‌هاست. در مقابل همه عقل‌گرایان از جمله کانت درک رابطه علت را فقط از طریق عقل ممکن می‌دانستند. گزینه‌های ۲، ۳ و ۴ یک عبارت مترادف هستند که در کتاب وجود ندارند. گزینه ۴ هم مورد اتفاق هیچ‌یک از فلاسفه نیست.
- ۲۱ - گزینه ۲ تداعی به‌خاطر این است که ما عادت کرده‌ایم که چیزی را علت چیز دیگری بدانیم.
- ۲۲ - گزینه ۳ همه فیلسوفان اعم از تجربه‌گرایان حتی هیوم به این نکته اذعان دارند که کودکان با مشاهده جهان به مرور و در اثر تجربه، پی می‌برند میان برخی پدیده‌ها نوعی توالی وجود دارد و توالی و تکرار پدیده‌ها یک موضوع قابل درک حسی برای انسان است که مورد تأیید همه فلاسفه عقل‌گرا و تجربه‌گرا می‌باشد.
- ۲۳ - گزینه ۱ اصل علت یک قاعده عقلی است و از تجربه به‌دست نمی‌آید. اما برای اینکه علت حادثه‌های طبیعی را بدانیم، باید از حس و تجربه خود استفاده کنیم. کشف علل امور طبیعی از راه حس و تجربه صورت می‌گیرد.
- ۲۴ - گزینه ۱ از نظر مسلمانان، اصل علت عقلی است اما از نظر دکارت فطری!
- ۲۵ - گزینه ۳ یکی از نتایج اصل سنخیت آن است که انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با آن را دارد. به همین سبب می‌کوشد ویژگی‌های هر شی را بشناسد و به تفاوت‌های آن با اشیای دیگر پی ببرد تا بهتر بتواند آثار ویژه آن را شناسایی کند. البته برای اینکه بدانیم از هر علتی کدام معلول پدید می‌آید، باید از تجربه کمک بگیریم و از طرق مختلف تجربی، آثار و معلول‌های هر علتی را شناسایی کنیم. آنان می‌گویند اصل سنخیت پشتوانه عقلی نظم دقیق جهان است و دانشمندان با تکیه بر همین اصل، تحقیقات علمی خود را پیگیری می‌کنند.
- گزینه ۱: معلول امکان ذاتی دارد، یعنی ذات و ماهیتش نسبت به وجود و عدم مساوی است.
- ۲۶ - گزینه ۲ باید دقت کرد که در صورت سوال گفته شده است: «لزوماً انتظار شادابی و رشد این نهال را داریم». پس به «وجوب علی» اشاره دارد که تخلف‌ناپذیر و حتمی است.
- ۲۷ - گزینه ۱ به دلیل اصل سنخیت میان علت و معلول، معلول‌های معین و خاص از علت معین و خاص خود پدید می‌آیند. (تأیید گزینه ۱)
- رد گزینه ۲: صرف همراهی دو پدیده نشان‌دهنده علت و معلول بودن آنها نیست؛ مثلاً: شب و روز همواره پی‌درپی هم هستند، ولی هیچ‌کدام علت دیگری نیستند.

- رد گزینه ۳: به جهت اصل سنخیت میان علت و معلول هریک از آثار متفاوت یک پدیده با آن پدیده تناسب دارند؛ بنابراین از وجود یکی از آن آثار می‌توان به خود آن پدیده و از آن پدیده می‌توان به آثار دیگرش رسید و آنها را تشخیص داد. (نه اینکه فقط احتمال داد)
- رد گزینه ۴: اثر را فقط می‌توان به علت تامه نسبت داد و علت تامه شامل مجموع عوامل است، یعنی شرط لازم و کافی برای به وجود آمدن یک پدیده (معلول) و علت ناقصه هریک از عوامل است که هنوز کامل نشده‌اند. به عبارتی علت ناقصه شرط لازم است، ولی هنوز شرط کافی نشده است.
- ۲۸ - گزینه ۱ بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه ۲: او معتقد بود تنها راه شناخت واقعیات حس و تجربه است: رابطه ضروری میان علت و معلول را نمی‌توان از طریق مشاهده حسی و تجربه به دست آورد و باید یک راه تجربی دیگر برای آن پیدا کرد.
- گزینه ۳: دکارت معتقد بود که اصل علیت بدون دخالت تجربه به دست می‌آید.
- گزینه ۴: از نظر فلاسفه مسلمان اصل علیت یک قاعده عقلی است و از تجربه به دست نمی‌آید.
- ۲۹ - گزینه ۴ حالت امکانی ذاتی، تساوی بین وجود عدم است، حال اگر یک شیء از تساوی وجود و عدم خارج شود و به وجود آید، حتماً علت خارجی داشته و تبدیل به واجب‌الوجود بالفیر شده است.
- بررسی گزینه‌ها:
- گزینه ۱: صرفاً در ذهن است و تساوی بین وجود و عدم دارد. (هنوز ساخته نشده است).
- گزینه ۲: باغبان قصد کاشتن آن را دارد و هنوز کاشته نشده است. (تساوی بین وجود و عدم دارد).
- گزینه ۳: خاکستر قرار است در آتش ریخته شود و هنوز ریخته نشده است. (تساوی بین وجود و عدم دارد).
- گزینه ۴: مژگان چشم در حال تکان خوردن هستند و از حالت تساوی (بی‌حرکتی) خارج شده‌اند.
- ۳۰ - گزینه ۴ براساس اصل وجوب علی و معلولی باید گفت که اگر علت یک پدیده موجود باشد، معلول آن نیز ضرورتاً و قطعاً وجود خواهد داشت و اگر معلولی وجود داشته باشد، علت آن نیز ضرورتاً موجود است و محال است خلاف این باشد. بنابراین گزینه ۴، جواب صحیح تست خواهد بود.
- نکته: قید «پس از» در گزینه ۱، موجب غلط شدن این گزینه شده است. چون به لحاظ فلسفی، از نظر زمانی فاصله‌ای میان وجود یافتن علت با معلول آن وجود ندارد و نمی‌شود گفت که معلول پس از علت وجود می‌یابد.
- ۳۱ - گزینه ۴ در رابطه علیت، یک طرف رابطه به طرف دیگر هستی و وجود می‌بخشد. تحقق هستی معلول هم باید به وجوب برسد. یعنی اگر علت محقق شد تحقق معلوم هم ضروری و واجب می‌شود. در گزینه‌های ۱ و ۳، رابطه علیتی شکل نگرفته است تا «باید» را نشانه وجوب بگیریم. در گزینه ۲، «باید» از سنخ دستورات دینی است، یعنی واجب دینی می‌باشد، نه فلسفی.
- ۳۲ - گزینه ۲ برخی از مردم شانس را عامل موفقیت یا عدم موفقیت می‌دانند و معتقدند که شانس برخی افراد بیشتر و شانس برخی کمتر است.
- ۳۳ - گزینه ۱ انکار اصل سنخیت به معنای پذیرش هرج و مرج در جهان است.
- ۳۴ - گزینه ۲ نتیجه خاص و غایت مشخص مجموعه حوادث باید از قبل از وجود آنها تعیین شود، چنان که این حوادث

باید طوری طراحی شوند که آن نتیجه خاص را محقق کنند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: این عبارت مصداق معنای چهارم اتفاق است که با قوانین قطعی طبیعت و رابطه علیت تقابلی ندارد و فقط ناشی از علم ناقص ماست.

گزینه ۳: دیدگاه تکاملی می‌تواند با علیت سازگار باشد. اینگونه که قوانین علی جاری باشند و تکامل هم در چارچوب این قواعد شکل بگیرند.

گزینه ۴: نظریه مهبانگ با قرائت خاصی می‌تواند با علت نخستین سازگار باشد. جهان می‌تواند خالق و علت نخستینی داشته باشد که شکل موجودیت یافتن آن را بدین طریق طراحی کرده باشد.

۳۵ - گزینه ۱ چون در نظریه دموکریتوس تمام تحولات جهان در اثر برخورد ذرات سرگردان صورت می‌پذیرند، اگر این برخوردها تصادفی باشند، نمی‌توانند هدف و غایت از پیش تعیین شده باشند و این یعنی اتفاق به معنای سوم «نفی غایبتمندی». (تأیید گزینه ۱)

رد گزینه ۲: درست است که بیان بعضی دانشمندان نظریه مهبانگ یا بیگ‌بنگ چنین تصویری را ایجاد می‌کند که جهان بی‌علت به وجود آمده است، ولی خود نظریه مهبانگ یا بیگ‌بنگ با اعتقاد به علت نخستین سازگار است؛ زیرا می‌توان گفت علت نخستین ماده بسیار فشرده را ایجاد کرده و به گونه‌ای آن را طراحی کرده است که با یک انفجار منجر به گسترش جهان شود.

رد گزینه ۳: اگر این تکامل تدریجی از پیش معین و طراحی شده از قبل باشد، هیچ اتفاقی رخ نداده است.

رد گزینه ۴: ممکن است چنین شخصی علت تامه بارش باران را شامل عواملی غیر از ابر و سرما نیز بداند که چون آن عوامل محقق نشده‌اند معلول هم ایجاد نشده است. در این صورت اصل وجوب علی و معلولی نفی شده است.

۳۶ - گزینه ۳ اتفاق به معنای اول مورد مخالفت همه فلاسفه بود. اما اتفاق به معنای دوم که اصل سنخیت را انکار می‌کرد، مورد پذیرش برخی فلاسفه اروپایی بود. سایر گزینه‌ها نیز به انکار اصل سنخیت اشاره دارد.

۳۷ - گزینه ۱ عبارت صورت سوال در واقع نقض اصل سنخیت است که با استفاده از مفاهیمی مانند شانس و بخت این نکته را القا می‌کند که انسان بدشانس ممکن است اسبش به خر تبدیل شود. در عبارت اول این بیت شعر از مولوی می‌خواهد نقض اصل سنخیت را بیان کند. در گزینه دو اتفاق به معنای همراهی و معیت است و با هیچ‌یک از اصول عقلانی علیت، وجوب و سنخیت تعارض ندارد. در گزینه ۳ بر نقش سرنوشت و حتمی بودن سرنوشت هرکسی اشاره دارد و لزوماً به معنای اتفاق نیست. در عبارت ۴ اتفاق به معنای چهارم است یعنی رخ دادن حادثه پیش‌بینی نشده.

۳۸ - گزینه ۳ معنای اول اتفاق این است که رابطه ضروری میان علت و معلول وجود ندارد. یعنی ممکن است علت (تامه) باشد و معلول به وجود نیاید.

۳۹ - گزینه ۴ محرکی که خودش حرکت ندارد، نتیجه برهان حرکت ارسطوست، نه این که مقدمه‌اش باشد.

۴۰ - گزینه ۴ افلاطون در مواردی نیز از خداوند با عنوان مثال خیر یاد می‌کند و توضیح می‌دهد که در پرتو آن دارای حقیقت می‌شوند و همان‌طور که روشنایی شبیه خورشید است، اما خود خورشید نیست، حقایق نیز شبیه به مثال خیر

هستند نه خود آن.

۴۱ - گزینه ۲ برهان مشهور ارسطو بر اثبات وجود خدا، برهان حرکت نام دارد. او معتقد است که وجود حرکت در عالم نیازمند محرکی است که خود آن محرک، حرکت نداشته باشد. زیرا اگر آن نیز حرکت داشته باشد، نیازمند یک محرک دیگر است و آن محرک دوم نیز به همین ترتیب نیازمند محرک است و سلسله محرک‌ها تا بی‌نهایت جلو خواهد رفت که چنین تسلسلی عقلاً محال است.

۴۲ - گزینه ۴ دکارت در یکی از استدلال‌های خود برای اثبات خدا می‌گوید: «من از حقیقتی نامتناهی تصویری دارم. این تصور نمی‌تواند از خودم باشد، زیرا من متناهی هستم. بنابراین این ادراک را موجودی نامتناهی داده است.»

۴۳ - گزینه ۲ دکارت می‌گفت عقل انسان به‌طور ذاتی معرفت‌هایی مستقل از تجربه دارد که معرفت به وجود نفس مجرد یکی از آنهاست. کانت نیز معرفت را حاصل همکاری عقل و حس می‌داند. از سوی دیگر او در استدلالش برای ضرورت وجود خدا در سیر عقلانی وجود نفس مجرد را ثابت می‌کند. پس این دو بر سر تجربی نبودن معرفت به وجود نفس مجرد اشتراک دارند. دکارت، استدلالی عقلی مبنی بر وجود خداوند ارائه می‌دهد، اما کانت ضرورت وجود خدا، را بر مبنای وجدان اخلاقی اثبات می‌کند، بنابراین این دو فیلسوف در اینجا تفاوت نظر دارند. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: اشتراک نظر - اشتراک نظر

گزینه ۳: اختلاف نظر (این عبارت نظر کانت است). - اشتراک نظر

گزینه ۴: اشتراک نظر (البته این نظر در کتاب درسی به دکارت نسبت داده شده است، اما چیزی در کتاب وجود ندارد که بگوید کانت با چنین نظری مخالف است). - اشتراک نظر

۴۴ - گزینه ۲ یعنی نشان داد چرا خدا باید وجود داشته باشد. (تایید گزینه ۲)

رد گزینه ۱: او ضرورت وجود نفس غیرمادی را نیز ثابت کرد، نه اینکه صرفاً فرض کرده باشد.

رد گزینه ۳: این برهان درصدد دعوت انسان به رعایت اخلاق نیست؛ بلکه درصدد نشان دادن ضرورت وجود خدا به‌عنوان پشتوانه اخلاق است.

رد گزینه ۴: ایمانوئل کانت در حقیقت ضرورت وجود خدا را اثبات کرد، نه وجود خدا را.

۴۵ - گزینه ۲ دیوید هیوم (فیلسوف حس‌گرا و تجربه‌گرای قرن هجدهم) دلایل دکارت و سایر فیلسوفان عقل‌گرا (که شناخت عقلی مستقل از حس را قبول داشتند) را به دلیل اتکای صرف به عقل مردود می‌دانست؛ زیرا معتقد بود عقل اساساً ادراک عقلی مستقل از حس و تجربه ندارد.

رد سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱ و ۳: هیوم معتقد بود مهم‌ترین برهان فیلسوفان الهی، برهان نظم است که از تجربه گرفته شده است، اما این برهان توانایی اثبات یک وجود ازلی و ابدی و نامتناهی را ندارد. این برهان فقط می‌تواند ثابت کند که یک ناظم و مدبّر این جهان را اداره می‌کند، اما اثبات نمی‌کند که این ناظم خالق همان خداوندی است که نیازمند علت نیست و واجب‌الوجود است. این عقیده هیوم ربطی به مردود دانستن دیدگاه فلاسفه عقل‌گرا ندارد، بلکه یکی از

برهان‌های رایج بین فلاسفه الهی را نقد و بررسی می‌کند.

- گزینه ۴: این عبارت اگرچه مورد تایید هیوم است اما دلیل مردود دانستن دیدگاه فلاسفه عقل‌گرا نیست، بلکه نشان‌دهنده بنیان فکری او و سایر فیلسوفان تجربه‌گرا مبنی بر بی‌اعتباری ادراک مستقل از حس است.

۴۶ - گزینه ۱ دکارت می‌گوید من از حقیقتی نامتناهی که خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده‌ایم، تصویری دارم.

۴۷ - گزینه ۴ توانایی داشتن تصور موجود نامتناهی با توانایی ساختن آن متفاوت است. استدلال دکارت این بود که من که موجود متناهی هستم تصور موجود نامتناهی از من نیست. یعنی آن را خلق نکرده‌ام. موجود نامتناهی آن را به من بخشیده است.

۴۸ - گزینه ۴ موجود متناهی قادر به ایجاد تصور وجود نامتناهی نیست. (رد گزینه ۱) اخلاق و جهان نامتناهی از مفاهیم به کار رفته در استدلال کانت است. (رد گزینه‌های ۲ و ۳)

۴۹ - گزینه ۱ اگر هر چیزی باید علتی داشته باشد، پس خدا نیز نیازمند علت است. بنابراین اگر چیزی بدون علت، بتواند وجود داشته باشد، این چیز نمی‌تواند هم خدا باشد هم جهان.

۵۰ - گزینه ۳ مفهوم تسلسل علل نامتناهی:

«یعنی یک معلول یک علت داشته باشد و آن علت نیز خود معلول علت دیگر باشد و این زنجیره به همین صورت تا بی‌نهایت ادامه یابد.»

۵۱ - گزینه ۳ اگر سلسله علت‌ها بخواهد تا بی‌نهایت پیش برود، یعنی منتهی به علتی نشود که معلول دیگری نباشد، تسلسل علل نامتناهی، پیش می‌آید.

۵۲ - گزینه ۱ اگر سلسله‌ای نامتناهی از علت‌ها داشته باشیم که هر علت وابسته به علت قبل از خود باشد، بدین معناست که آغاز و ابتدایی در کار نیست. در این صورت اصلاً چیزی پدید نمی‌آید (وجود هیچ معلولی ضرورت پیدا نمی‌کند) که نوبت به معلولی که اکنون پیش روی ماست برسد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۲: تسلسل علل نامتناهی همان چیزی است که در صورت سؤال توضیح داده شده است. سؤال نتیجه تسلسل را خواسته است.

گزینه ۳: در تسلسل نامتناهی اصلاً چیزی پدید نمی‌آید که بخواهد بی‌شمار باشد.

گزینه ۴: به هیچ علتی نمی‌رسیم.

۵۳ - گزینه ۳ مقدمه دوم استدلال فارابی به این شرح است: «هر چیزی که وجودش از خودش نباشد (معلول باشد) علتی مقدم بر خود دارد که به او وجود می‌دهد.» پس تنها معلول‌ها دارای علت هستند، نه همه واقعیت‌ها. خداوند واقعیتی است که وجود از جانب خودش است و علتی مقدم بر خود ندارد. در کادر «بررسی» درس ۶ کتاب درسی روی این موضوع تأکید زیادی شده است؛ چرا که برتراند راسل (فیلسوف انگلیسی قرن بیستم) هم چنین نتیجه اشتباهی را از استدلال فارابی برداشت کرده بود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: نتیجهٔ مقدمهٔ دوم استدلال فارابی است.
- گزینه ۲: با هیچ‌یک از مقدمات استدلال فارابی منافاتی ندارد.
- گزینه ۳: مقدمهٔ نخست استدلال فارابی است.
- ۵۴ - گزینه ۲ بررسی گزینه‌ها:
- گزینه ۱: هر ممکن و حادثی نیازمند علت است، نه هر چیزی!
- گزینه ۲: اساس برهان فارابی بر تقدم علت بر معلول است.
- گزینه ۳: نتیجهٔ برهان وجوب و امکان ابن سینا، اثبات واجب‌الوجود بود.
- گزینه ۴: در انتهای عبارت باید ذکر می‌شد که این سلسله تا بی‌نهایت ادامه دارد.
- ۵۵ - گزینه ۱ برهان فارابی بر پایهٔ «محال بودن سلسلهٔ نامتناهی علل» بنا شده است.
- ۵۶ - گزینه ۳ هر چیزی که وجودش از خودش نباشد، علتی مقدم بر خود دارد که به او وجود می‌دهد. (رد گزینه ۱) در برهان فارابی از موجودات پیرامون خود شروع می‌کنیم که محسوس هستند، اما لزوماً همه علت‌ها و معلول‌ها محسوس نمی‌باشند. (رد گزینه ۲) اگر سلسله علت و معلول ابتدا و آغازی نداشته باشد، نوبت به معلول پیش روی ما نمی‌رسد. (رد گزینه ۳) فارابی معتقد بود که نه پدیده بدون علت داریم نه موجود بدون علت.
- ۵۷ - گزینه ۴ بررسی گزینه‌ها:
- گزینه ۱: ابن سینا می‌گویند چون اشیای جهان ذاتاً ممکن‌الوجودند، برای موجود شدن به واجب‌الوجود بالذات نیاز دارند.
- گزینه ۲: هر دو به یک شیوهٔ مورد تبیین و بررسی قرار می‌دهند.
- گزینه ۳: فیلسوفان مسلمان معتقد بودند، اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی امکان‌پذیر است.
- ۵۸ - گزینه ۴ استدلال ابن سینا این است که موجودات در ذات خود نسبت به وجود و عدم مساوی‌اند. و برای بیرون آمدن از تساوی و وجود داشتن نیازمند علتی هستند که خودش ممکن‌الوجود نباشد. ملاصدرا استدلال ابن سینا را ارتقا بخشید و توضیح داد که همهٔ موجودات و واقعیات جهان، عین وابستگی و نیاز هستند و «وابستگی» و نیاز به غیر، سراسری وجود آنها را فراگرفته است.
- ۵۹ - گزینه ۱ حمل یگانه بر غنی بالذات، حمل وجوبی است.
- بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه ۱: حمل وجوبی
- گزینه ۲: حمل امکانی
- گزینه ۳: حمل امکانی
- گزینه ۴: حمل امکانی
- ۶۰ - گزینه ۲ بنا بر بیان ابن سینا، اشیای جهان، چه تعداد آنها محدود باشد و چه نامحدود، چه کل آنها را به عنوان یک مجموعه در نظر بگیریم و چه به فرد فرد آنها توجه کنیم، چون ذاتاً ممکن‌الوجودند، برای موجود شدن به واجب‌الوجود بالذات نیاز دارند. این واجب‌الوجود آنها را از حالت امکانی خارج می‌کند و وجود را برای آنها

ضروری و واجب می‌سازد. موجوداتی که اکنون نیستند ممنوع‌الوجود بالغیر هستند. (رد گزینه ۱) ذات ماهیات ثابت است و تغییر نمی‌کند. (رد گزینه ۳) ماهیات به واسطه علتی بیرون از ذات خود واجب‌الوجود می‌شوند. (رد گزینه ۴)

۶۱ - گزینه ۲ طبق نظریه «امکان فقری» یا «فقر وجودی»، جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است و از خود هیچ استقلالی ندارد. اگر ذات الهی، آئی پرتو عنایت خویش را باز گیرد، کل موجودات نابود می‌گردند و نور وجود آن‌ها خاموش می‌شود.

۶۲ - گزینه ۱ طبق متن کتاب فیلسوفانی مانند کرگور و ویلیام جیمز (که بنیان‌گذار مکتب پراگماتیسم است). معتقدند که برای اثبات خدا و ایمان به وی نمی‌توان از عقل کمک گرفت. همچنین ویلیام جیمز بیان می‌دارد: «من معتقدم که دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه‌های شخصی درونی ما نهفته است.» یعنی به صورت غیرمستقیم می‌توان از این گفته برداشت کرد که وی دلایل عقلی برای باور به خدا را نه تنها لازم، بلکه ممکن نیز نمی‌داند. در نتیجه بدون پذیرش عقلی خداوند نیز امکان برقراری ارتباط معنوی و احساس حضور وی وجود دارد و ناممکن نیست. از طرفی فیلسوفان مسلمان معتقدند که ابتدا باید وجود خدا را از طریق عقل و تفکر و اندیشه پذیرفت و سپس با وی ارتباط معنوی برقرار کرد و یک زندگی متعالی و معنادار را سامان بخشید. البته درک و پذیرش هر فردی نیز به اندازه توان عقلی و فکری اوست. بنابراین فلاسفه اسلامی امکان برقراری ارتباط معنوی با خداوند، بدون پذیرش عقلی وی را منتفی می‌دانند. بنابراین فیلسوفان مسلمان معتقدند که ابتدا باید خدا را به صورت عقلی اثبات کرد تا سپس بتوان از ثمرات آن (معنادار شدن زندگی) استفاده کرد اما فیلسوفان تجربه‌گرا معتقدند که فارغ از اینکه خدا هست یا نیست؛ باید او را پذیرفت تا زندگی انسان معنادار گردد.

۶۳ - گزینه ۱ فلاسفه مسلمان در کنار اثبات وجود خدا، درباره تأثیر اعتقاد به وجود خدا در زندگی انسان و نقش آن در منبأخشی به حیات بشری بسیار بحث کرده‌اند. از نظر ایشان وقتی اعتقاد به خدا می‌تواند به زندگی معنا دهد و انسان را وارد مرتبه‌ای برتر از زندگی کند که واقعاً او را از یک راه معقول و درست پذیرفته باشد.

۶۴ - گزینه ۲ گزینه‌های ۱، ۳، و ۴، در خصوص وجود خداوند برهان ارائه کرده‌اند و از وجود معلول پی به وجود علت برده‌اند؛ اما گزینه ۲، بر نیازمندی و ضرورت وجود خداوند، برهان ارائه کرده است.

۶۵ - گزینه ۳ انسان دو دسته تمایلات دارد: بخشی از این تمایلات گرایش به خیر اخلاقی هستند و برخی مخالف آن و این موضوع ربطی به دین افراد ندارد. علت نادرستی گزینه ۴: ماتریالیست‌ها به دلیل زندگی اجتماعی، ناگزیر هستند علاوه بر منفعت شخصی، منفعت اجتماع هم رعایت کنند و ضمناً نمی‌توانند به هر مقدار که می‌خواهند آزاد باشند و این آزادی باید متقابل باشد.

۶۶ - گزینه ۲ هر اکلیتوس که از فیلسوفان پیش از سقراط است، از حقیقتی به نام لوگوس سخن می‌گوید که هم به معنای یک وجود و حقیقت متعالی است و هم به معنای نطق و سخن و کلمه، یعنی به هر دو کاربرد عقل توجه داشته است. از نظر او کلمه و سخن ظهور و پرتو عقل متعالی و برتر می‌باشد. جهان و اشیا نیز ظهور آن وجود و آن حقیقت متعالی و برتر هستند.

* دقت کنید گزینه چهار، گزینه درستی است اما به صورت سؤال توجه شود که گفته شده نتیجه فلسفی کاربرد لوگوس.

۶۷ - گزینه ۳ عقل به دو قسم عقل عملی و نظری تقسیم می‌شود و براساس آن، دانش بشری نیز دو قسم می‌گردد:

عقل از آن جهت که درباره رفتارهای اختیاری انسان و باید و نبایدهای او، مانند باید راست بگوید، باید قانون را رعایت کند و نباید دروغ بگوید و نباید ظلم کند، عقل عملی نامیده می‌شود و تلاش حاصل از آن، علم عملی است.

۶۸ - گزینه ۱ عقل از آن جهت که درباره رفتارهای اختیاری انسان و باید و نبایدهای او باشد، بحث می‌کند، عقل عملی نامیده می‌شود. مثل اینکه انسان باید راست بگوید که این مورد در گزینه ۱ دیده می‌شود و سایر گزینه‌ها مربوط به آن نمی‌شود.

۶۹ - گزینه ۲ عقل، از آن جهت که درباره رفتارهای اختیاری انسان و بایدها و نبایدهای او، مانند «باید راست بگوید»، «باید قانون را رعایت کند»، و «ناید دروغ بگوید» و «ناید ظلم کند»، عقل عملی نامیده می‌شود و دانشی که از این جهت به دست می‌آید، علم عملی نام دارد.

۷۰ - گزینه ۴ افلاطون معتقد به وجود عقلی بود که عقل انسان برای فهم امور باید به آن متصل شود و آن را «عقل جهانی» یا «عقل کلی» می‌نامید.

۷۱ - گزینه ۱ از نظر کنت، عقل آنگاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل می‌شود، به واقعیت و به «علم» می‌رسد. بنابراین، عقل فقط از طریق علم تجربی می‌تواند به شناخت واقعیت برسد.

۷۲ - گزینه ۲ نزاع و اختلاف بر سر محدوده کارآمدی عقل که در اروپا به وجود آمد، از عصر نورایی یا رنسانس و نورایی آغاز شد که فرانسویس بیکن و رنه دکارت از پیشگامان آن بودند. این در حالی است که ترجمه آثار فلاسفه‌ای همچون ابن‌سینا و ابن‌رشد به زبان لاتین، از قرن‌ها پیش و حتی قبل تر از توماس آکویناس آغاز شده بود. بنابراین گزینه «۲» نادرست بوده و پاسخ این سوال می‌باشد.

۷۳ - گزینه ۳ در همان ابتدای دوره رنسانس اختلاف میان فلاسفه درباره محدوده کارآمدی عقل آغاز شد که از مباحث معرفت‌شناسی می‌باشد و به تدریج رشد کرد.

این اختلاف تا آنجا گسترش یافت که فیلسوفان اروپا به دو دسته عقل‌گرا (راسیونالیسم) و تجربه‌گرا (پوزیتیویسم) تقسیم شدند.

(رد سایر گزینه‌ها)

۷۴ - گزینه ۲ از نظر فیلسوفان مسلمان، استدلال عقلی، شهود و وحی هر سه ما را به حقیقت واحدی می‌رسانند و تأییدکننده و کمک‌کننده به یکدیگر هستند؛ گرچه هر کدام روش خاص خود را

دارند و از مسیرهای متفاوتی در جست‌وجوی حقیقت هستند. (تایید گزینه ۳) البته ما انسان‌ها چون توانمندی‌های عقلی محدود و متفاوتی داریم، ممکن است در استدلال عقلی و یا در فهم وحی دچار اشتباه شویم و به نتیجه‌های نادرست برسیم و احساس کنیم میان دستاوردهای عقلی ما و داده‌های وحی تعارض‌هایی وجود دارد. در این قبیل موارد باید تلاش علمی خود را افزایش دهیم و از دانش

دیگران بهره ببریم تا بتوانیم خطاهای خود را اصلاح کرده و از گمان تعارض میان یافته‌های عقلی و دستاوردهای وحیانی‌هایی یابیم (تایید گزینه ۱)

از طرف دیگر فیلسوفان مسلمان معتقدند عقل بهترین ابزار برای تفکر در آیات و روایات است. ما به کمک عقل در آیات قرآن می‌اندیشیم و با این تفکر و تدبر، به معارف قرآن پی می‌بریم. همچنین ایمانی ارزشمند است که پشتوانه عقلی داشته باشد. ایمانی که از این پشتوانه تهی است، ارزش چندانی ندارد و چه بسا انسان را به سوی کارهای غلط و اشتباه نیز بکشاند. (تأیید گزینه ۲) اما از آنجا که عقل تنها راه شناخت و درک معارف قرآنی نیست و می‌توان از طریق شهود و معرفت قلبی هم به شناخت رسید، می‌توان به گزینه ۳ ابراد وارد کرد که در مورد راه‌های شناخت معارف و حیاتی تنها به عقل اشاره کرده است.

همچنین وحی تنها مختص پیامبران و تنها راه رسیدن به آن خواست خداوند است، نه تهذیب نفس. (رد گزینه ۴)

۷۵ - گزینه ۱ حکمت اشراق نوعی بحث از وجود است که تنها به نیروی عقل و ترتیب استدلال اکتفا نمی‌کند، بلکه آن را با سیر و سلوک قلبی نیز همراه می‌سازد. فیلسوف اشراقی می‌کوشد آنچه را در مقام بحث و استدلال به دست آورده با شهود قلبی و تجربه درونی دریابد و به ذائقه دل برساند.

۷۶ - گزینه ۳ ملاک درستی و نادرستی از نظر یک فیلسوف، این است که بتواند آن گزاره را با واقعیت مطابقت دهد و اثبات کند.

۷۷ - گزینه ۴ فارابی و ابن‌سینا می‌گویند عقل در هنگام تولد به صورت یک استعداد است که باید تربیت شود تا رشد کند، یعنی همانطور که انسان مراحل کودکی، نوجوانی و جوانی را می‌گذراند و رشد جسمی او تکامل می‌یابد، عقل نیز تربیت‌مراحلی را طی می‌کند و کامل می‌شود. اولین مرحله عقل بالقوه نام دارد.

دومین مرحله عقل بالملکه می‌گویند. در این مرحله عقل مفاهیم و قضایای بدیهی را درک می‌کند.

۷۸ - گزینه ۲ ابتدا باید با عقل به وجود مبدایی برای عالم پی ببریم، تا بعد از آن بتوانیم احکام دینی را فرستاده از سوی او بدانیم.

۷۹ - گزینه ۲ فیلسوفان مسلمان عقل را در کنار حس و قلب یکی از ابزارهای معرفت و در کنار قرآن و سنت، به عنوان یکی از منابع معرفت معرفی می‌کنند.

۸۰ - گزینه ۱ درک بدیهیات؛ مربوط به مرحله «عقل بالملکه»، و دلیل آوری؛ مربوط به مرحله «عقل بالفعل»، است. (تأیید گزینه ۱) بدیهی است؛ در «عقل بالملکه»، حکم به وجود هر چیزی نیاز به دلیل عقلی یا حسی و تجربی دارد. بدیهی نیست در اینجا وجود گزاره‌هایی که از طریق استدلال اثبات می‌شوند و حکم شده‌اند و نیاز به دلیل دارند (عقل بالفعل).

رد گزینه ۲: گزاره تجربی بدیهی نیست. (عقل بالفعل). با توجه به تعریف؛ تصور و تصدیق، بدیهی است. (عقل بالملکه).

رد گزینه ۳: اصل امکان شناخت بدیهی است، ولی اینکه این شناخت از سوی قوای خود انسان پدید می‌آید لزوماً بدیهی نیست، (اما به نظر می‌رسد طراح کنکور این مورد را بدیهی در نظر گرفته باشد (عقل بالملکه)!!)

با توجه به اینکه (جاندار) و (بی‌جان) نقیض هم هستند و اجتماع و ارتفاع آنها محال است؛ پس این امر بدیهی است. (عقل بالملکه)

رد گزینه ۴: اگرچه قریب بدیهی بودن است، ولی می‌توان آن را با تعریف مثلث شکل سه ضلعی اثبات کرد، معمولاً

چنین ادراکی را بدیهی در نظر می گیرند و مربوط به (عقل بالملکه) معرفی می کنند.

- ۸۱ - گزینه ۳ - این گزاره یک گزاره بدیهی است. در مرحله عقل بالملکه است که انسان می تواند مفاهیم و قضایای بدیهی را درک کند.
- این قضیه بدیهی نیست و نیاز به رشد و شکوفایی عقل دارد تا بتواند از مشاهده عالم طبیعت به چنین شناختی برسد. پس ذیل عقل بالفعل قرار می گیرد.
- این گزاره هم گزاره های بدیهی است و در مرحله عقل بالملکه فرا گرفته می شود.
- ۸۲ - گزینه ۳ - عموم فیلسوفان مسلمان عقیده دارند که: پذیرش هر اعتقاد و آیینی نیازمند استدلال عقلی است؛ هرچند این استدلال عقلی برای سطوح مختلف جامعه متفاوت است و حجت و دلیل هر کس به اندازه توان و قدرت فکری اوست. بنابراین، ایمانی ارزشمند است که پشتوانه عقلی داشته باشد. ایمانی که از این پشتوانه تهی است، ارزش چندانی ندارد و چه بسا انسان را به سوی کارهای غلط و اشتباه نیز بکشاند.
- ۸۳ - شناخت های بدیهی مربوط به مرحله عقل بالملکه می باشند؛ فهم اینکه دو جسم نمی تواند هم زمان در یک جا قرار گیرد، بدیهی است.
- ۸۴ - گزینه ۴ - دلایل رد گزینه ها:
- گزینه ۱: مخالفت و انتقاد متکلمان از فلسفه گاه به قدری شدید بود که فلسفه را پس از ابن سینا در بخش هایی از جهان اسلام به رکود کشاند.
گزینه ۲: در نظام فکری سهرودی غلبه با روش ذوقی است.
گزینه ۳: منظور از معلم ثانی، فارابی است.
- ۸۵ - گزینه ۱ - عارفان در سیر و سلوک عرفانی خود را بی نیاز از عقل معرفی می کنند و این بیت نیز مؤید همین مطلب است.
- ۸۶ - گزینه ۱ الف) این گزاره گزاره های فلسفی در مورد خداوند (وجود مطلق) است. بنابراین مربوط به طرح مباحث عقلی و فلسفی است.
ب) پیامبر در حکایتی که در این مورد آمده است، با رفتارش جویندگان علم و خود علم را تکریم کرده است.
- ۸۷ - گزینه ۲ - رساله اغراض مابعدالطبیعه شرحی بر کتاب مابعدالطبیعه ارسطو است.
- از نظر فارابی انسان با اتصال به عقل فعال می تواند به ادراک حقایق دست یابد.
- ۸۸ - گزینه ۱ - بررسی عبارت نادرست: فارابی در کتابی به نام «اغراض ارسطو فی کتاب مابعدالطبیعه»، با دقت و توانایی بسیار نظرات ارسطو را شرح می کند.
- ۸۹ - گزینه ۲ - به نظر ابن سینا، طبیعت هر شیء آن را به سوی خیر و کمال سوق می دهد، به شرطی که موانعی در راه طبیعت قرار نگیرد.
- ۹۰ - گزینه ۴ - بررسی گزینه ها:
- گزینه ۱: طبیعت موجودات باعث حرکات و تحولات آنان می شود نه برعکس!
گزینه ۲: بسیار دام برانگیز است. توجه داشته باشید در کتاب به این صورت ذکر شده است:

تحقیق در طبیعت

تأمل در ماورالطبیعه

گزینه ۲: به جای این دو کلیدواژه را عوض کرده و گفته: تحقیق در ماورالطبیعه

گزینه ۳: از نظر طراح سوال، داوری ممکن و ساده است! تمام وقایع طبیعی، خیر هستند!

گزینه ۴: حوادث از جهتی خیر و از جهتی شر هستند. (شر آنها ظاهری است) ولی نظام جهان به صورت کلی، خیر است.

۹۱ - گزینه ۳ در نظر ابن‌سینا عنایت احاطه و شمول علم باری تعالی بر همه موجودات است و ضروری است همه موجودات مطابق آن باشند تا نیکوترین نظام پدید آید.

۹۲ - گزینه ۴ شفا دایره‌المعارف علمی و فلسفی، قانون فرهنگنامه پزشکی و دانشنامه علایی در ابواب مختلف حکمت و آخرین دیدگاه‌های فلسفی ابن‌سینا در کتاب اشارات و تنبیهات است.

۹۳ - گزینه ۱ عنایت، احاطه و شمول علم باری تعالی برای تحقق نظام احسن و سازگاری تحقیق با هدف خلقت جهان، بهترین روش تحقیق در طبیعت می‌باشد.

۹۴ - گزینه ۴ فارابی، مؤسس فلسفه اسلامی در رساله جمع بین رأی دو حکیم، نخستین بار به طرح فلسفه اسلامی پرداخت و از آثار ابن‌سینا هم «شفا» و هم «دانشنامه علایی» در ابواب حکمت و فلسفه هستند.

۹۵ - گزینه ۱ از آنجا که ابن‌سینا شناخت حسی و تجربی (حاصل همکاری حس و عقل) را قبول دارد، این عبارت به عقاید او نزدیک‌تر است. او از ما می‌خواهد علاوه بر مطالعه عالم طبیعت، برای کشف ویژگی‌ها و روابط پدیده‌های آن، در رابطه وجودی این عالم با مبدأ کل جهان هستی نیز تأمل کنیم که این کار از حواس برنمی‌آید و مستلزم استفاده از اصول عقلانی است.

رد سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۲: مشاهده، استقرا و آزمایش، تنها ما را با بخش‌هایی از عالم طبیعت (که تنها بخشی از مراتب وجود است) آشنا می‌کند.

در ضمن برای رسیدن به یک بینش کلی درباره همان عالم طبیعت هم نیازمند چیزی فراتر از حس و تجربه هستیم. مثلاً برای تأمل در روابط پدیده‌ها (علیت) و رابطه طبیعت با ماوراء طبیعت و خدا به عقل و اصول عقلانی نیاز داریم.

- گزینه ۳: از نظر ابن‌سینا بررسی و مطالعه تجربی موجودات به تنهایی ما را به وجود خالق نظام احسن نمی‌رساند؛ بلکه برای این کار نیازمند عقل و استدلال عقلانی هستیم.

- گزینه ۴: منشاء و مبداء آثار کل عالم طبیعت، طبع و ذات کل آن است، نه طبیعت تک‌تک موجودات آن.

۹۶ - گزینه ۴ حکمت اشراق هم با حکمت مشاء و هم با تصوف و عرفان متداول متفاوت است؛ زیرا حکمت مشاء از عقل نظری فراتر نمی‌رود و عرفان و تصوف رسمی نیز به برهان و استدلال بهای چندانی نمی‌دهد.

۹۷ - گزینه ۲ در مغرب وسطی نور و ظلمت به هم آمیخته شده‌اند.

۹۸ - گزینه ۳ سهروردی از واقعیت اشیا به نور تعبیر می‌کند. دقت کنید که هستی مطلق و ذات باری تعالی از نظر

سهروردی نور محض است.

۹۹ - گزینه ۴ حکیم متأله (خداپرست) کسی است که هم در صور برهانی و هم در شناخت عرفانی به کمال رسیده باشد.

۱۰۰ - گزینه ۴ در دوره دوم حاکمیت کلیسا (قرون ۱۰ تا ۱۳ میلادی) فیلسوفان و حکمای مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتاب‌های ابن‌سینا و ابن‌رشد و سایر فیلسوفان مسلمان، به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند، اما از آنجا که توجه به عقل و عقلانیت با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، به تدریج با گسترش عقل‌گرایی، تفکر دینی مسیحیت عقب‌نشینی کرد تا جایی که در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و کاملاً بر فضای فکری و فرهنگی جامعه اروپایی حاکم شد. (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

- رد گزینه ۳: اگرچه روی آوردن فیلسوفان اروپایی به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی سرآغاز تغییر و تحولات فکری و اجتماعی آنان شد، اما دلیل کنار رفتن دین مسیحیت و شکست خوردن آن در برابر برهین عقلی، ناسازگاری مبانی اعتقادی کلیسای کاتولیک با عقل و عقلانیت بود.

۱۰۱ - گزینه ۴ حمل «دارای دو قطر مساوی» بر «مربع» ضروری و وجوبی است. حمل «دارای زاویه» بر «مستطیل» هم همین گونه است.

سایر گزینه‌ها: حمله‌ای «دوزنقه» بر «شکل»، «متساوی الاضلاع» بر «مثلث»، و «مثلث» بر «دارای اضلاع» همگی امکانی هستند. زیرا شکلی داریم که دوزنقه نیست (مثل دایره)، مثلثی داریم که متساوی الاضلاع نیست (مثلث قائم‌الزاویه) و دارای اضلاعی داریم که مثلث نیست. (مربع)

۱۰۲ - گزینه ۲ ملاصدرا مانند: ارسطو، افلاطون، ابن‌سینا، دکارت و برخی عقل‌گرایان، انسان را دوساحتی (دوبعدی) و دارای روح و بدن می‌داند.

اما در فلسفه ملاصدرا، روح و جسم چیز جدایی نیستند و دو جنبه از انسان را تشکیل نمی‌دهند (نسبت آنها تباین نیست) بلکه روح همان تکامل یافته جسم است و انسان تنها از یک حقیقت آفریده شده که ظاهر آن جسم است و باطن آن روح می‌باشد.

بر این اساس، صحیح‌ترین پاسخ، گزینه ۲، به نظر می‌رسد زیرا در کتاب حرفی از این زده نشده که ابن‌سینا روح را بی‌پایان می‌داند. (اگر این سوال را اشتباه پاسخ داده‌اید، حق داشتید! در کتب نظام قدیم به این موضوع و اختلاف اساسی ابن‌سینا و ملاصدرا اشاره شده بود اما در کتاب شما در این خصوص حرفی زده نشده اما به هر حال طراح محترم از آن استفاده کرده‌اند.)

بررسی گزینه ۴: هر اتفاقی که بر جسم بیافتد، بر روح اثر می‌گذارد نه اینکه با خبر شود.

۱۰۳ - گزینه ۳ فلسفه‌ای که ملاصدرا بنیان گذاشت و آن را رسماً «حکمت متعالیه» نامید، نتیجه تکاملی دو مشرب فلسفی گذشته، یعنی فلسفه مشاء و فلسفه اشراق و نیز انس دائمی وی با وحی الهی و قرآن کریم بود. (رد گزینه ۴) به عبارت دیگر، در شخصیت وجودی ملاصدرا برهان عقلی و شهود قلبی و وحی قرآنی با هم الفت یافته و از این الفت، فلسفه‌ای برآمد که سرآمد فلسفه‌های قبل از خود شد. پس وی نه تنها با شهود قلبی آشنا بود، بلکه در شکل‌دهی نظام فکری و فلسفی خود از آن تأثیر پذیرفته بود. (رد گزینه ۲)

این نکته حائز اهمیت است که بهره‌مندی ملاصدرا از عرفان و شهود یا وحی قرآنی، فلسفه او را از معیارهای پذیرفته شده در دانش فلسفه تهی نساخت و به عرفان یا کلام تبدیل نکرد. زیرا وی در مقام فیلسوف می‌دانست که ملاک فلسفی بودن یک متن یا سخن، این است که اولاً هر مبحثی که طرح می‌کند، به موضوع فلسفه، یعنی وجود و مسائل بنیادی آن، مربوط باشد و ثانیاً متکی بر عقل و استدلال عقلی باشد، نه شهود قلبی و یا بیان نقلی و قرآنی. ایشان این اصل را در آثار فلسفی خود، به‌خصوص در اسفار، مراعات کرده و در هر موردی که از شهود یا وحی الهی بهره برده، از این دو منبع نه به‌عنوان پایه استدلال بلکه به‌عنوان تأیید و شاهد کمک گرفته است. (رد گزینۀ ۱ و تأیید گزینۀ ۳)

۱۰۴ - گزینۀ ۱ - تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینۀ ۲) معارف دینی خود منبعی آسمانی داشته‌اند و نتیجه یک نظام مابعدالطبیعی نبوده‌اند.

گزینۀ ۳) دعوت قرآن به تفکر نشانه عجز انسان از فهم نیست.

گزینۀ ۴) بیان معارف دینی در قالب کلام خدا و پیشوایان دین بوده است.

۱۰۵ - گزینۀ ۲ ملاصدرا کتاب «الحکمت المتعالیه فی الاسفار الاربعه»، را با الهام از سفر چهار مرحله‌ای عارفان در چهار بخش تنظیم و تألیف کرده است. او در هر بخش از کتاب، مباحث فلسفی متناسب با محتوای سفر عرفا در آن مرحله را بیان می‌کند.

۱۰۶ - گزینۀ ۲ زمانی که یک مفهوم در ذهن ما به دو جزء قابل تقسیم باشد، آنگاه این سؤال پیش می‌آید که اصالت با ماهیت است یا با وجود.

۱۰۷ - گزینۀ ۲ نظر ملاصدرا این بود که از میان ماهیت و وجود، مفهوم وجود است که اصل و واقعی است. واقعیت خارجی مابازاء و مصداق وجود داشت. پس وجود اصالت دارد نه ماهیت.

۱۰۸ - گزینۀ ۱ - اصالت وجود، بنیادی‌ترین اصل فلسفی ملاصدرا است که بر سایر مباحث فلسفی او اثر عمیق گذاشته است و به آن رنگ و بوی اصالت وجودی بخشیده است.

- بنیان دوم فلسفه صدرایی، وحدت وجود است. او می‌گوید هستی یک حقیقت و یک واحد حقیقی بیش نیست.

- مراتب داشتن وجود: از نظر ملاصدرا، با اینکه هستی یک حقیقت واحد است اما این حقیقت، دارای درجات، مراتب و شدت و ضعف است.

۱۰۹ - گزینۀ ۳ اگر نه وجود و نه ماهیت امر واقعی باشند، راه شناخت واقعیات بر ما بسته خواهد شد.

۱۱۰ - گزینۀ ۴ مغایرت وجود و ماهیت در ذهن است و نه در عالم خارج و عینی.

۱۱۱ - گزینۀ ۴ درست است که ماهیت، انتزاعی است ولی اینطور نیست که هیچ‌گونه واقعیتهایی نداشته باشد. ماهیت انتزاع ذهن و از ویژگی‌های خاص هر موجود است. (رد گزینۀ ۱)

ماهیت ساخته و پرداخته ذهن انسان نیست، بلکه ناشی از خصوصیات واقعی اشیا و انتزاع ذهن از آنهاست. (رد گزینۀ ۲)

ملاصدرا به‌عنوان یک فیلسوف برای میزان و ملاک فلسفی بودن یک متن یا سخن، دو نشانه ذکر می‌کند. اولاً هر مبحثی که طرح می‌کند، به موضوع فلسفه، یعنی وجود و مسائل بنیادی مربوط به آن، مربوط باشد و ثانیاً متکی بر

- عقل و استدلال عقلی باشد، نه شهود قلبی و بیان نقلی و قرآن. (رد گزینه ۳)
- ۱۱۲ - گزینه ۴ از نظر ملاصدرا داده‌های عقلانی و وحیانی تعارضی ندارند و نیازی به کنار گذاشتن هیچ‌یک نیست و اگر بین این داده‌ها تعارض ظاهری ایجاد شود، در عملیات استدلال خود، خطا کرده‌ایم.
- ۱۱۳ - گزینه ۴ ملاصدرا بر این نکته تأکید داشت که همواره عقل و دین مؤید یکدیگر بوده و با هم کاملاً منطبق می‌باشند.
- ۱۱۴ - گزینه ۱ بنابر نظریه اصالت وجود و اعتباری بودن ماهیت، در خارج، این وجود است که جریان و سریان دارد و حقیقت عینی را تشکیل می‌دهد و عقل و ذهن انسان، براساس مراتب و شدت و ضعف وجود، ماهیت را از آن انتزاع می‌کند.
تشریح سایر گزینه‌ها:
- ۲- این عبارت مربوط به تعریف ماهیت است نه اعتباری بودن ماهیت.
- ۳- مفهومی که از هستی یک موجود در ذهن منعکس می‌شود، ماهیت است.
- ۴- ماهیت ساخته ذهن از حقایق موجود است.
- همه عبارت‌های بالا مربوط به عقل بالفعل است چون نیازمند درک جداگانه و استدلال است.
- ۱۱۵ - گزینه ۴ اینکه اصالت با وجود است یا ماهیت، بدان معنا است که کدام‌یک از این موارد (واقعیت) و (عینیت) دارد. پس هر کدام از آنها در صورتی که واقعیت چیزی را تشکیل دهند، اصالتمند هستند.
- ۱۱۶ - گزینه ۳ بررسی گزینه‌ها:
گزینه ۱: وجود، مفهوم نیست!
گزینه ۲: ما آنها را نسبت به موجودات گوناگون و وجود انتزاع می‌کنیم. (این گزینه را نمی‌توان قویاً رد کرد.)
گزینه ۳: وجود اصالت دارد و هرچه در جهان حقیقت دارد، وجود است.
گزینه ۴: کثرت در عالم از دیدگاه اصالت وجود، با شدت و ضعف مفهوم وجود توجیه می‌شود.
- ۱۱۷ - گزینه ۴ فیلسوفان تجربه‌گرا عقل را به کلی کنار نمی‌گذارند، بلکه می‌گویند عقل ادراکی مستقل از تجربه ندارد.
تشریح گزینه‌های دیگر:
- گزینه ۱: عقل از نظر فلاسفه تجربه‌گرا با روش تجربی می‌تواند به شناخت واقعیت برسد.
- گزینه ۲: از نظر این فلاسفه، عقل (اگر روش تجربی را به کار بندد) می‌تواند قوانین طبیعت را بشناسد.
- گزینه ۳: فلاسفه تجربه‌گرا مخالفتی با کاربرد عقل در تدبیر زندگی انسان ندارند. آنها فقط می‌گویند، عقل به تنهایی این کار را نمی‌کند، بلکه از تجربه کمک می‌گیرد.
- ۱۱۸ - گزینه ۳ گزینه ۳، ۴ و ۳؛ مشابهت زیادی دارند، اما روان‌شناسان رفتارگرا بر چیزهایی که قابل حس یا شنیدن یا قاب‌لمس باشد بیشتر تمرکز داشته‌اند و این فراتر از مشاهده‌پذیر بودن است.
- ۱۱۹ - گزینه ۲ اگر انسانی از مرحله اول تفکر عبور کرد و با جدیت و پیوسته به سؤال‌های دسته دوم پرداخت، وارد مرتبه دوم تفکر شده که می‌توان آن را تفکر فلسفی نامید. این انسان ممکن است یک کارگر یا فیزیکی‌دان یا پزشک یا دانشجو و دانش‌آموز باشد. اما همین که وارد این وادی شد و چنین پرسش‌هایی را جدی گرفته و به

دنبال یافتن پاسخ برآمده، در حال تمرین تفکر فلسفی است.

۱۲۰ - گزینه ۳ مراحل درک و دریافت فلسفی به ترتیب زیر است:

۱) روبه‌رو شدن با مجهول‌ها و مسائل فلسفی (از دنیا رفتن یکی از اطرافیان انسان را با مسئله مرگ و جاودانگی و ... روبه‌رو می‌کند).

۲) طرح پرسش‌های فلسفی (آیا مرگ نابودی و نیستی است؟)

۳) رجوع به معلومات و تفکر در اندوخته‌ها و انتخاب معلومات متناسب با سؤال (اینکه انسان نفسی غیرمادی دارد باعث می‌شود نیستی انسان در گرو نیستی بدن و نفس باشد، نه فقط نیستی بدن).

۴) رسیدن به دریافت فلسفی و تحقق شناخت و معرفت (پس مرگ انتقال از جهانی به جهان دیگر است، نه نابودی صرف).

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: در این گزینه اگر بپذیریم که اختلاف نظر میان متفکران را می‌توان روبه‌رو شدن با مجهولات فلسفی، دانست، باز هم دریافت فلسفی نهایی مطرح شده با اندوخته‌ای که در مرحله سوم بیان شده است تناسب ندارد.

گزینه ۲: مرحله اول دریافت فلسفی طرح پرسش نیست، بلکه روبه‌رو شدن با مجهول فلسفی است. پرسش در مرحله دوم مطرح می‌شود.

گزینه ۴: مرحله سوم رجوع به اندوخته‌های متناسب با پرسش فلسفی است، نه طرح پرسشی دیگر.

۱۲۱ - گزینه ۲ بررسی موارد نادرست:

۱ - کسی که این واژه‌ها را بر سر زبان‌ها انداخت و عمومی کرد، فیلسوف بزرگ یعنی سقراط بود.

۳ - فیلسوفیایا به معنی «دوستداری دانایی» است.

۵ - کلمه سفسطه از زبان عربی گرفته شده است.

۱۲۲ - گزینه ۳: پرسش از اعماق و اساسی‌ترین‌هاست که به نظر یک پرسش فلسفی می‌رسد.

نکته: گزینه ۴: ممکن است غلط انداز باشد اما ایرادی که می‌توان به آن گرفت این است، که این گزینه به علم منطق اشاره دارد نه فلسفه.

۱۲۳ - گزینه ۲: فلسفه دانشی قانونمند است که از روش عقلی بهره می‌برد.

۱۲۴ - گزینه ۱: مهم‌ترین هدف سوفیست‌ها پیروزی بر رقیب (جدل) بود، به همین دلیل در استدلال‌های خود بیشتر از مغالطه (سفسطه) کمک می‌گرفتند که به ظاهر درست به نظر می‌رسید، اما در واقع غلط بود.

۱۲۵ - گزینه ۱: دلایل رد گزینه‌ها:

گزینه ۲: اشتراک اشیاء در اصل وجود و هستی است.

گزینه ۳: فلسفه اولی به وجود و اهتمام آن می‌پردازد.

گزینه ۴: مبانی فلسفی دیگر علوم از جمله شاخه‌های فلسفه است که به آن فلسفه مضاف می‌گویند.

۱۲۶ - گزینه ۳: فلسفه‌های مضاف، قوانین بنیادین وجودشناسی و معرفت‌شناسی را به محدوده‌های علوم گوناگون منتقل می‌سازند و قوانین بنیادین آن محدوده از وجود (هستی) را بیان می‌کنند.

- ۱۲۷ - گزینه ۱ هر مکتبی که انسان را تابع عوامل بیرون از خود بداند برای اختیار انسان وجهی قائل نیست و بحث جبر و اختیار بحثی فلسفی است.
- ۱۲۸ - گزینه ۴ فیلسوفان دیدگاه‌های مختلفی در فلسفه داشته‌اند که همان دیدگاه‌ها سبب پیدایش مکاتب بزرگ تربیتی شده است.
- ۱۲۹ - گزینه ۲ مسئله شناخت در حوزه فلسفه است که به آن معرفت‌شناسی می‌گویند، اما بقیه گزینه‌ها مسائلی در حوزه روان‌شناسی است.
- ۱۳۰ - گزینه ۳ بخشی ریشه‌ای فلسفه شامل هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی می‌شود. دقت کنید که الهیات یا خداشناسی فلسفی نیز بخشی از هستی‌شناسی است و جدای از آن نمی‌باشد. با توجه به این موضوع باید گفت که گزینه ۳، جواب صحیح تست می‌باشد چون در بخش اول از خداشناسی صحبت شده و در بخش دوم موانع معرفت‌شناسانه رسیدن به خداشناسی فلسفی را به بحث گذاشته است و در نتیجه تماماً در بخش اصلی فلسفه یا همان فلسفه اولی می‌گنجد.
- ۱۳۱ - گزینه ۲ از آنجا که معرفت به وجود، فرع بر امکان شناخت آن است، فلاسفه تلاش می‌کنند تا توانایی انسان در شناخت هستی را هم بررسی کنند و بدانند که بشر چگونه و با چه ابزاری می‌تواند به شناخت هستی بپردازد.
- رد سایر گزینه‌ها:
- گزینه ۱: با تأمل فیلسوفانه در دانش‌های مختلف (مانند تاریخ و حقوق) شاخه‌های فلسفه (مانند فلسفه تاریخ و فلسفه حقوق) شکل می‌گیرند. اما این عبارت جای علت و معلول را عوض کرده است.
- گزینه ۲: فلسفه‌های مضاف تنها به بیان قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت‌شناسی را به محدوده‌های خاص (دانش‌های مختلف) منتقل می‌کنند، نه برعکس.
- گزینه ۴: شاخه‌های فلسفه قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت‌شناسی را به محدوده‌های خاص (دانش‌های مختلف) منتقل می‌کنند، نه برعکس.
- ۱۳۲ - گزینه ۲ در دیدگاه اصالت فرد یا نگرش لیبرالیستی مطرح می‌شود، جامعه صرفاً مجموعه‌ای از افراد هستند که در کنار هم زندگی می‌کنند.
- این بحث مربوط به فلسفه علوم اجتماعی می‌شود؛ که جزو فلسفه‌های مضاف می‌باشد. در دیدگاه اصالت فرد مالکیت خصوصی برای پیشرفت جامعه مورد تأکید قرار می‌گیرد که منطبق بر دیدگاهی در علم اقتصاد است، پس در این عبارت اساس و شالوده بودن فلسفه‌های مضاف در نظریات علمی کاملاً مشهود است.
- رد گزینه ۱: وجود عوالم مجرد از ماده مربوط به ریشه فلسفه درخت است، نه فلسفه‌های مضاف یا شاخه درخت فلسفه.
- رد گزینه ۳: مطالب و مفاهیمی که بر اساس شواهد، تاریخی دانسته شوند، قطعاً فلسفی نیستند و بر این اساس به فلسفه‌های مضاف هم مربوط نمی‌شوند.
- رد گزینه ۴: در انسان‌شناسی فلسفی به دنبال استنباط نتایجی هستیم که به ریشه فلسفه مربوط می‌شود، نه در نظریات علمی.

انسان‌شناسی فلسفی اگرچه شاخه فلسفه است، ولی یک فلسفه مضاف نیست، زیرا در نام آن فلسفه به چیزی اضافه نشده است. می‌دانیم؛ خدا؛ انسان و جهان سه موضوع بنیادین و اصلی در مباحث فلسفه می‌باشند.

۱۳۳ - گزینه ۳ مبانی و زیربنای علوم در فلسفه بررسی می‌شوند و لیبرالیسم تأمین‌کننده آزادی‌های فردی می‌باشد.

۱۳۴ - گزینه ۱ فلسفه علوم اجتماعی که فلسفه‌ای مضاف است یکی از شاخه‌های مهم فلسفه است و در این شاخه دیدگاهی مطرح است که معتقد است هم افراد اصالت دارند و هم جامعه و معتقدند که افراد توانایی تأثیرگذاری بر جامعه و حتی تغییر جامعه را دارند.

۱۳۵ - گزینه ۱ این سؤال مربوط به برخی فواید تفکر فلسفی می‌باشد. یکی از فواید تفکر فلسفی، دوری از مغالطه‌ها است. فلسفه از توانایی منطقی کمک می‌گیرد تا اندیشه‌های فلسفی درست از تفکرات غلط تشخیص داده شود و راه رسیدن به اعتقادات درست هموار گردد.

گزینه ۲: هدف فیلسوف، کشف حقیقت نیست.

گزینه ۳: هر کنجکاوی، فلسفی نیست.

گزینه ۴: فیلسوف تابع استدلال است و باوری که استدلال نداشته باشد، نمی‌پذیرد.

۱۳۶ - گزینه ۳ فیلسوفان مدافعان اصلی عقل در تاریخ معرفی شده‌اند، چون فیلسوف به مدد عقل خود از بند عادات غیرمنطقی رها می‌شود و به واقعیت اصیل پی می‌برد و به آزادی حقیقی و شناخت واقعیت صحیح می‌رسد.

لذا شخصی که زندانی را یاری می‌کند، تا از غار خارج شود، در «تمثیل غار افلاطونی» که بیانگر «نظریهٔ مثل» ایشان است، نماد عقل می‌باشد.

رد گزینه ۱: در این عبارت؛ زندانیان از واقعیت خودشان نیز بی‌اطلاع بوده و خبر ندارند.

رد گزینه ۲: در این عبارت زندانیان صدای موجودات بیرون غار را می‌شنیدند و سایه آنها را می‌دیدند، که اینها از نشانه‌های واقعیات بیرونی هستند.

رد گزینه ۴: در این عبارت زندانی در بدو آزادی و مواجهه با نور، به سبب دردی که برایش ایجاد می‌شود و نور واقعیتی که چشمش را اذیت می‌کند و چون عادت به تاریکی (نادانی) دارد، به درون غار برمی‌گردد و اعتقادش به سایه‌ها (بدل‌ها) بیشتر می‌شود، اما بعد از اینکه چشمانش به نور دانایی عادت کرد، حقایق و واقعیات را شناخت، دیگر دوست ندارد، به غار تاریکی و نادانی برگردد. هرچند یک فیلسوف برای هدایت دیگران احساس مسئولیت می‌کند و ناگزیر است، برای آگاه‌سازی آنان به غار برگردد.

۱۳۷ - گزینه ۲ بر اساس متن کتاب درسی برای پی بردن به معنای زندگی افراد، به ترتیب زیر عمل می‌کنیم:

۱- زیرنظر گرفتن آنها و بررسی حرف‌ها و رفتارهایشان

۲- کشف برخی از ریشه‌های فکری آنان و عقایدشان

۳- تحلیل طرز فکرها و عقاید آنان

۴- حدس زدن اهداف آنان در زندگی

۵- پی بردن به معنای زندگی آنان

- ۱۳۸ - گزینه ۱ زمانی که سوالات ما از سطح پرسش‌های عادی و روزمره فراتر برود و انسان‌ها با جدیت و به‌صورت مستمر به آن بپردازند، می‌توان گفت وارد تفکر فلسفی شده‌اند. روش عقلی و استدلالی با علم ریاضیات مشترک است و ویژه تفکر فلسفی نیست (رد گزینه ۲) تلاش برای رهایی از عادات غیرمنطقی از فوائد فلسفه است، نه تفکر فلسفی (رد گزینه ۳). تلاش برای پاسخ قانون‌مند به سوالات بنیادین در تعریف فلسفه ذکر می‌شود، نه تفکر فلسفی (رد گزینه ۴).
- ۱۳۹ - گزینه ۲ در سؤال «هدف اصلی» تمثیل غار خواسته شده است. در کتاب درسی می‌خوانیم که افلاطون تمثیل غار را برای بیان چگونگی هدایت انسان به آزادی حقیقی از رهگذر فلسفه بیان کرده است. از میان گزینه‌ها گزینه ۲ «این هدف را دقیق‌تر بیان کرده است. «رهایی از جهل» همان آزادی حقیقی از منظر افلاطون است. گزینه‌های دیگر همگی در مورد تمثیل غار صحیح هستند، اما هدف اصلی آن را بیان نمی‌کنند.
- ۱۴۰ - گزینه ۲ فیثاغورس و پیروان او اعتقاد داشتند ساختار جهان ریاضی است و اعداد و اصول اعداد، عناصر اولیه موجودات هستند. توجه: درست است که در گزینه دوم، به «اصول شکل‌ها» اشاره شده، اما غلط نیست؛ زیرا به هر حال مربوط به ریاضیات است. بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه ۱: فیثاغورس و پیروان او حرفی از اینکه جهان را فقط با ریاضیات می‌توان شناخت، نزدند.
- گزینه‌های ۳ و ۴: اعداد، سازنده عناصر اولیه موجودات هستند، نه برعکس!
- ۱۴۱ - گزینه ۱ پاسخ این پرسش در کتاب یازدهم نیست، اما از نادرست بودن سه گزینه دیگر می‌توان به گزینه درست رسید.
- ۱۴۲ - گزینه ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه ۱: عبارت درست در گزینه ۱ به شکل زیر می‌شود:
- یونان را مهد تفکر فلسفی یاد می‌کنند یعنی جایی که فلسفه در آن‌جا رسمیت یافت و زبان رمز و اشاره در تفسیر جهان جای خود را به زبان تعقل داد همچنین در گزینه ۱ ظهور اندیشه غلط است چرا که آغاز اندیشه بشر را نمی‌توان مربوط به زمان و مکان خاصی دانست.
- گزینه ۲: این گزینه برعکس نوشته شده است چرا که نظرات متضاد که از سوی جهان‌شناسان باستان عرضه شد بی‌اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه را سبب شد و نه برعکس.
- گزینه ۳: در گزینه ۳ کلمه یونان اشتباه است عبارت درست به شرح زیر است:
- بیشتر عوامل سازنده تمدن از هزاران سال پیش از تمدن یونان، در مصر و بین‌النهرین پدیدار گشته است.
- ۱۴۳ - گزینه ۱ از نظر پارمنیدیس، در جهان واقع، نیستی راه ندارد و نمی‌توان گفت که «نیستی هست»؛ زیرا این جمله تناقض‌آمیز است.
- ۱۴۴ - گزینه ۱ پارمنیدیس معتقد بود که ما با یک واقعیت بدون تغییر، جاودان و فناپذیر روبه‌رو هستیم که از طریق

حواس نمی‌توان به این واقعیت رسید. تنها با تفکر عقلی می‌توان این حقیقت را دریافت. به عبارت دیگر حواس تنها مرتبه‌ی ظاهری جهان و هستی را نشان می‌دهد و فقط با عقل می‌توان به لایه‌ی باطنی و حقیقی هستی رسید که بدون تغییر (ساکن) و جاودانه است.

هراکلیتوس دو اندیشه‌ی مشهور داشت: وحدت اضداد (وجود امور متضاد جهان ما را می‌سازد) و تغییر و تحول دائمی جهان. او باور داشت همه‌چیز در سیلان و حرکت است و هیچ‌چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد. پس او به حرکت در جهان و پیدایش آن از جمع امور ناسازگار (وحدت اضداد) معتقد بود.

۱۴۵ - گزینه ۳ پروتاگوراس معتقد نبود آنچه که از راه حواس به دست آید، پایدار و یقینی است. عقیده پروتاگوراس آن بود که همه‌چیز نسبی و موقتی است و حقیقت به معنای دانشی پایدار و ثابت هرگز به دست نمی‌آید. شعار او این بود که انسان معیار همه چیز است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: چون انسان معیار همه چیز است بنابراین گفت‌وگوهای آدمیان برای دستیابی به حقیقت، بی‌نتیجه است.

گزینه ۲: پروتاگوراس بر آن است که آدمی معیار همه چیز است. مقیاس هستی آنچه هست و اینکه چگونه است و مقیاس نیستی آنچه نیست و چگونه نیست. بنابراین، چیزی که به حواس درنیاید به معنای آن است که وجود ندارد.

گزینه ۴: پروتاگوراس معتقد بود که شناسایی حقیقی همان شناختی است که ما با حواس خود به دست می‌آوریم، بنابراین آنچه حواس هر کسی گواهی می‌دهد برای او عین حقیقت است.

۱۴۶ - گزینه ۱ پاسخ این سوال محل اختلاف است، اما پاسخ سازمان سنجش گزینه ۱ است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: اگر نمی‌توان شناختی را به دیگران آموزش داد، چگونه یک نفر دارد این جمله را به ما آموزش می‌دهد؟ پس تناقض آمیز است.

گزینه ۳: اگر هیچ شناختی مطابق واقعیت نیست، چگونه به این شناخت رسیده‌اید که شناخت شما واقعیت است؟ پس تناقض آمیز است.

۱۴۷ - گزینه ۲ فیلسوفان ایونی (یا ایونیایی) همان نخستین اندیشمندان یونان بودند که بیش از هر چیز با تغییرات و دگرگونی‌های طبیعت مشغول بودند. طبق گفته‌ی سیسرون، سقراط برخلاف این اندیشمندان فلسفه را از آسمان به روی زمین آورد و وارد مسائل روزمره‌ی زندگی انسان کرد. از سوی دیگر نمی‌توان گفت سقراط به هستی و نیستی توجه نداشت (رد گزینه ۱) چون بالاخره در مسائل انسانی نیز هستی و نیستی دخیل است. ضمناً فیلسوفان ایونی نیز به «حقیقت و خطا» بی‌توجه نبودند، آنها هم دغدغه‌ی حقیقت داشتند، وگرنه فیلسوف نبودند (رد گزینه ۴). تفاوت سقراط با سوفسطاییان نیز در این بود که برای سقراط سعادت انسان و فضایل و رذایل اخلاقی مسئله بود، ولی سوفسطاییان از آنجا که انسان را ناتوان در کسب شناخت حقیقی می‌دانستند، نمی‌توانستند در این مسائل وارد شوند (رد گزینه ۳، و تأیید گزینه ۲).

۱۴۸ - گزینه ۱ - دانش فلسفه آغاز مکانی دقیقی ندارد (رد گزاره الف)

- فیثاغورس ریاضی را با فلسفه و عرفان درآمیخت. ریاضی + (فلسفه و عرفان) (رد گزاره ب)

- پارمنیدس معتقد بود نیستی نمی‌تواند به هستی تبدیل شود. (رد گزاره د)

- نظرات متضاد فیلسوفان منجر به تشویش و نگرانی مردم و پراکنده شدن بذریعتمدای آنان نسبت به علم و دانش شد و این دو عامل منجر به ظهور سوفیست‌ها شد.

۱۴۹ - گزینه ۳ سروش معبد دلفی گفته بود: «داناترین شما آدمیان کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی‌داند.»

۱۵۰ - گزینه ۴ سقراط علت مشهور شدن خود به دانایی را این معرفی می‌کند که هرگاه وی سؤالی از مدعیان می‌پرسید و آن‌ها نمی‌دانستند، مردم گمان می‌کردند که سقراط پاسخ آن سؤال را می‌داند.

۱۵۱ - گزینه ۲ قبل از سوفیست‌ها (سوفسطائیان) مباحث فلسفی بیشتر درباره دگرگونی‌ها و تحولات طبیعت یا هستی در دیدگاه فلاسفه پیش از سقراط یا معاصر با ایشان؛ مانند: تالس، هراکلیتوس، فیثاغوث و پارمنیدس؛ بود. ولی سوفیست‌ها با بی‌ارزش دانستن این مباحث به جهت اختلافات فکری اندیشمندان جهت مباحث فلسفی را از مسائل هستی‌شناسی برگرداندند. سقراط هم برخلاف فیلسوفان یونان باستان که در پی تحلیل تغییرات عالم طبیعت یا هستی بودند، به انسان و مسائل انسان‌شناسی پرداخت و درباره امکان رسیدن انسان به حقیقت و نیز درباره اهمیت فضیلت به‌عنوان راه رسیدن انسان به سعادت سخن گفت. (تایید گزینه ۲)

رد گزینه ۱: بحث از مغالطه‌ها یک بحث منطقی است نه فلسفی.

رد گزینه ۳: سقراط نیز مانند سوفسطائیان به مسئله شناخت پرداخت، ولی برخلاف آنها بر امکان رسیدن انسان به حقیقت ثابت اشیا تاکید داشت.

رد گزینه ۴: سوفسطائیان در پی تحلیل ادراک حسی نبودند؛ بلکه درک انسان را محور حقیقت قرار می‌دادند و به‌طور کلی امکان رسیدن به شناخت حقیقت ثابت را چه از راه احساس و چه از راه عقل انکار می‌کردند. حواس هم از جهت شخصی بودن ادراکات حسی مورد توجه بعضی از آنان بود؛ نه اینکه حس را معتبر بدانند و آن را تحلیل کنند.

۱۵۲ - گزینه ۱ انسان نسبت به این که «هیچ نمی‌داند» نادان است و این منشأ همه بدی‌هاست.

۱۵۳ - گزینه ۴ این تلاش نشانه این است که یکی از دو طرف یا ممکن است هر دو طرف در شناخت پدیده‌ای دچار خطا شده باشند. اما این خطا به معنای انکار دسترسی به شناخت نیست. بلکه استدلال آوردن بدین معناست که راهی برای رسیدن به حقیقت وجود دارد.

۱۵۴ - گزینه ۳ سازمان سنجش دو گزینه را پاسخ صحیح دانسته است.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه ۱: «۳» عقل مربوط به ابزارهای شناخت است.

گزینه ۲: «۴» در صورت سؤال صحبت از درک خطا شده و براساس مثال‌های کتاب درسی، مربوط به ارزش شناخت می‌شود. (اینکه شناخت تا چه اندازه معتبر است و در چه زمان‌هایی دچار خطا می‌شود)

۱۵۵ - گزینه ۳ کسی که در اصل دانستن شک کند، یک شناخت مشخص در ذهن او شکل گرفته است و آن این است که «انسان نمی‌تواند چیزی را بشناسد». همین امر است که تناقض درونی شک مطلق را نتیجه می‌دهد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: اگر شخص به خطای خود قائل باشد، پس اعتقادش این است که حقیقتی هست که این کار او در قیاس با آن خطا است. بنابراین برای خود توانایی (بالقوه) در رسیدن به حقیقت را در نظر گرفته است.

گزینه ۲: اگر کسی اعتقادش بر این باشد که ما نمی‌توانیم چیزی را بدانیم، دیگر معیاری برای تفکیک حقیقت از خطا ندارد و این دو برای او هیچ فرقی نخواهد داشت.

گزینه ۴: اگر کسی قائل به این باشد که امکان انتقال شناخت وجود ندارد، نباید از ابزار انتقال شناخت (حرف زدن و گفت‌وگو) هم استفاده کند.

۱۵۶ - گزینه ۱ یکی از ویژگی‌های انسان، توانایی و امکان شناخت موجودات پیرامون خود و تعامل با آنها است. انسان اگر به قوه شناخت خود باور نداشته و نمی‌پذیرفت که می‌تواند نسبت به چیزهای دیگر شناختی پیدا کند، مسلماً اقدام به انجام هیچ کاری نمی‌کرد. پس رفتار روزانه او با موجودات پیرامون خود، نشان می‌دهد که قدرت شناخت خود را باور دارد. رد سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۲: ناشناخته‌های بشر بسیار زیاد است و این موضوع با امکان شناخت منافاتی ندارد.

- گزینه ۳: شناخت بشر نسبت به دنیای پیرامون خود و موجودات آن دائماً در حال تغییر و گسترش است. این حقیقت منجر به نسبییت شناخت نمی‌شود. (نسبییت شناخت یعنی اینکه شناخت هر کس با توجه به ادراک خودش معتبر و صحیح است و ادراکات و در نتیجه شناخت افراد نسبت به یک موضوع متفاوت است.)

- گزینه ۴: اختلاف در شناخت آدم‌ها از یک موضوع واحد می‌تواند به دو دلیل باشد: ۱ - اشتباه ادراکی ۲ - بررسی جنبه‌های مختلف موضوع. این در حالی است که آن موضوع خاص، حقیقت واحدی دارد و نمی‌توان در یک زمان، چند حقیقت گوناگون از آن دریافت کرد، مگر مرتکب یکی از دو اشتباه فوق شده باشیم. پس شناخت افراد ممکن است اشتباه یا ناقص باشد.

۱۵۷ - گزینه ۴ امکان رسیدن به معرفت برای هر انسانی روشن است و شک در اصل دانستن امکان‌پذیر نیست.

۱۵۸ - گزینه ۴ همین که انسان متوجه خطای شناختی خود می‌شود، یعنی اینکه شناخت صحیح را پیدا کرده است و گرنه نمی‌فهمید که شناخت قبلی‌اش خطا بوده است.

پس نتیجه می‌گیریم درک خطا شناختی به معنای امکان شناخت، و کسب آگاهی نسبت به موجودات جهان پیرامون است. (تأیید گزینه ۴)

رد گزینه ۱: زیرا امکان دارد به خطای شناختی خود پی ببریم، ولی همچنان از حدود و قلمرو شناخت خود بی‌اطلاع باشیم.

رد گزینه ۲: چگونگی تشخیص خطا از حقیقت بحث جداگانه‌ای دارد، پس با صرف توجه به یک یا چند خطای شناختی نمی‌توان آن را دریافت.

رد گزینه ۳: اینکه متوجه خطای شناختی بشویم، به‌طور کلی نشان می‌دهد که حقیقتی هم رسیده‌ایم، ولی این سؤال که شناخت‌های ما تا چه حد با واقعیت مطابقت دارند، سؤال دقیق‌تری است که نیاز به بررسی‌های معرفت شناختی

دارد.

۱۵۹ - گزینه ۴ شناخت ما با همه گستردگی‌اش همچنان محدود است و هنوز مجهولات بسیاری در عالم وجود دارد. (رد گزینه ۱) انکار توانایی شناخت در برخی امور به معنی انکار اصل امکان شناخت نیست. (رد گزینه ۲) با پیشرفت بشر در سال‌های اخیر برخی از اشتباهات دانش‌های گذشته اصلاح شده، نه این که همه آن‌ها زیر سؤال رفته باشد. (رد گزینه ۳) شکاکیت مطلق، یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته‌ها، امکان‌پذیر نیست و اگر کسی چنین نظری بدهد، گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او با شک مطلق سازگار نیست. وقتی کسی معتقد باشد که حقیقت غیر قابل شناخت است، خود همین اعتقاد نشانه شناخت یک حقیقت است. از این جهت فرد دچار تناقض می‌شود.

۱۶۰ - گزینه ۴

۱۶۱ - گزینه ۴ قلمرو شناخت بسیار وسیع است و حقایق فراوانی در عالم هست که ما آن‌ها را نمی‌شناسیم.

۱۶۲ - گزینه ۳ از نشانه‌های ارزش و اعتبار شناخت حسی، توانایی حس در شناخت تفاوت‌ها و تمایزها است. شناخت تمایزها و تفاوت‌های اشیا این مکان را به انسان می‌دهد که به کمک عقل خود از اشیای متفاوت استفاده‌های مختلف بکند؛ مثلاً اگر در مقابل ما یک لیوان آب و یک ظرف غذا باشد، برای رفع تشنگی لیوان آب را برمی‌داریم و برای رفع گرسنگی به سراغ ظرف غذا می‌رویم. این عمل به ما می‌فهماند که ما در تشخیص لیوان و ظرف غذا اشتباه نکرده‌ایم.

۱۶۳ - گزینه ۳ در گزینه ۱: هر دو گزاره نادرست هستند؛ زیرا شناخت تجربی حاصل همکاری حس و عقل است.

در گزینه ۲: هر دو گزاره صحیح هستند.

در گزینه ۳: گزاره اول نادرست است؛ زیرا درک ساختار قوانین تجربی و کلیت دادن به یافته‌های جزئی حسی برعهده عقل است.

در گزینه ۴: گزاره اول درست و گزاره دوم نادرست است. شناخت محتوای قوانین تجربی که همان مشاهده‌های حسی جزئی هستند، برعهده ابزار حس است.

۱۶۴ - گزینه ۱ عقل قادر است تا بدون استفاده از تجربه و صرفاً با تفکر و استدلال به حقایق برسد و دانش‌هایی را پایه‌گذاری کند.

۱۶۵ - گزینه ۲ انسان دارای قوه‌ای است که با آن تفکر و تعقل می‌کند. او با کمک این قوه می‌تواند حقایق را درک کند که توانایی درک آن از راه احساس ممکن نیست. این حقایق هم می‌تواند امور محسوس و هم امور غیرمحسوس را دربرگیرد.

عقل با کمک حواس و تحلیل عقلانی یافته‌های حسی می‌تواند به بسیاری از اسرار و رموز طبیعت پی ببرد. توانایی عقل به انسان امکان می‌دهد تا یافته‌هایی سودمند درباره کل هستی که امکان درک تجربی آن هیچ‌گاه وجود ندارد، به دست بیاورد و این یافته‌های عقلانی را اساس سایر تلاش‌ها قرار دهد.

۱۶۶ - گزینه ۴ انسان دارای قوه‌ای است که با آن تفکر و تعقل می‌کند. او با کمک این قوه می‌تواند حقایق را درک کند که توانایی درک آن از راه احساس ممکن نیست. این حقایق می‌تواند امور محسوس و طبیعی را شامل شود و هم

امور غیر محسوس و غیر طبیعی را در بر می گیرد. (رد گزینه ۳). نیروی عقل، علاوه بر استفاده از حواس بیرونی، مانند چشم و گوش، می تواند حالات درونی مانند شادی و درد و ... را شناسایی کند و درباره آنها نظر دهد. (رد گزینه ۱ و ۲). قدرت و توانایی عقل، به انسان امکان می دهد تا یافته هایی سودمند درباره کل هستی که امکان درک تجربی آن هیچ گاه وجود ندارد، به دست بیاورد و این یافته های عقلانی را اساس سایر دانش ها قرار دهد و پایه های زندگی خود را بر آنها استوار سازد.

۱۶۷ - گزینه ۴ بررسی گزینه ها:

- گزینه ۱: شناخت حقایق غیر محسوس و ماوراء طبیعی هم از طریق عقل و هم از طریق قلب (شهود قلبی یا وحی) امکان پذیر است. پس این گزینه رد می شود.

- گزینه ۲: طبق متن کتاب، این مورد از کارکردهای عقل است که بر مبنای شناخت حسی (شناخت تمایزها و تفاوت های اشیا) انجام می پذیرد. به عبارت دیگر، حاصل همکاری شناخت حسی و عقلی است. حس به تنهایی قادر به کسب این شناخت نیست و سخنی از شناخت قلبی در این مورد در کتاب نیامده است. این گزینه مشکوک است و می تواند پاسخ سوال باشد.

- گزینه ۳: مقدمات استدلال قیاسی می تواند از منابع دیگر شناخت به دست آمده باشد، اما جمع آوری این مقدمات و چینش استدلال و استنتاج از آن، تنها کار عقل است و هیچ کدام از قوای شناختی حس و قلب، توانایی انجام چنین کاری را ندارند.

- گزینه ۴: طبق متن کتاب، این مورد از کارکردهای عقل است که بر مبنای شناخت حسی انجام می پذیرد و منجر به شکل گیری شناخت تجربی می شود. این تحلیل و بررسی تجربی اگرچه از کارکردهای عقل است، ولی برای رسیدن به شناخت نیازمند داده های حسی است.

۱۶۸ - گزینه ۴ معرفت شهودی یک معرفت بی واسطه است؛ یعنی بدون استفاده از تجربه و آزمایش و بدون استدلال عقلی در قلب تجلی می کند. عارف و سالک الهی الله ممکن است بتواند در همین دنیا، آخرت را مشاهده کند. علاوه بر عالم طبیعت، سایر عوالم را مشاهده نماید و وجود فرشتگان را هم واقعاً بباید.

۱۶۹ - گزینه ۳ بررسی گزینه ها:

گزینه ۱: درست - درست.

گزینه ۲: نادرست - نادرست.

گزینه ۳: درست - نادرست.

گزینه ۴: درست - درست.

- ارسطو از اولین دانشمندی است که مبنای علوم تجربی را پایه گذاری کرد.

- معرفت شهودی به تدریج و گام به گام حاصل می شود.

- برای معرفت شهودی، سیر و سلوک و تهذیب نفس ضروری است.

۱۷۰ - گزینه ۴ شهود عارفانه برخلاف شهود وحیانی خطا پذیر است (رد گزینه ۳)

حس می تواند علل پدیده های طبیعی را درک کند مثلاً با بارش باران، علت آن را که ابر است شناسایی کند. (رد

گزینه‌های ۱ و ۲)

- ۱۷۱ - گزینه ۱ پروتاگوراس معتقد بود که حقیقت به معنای دانشی پایدار و با ثبات به دست نمی‌آید، بنابراین نسبی بودن حقیقت را نتیجه می‌گیرد.
- ۱۷۲ - گزینه ۳ یک بخش از مباحث مربوط به فلسفه، تفکر فلسفی درباره انسان یا «انسان‌شناسی فلسفی» است. این شاخه از فلسفه به مسائل مهم و بنیادین درباره انسان، از قبیل چیستی انسان، جایگاه او در جهان، آینده وی و نیز ویژگی‌های متمایز انسان و هویت انسانی او می‌پردازد.
- ۱۷۳ - گزینه ۴ رد گزینه ۱: ارسطو از فلاسفه مسلمان نیست.
- رد گزینه ۲: دوره جدید اروپا با دکارت و بیکن آغاز می‌شود و هگل متعلق به اواسط دوره است.
- رد گزینه ۳: دوره دوم تا آغاز رنسانس است و فلاسفه دوره رنسانس را شامل نمی‌شود.
- ۱۷۴ - گزینه ۳ گزاره بیان شده در صورت سوال به دیدگاه نسبی‌گرایی اشاره دارد و با گزینه ۳ که بیان دیگری از اندیشه نسبی‌گرایی است هماهنگ است و منافاتی ندارد. سایر گزاره‌ها به واقع‌گرایی اشاره دارند.
- ۱۷۵ - گزینه ۱ بنا بر این دیدگاه، مفاهیمی مانند خدا، اختیار، نفس و روح که تجربه درباره نفی یا اثبات آنها نمی‌تواند نظر دهد، اصولاً قابل بررسی علمی نیستند.
- ۱۷۶ - گزینه ۲ با پیشرفت علم، بسیاری از نظریه‌های علمی تغییر کرده‌اند، بنابراین پوزیتیویسم هم اگرچه نظریه‌ای علمی است، روزی تغییر خواهد کرد.
- ۱۷۷ - گزینه ۱ کانت شناخت را حاصل همکاری حس و عقل می‌داند. نه عقیده عقل‌گرایان را پذیرفت که ما ادراکات عقلی و ذاتی مستقل از تجربه داریم و نه نظر تجربه‌گرایان را قبول کرد که شناخت را منحصر در تجربه حسی می‌دانستند. (البته این نکته در کتاب چاپ ۹۹ به بعد حذف شده است.)
- ۱۷۸ - گزینه ۱ ایمانوئل کانت با طرح نظریه جدید کوشش کرد، هم اعتبار عقل و هم اعتبار تجربه را توأمان اثبات کند و نشان دهد که معرفت حاصل همکاری عقل و حس است. (تأیید گزینه ۱)
- رد گزینه ۲: به نظر کانت انسان آنچه را از طریق حس به او می‌رسد در قالب این مفاهیم درک می‌کند، نه اینکه ابتدا این مفاهیم را بفهمد و سپس آنها را به پدیده‌های خارجی تعمیم دهد.
- رد گزینه ۳: به عنوان مثال: انسان روشن شدن زمین را بعد از طلوع خورشید درمی‌یابد؛ اما وقتی می‌تواند بگوید طلوع خورشید علت روشن شدن زمین است که به کمک مفهوم علت که خودش در دستگاه ادراکی موجود است و از خارج گرفته نشده نه اینکه دستگاه ادراکی آن را بسازد.
- میان تصور طلوع خورشید و تصور روشن شدن زمین رابطه برقرار کند.
- رد گزینه ۴: به نظر ایمانوئل کانت قوه ادراکی انسان تصوراتی مثل: زمان؛ مکان و مفاهیمی مانند: علیت را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی‌آورد.
- ۱۷۹ - گزینه ۳ در عقیده نسبی‌گرایان هیچ شناختی یقینی و قطعی نیست؛ بلکه هر معرفتی صرفاً برای همان شخصی خاص که معتقد به آن می‌باشد، معتبر است در نتیجه این گزینه که یک امر قطعی و مطلق را ذکر کرده، در تعارض با عقیده آنها است.

همچنین نسبی‌گرایان عقیده دارند که از طریق تجربه، نمی‌توان به شناخت معتبر از واقعیت رسید.

۱۸۰ - گزینه ۲ بحث فلسفی بین تجربه‌گرایان و عقل‌گرایان بر سر این بود که آیا حس و تجربه ارزش و اعتبار بیشتری دارد و ما را بهتر به حقیقت می‌رساند یا استدلال عقلی؟ تجربه‌گرایان معتقد بودند که حس و تجربه اعتبار بیشتری دارد (نه اینکه عقل را قبول نداشته باشند) و عقل‌گرایان معتقد بودند که معرفت حاصل از عقل اعتبار بیشتری دارد (نه اینکه حس و تجربه را قبول نداشته باشند).

۱۸۱ - گزینه ۲ در گزینه ۱ گزاره اول غلط است و میان نظرات این دو فیلسوف شباهت‌هایی نیز وجود دارد؛ مانند اینکه هر دو حس را به‌عنوان ابزار شناخت قبول دارند.

در گزینه ۳ هر دو عبارت نادرست هستند؛ زیرا فارابی و ابن‌سینا تابع ارسطو و افلاطون نبودند و ابن‌سینا از شناخت شهودی در تبیین فلسفی‌اش استفاده نکرده است.

در گزینه ۴ گزاره دوم غلط است؛ در اروپای جدید تجربه‌گرایی بر عقل‌گرایی مقدم است و اولویت دارد.

۱۸۲ - گزینه ۲ دکارت می‌گوید: روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند و خاصیت‌های متفاوت دارند، گرچه با یکدیگر هستند و روح از بدن استفاده می‌کند. روح از قوانین فیزیکی آزاد است ولی بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی تبعیت می‌کند و آزاد نیست. کانت هم ثابت می‌کند، نفس مختار و اراده انسان، آزاد است.

۱۸۳ - گزینه ۴ پروانه و دوستش درباره حقیقت انسان صحبت می‌کنند.

۱۸۴ - گزینه ۳ درک «امتناع اجتماع نقیضین» توسط عقل صورت می‌گیرد و مربوط به حیطه شناخت عقلی است. از آنجا که افلاطون باور داشت «تنها موجودی که به‌طور خاص دارای عقل و خرد است، نفس است»، و «نفس جزء عقلانی انسان است»، پس درک این موضوع که یک چیز نمی‌تواند هم باشد و هم نباشد به نفس انسانی مربوط است.

رد سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: افلاطون باور داشت هر موجود زنده و دارای عقل (مشابه تعریف انسان) یک جزء نامرئی به نام نفس دارد.

- گزینه ۲: این باور ارسطو است، نه افلاطون.

- گزینه ۴: افلاطون باور داشت مثال خیر (خالق هستی) هم حقیقتی غیرمادی دارد.

۱۸۵ - گزینه ۳ دکارت اعتقاد داشت معرفت‌هایی به‌صورت ذاتی وجود دارد که بدون عقل و استدلال به‌صورت فطری به آنها پی می‌بریم. مثلاً وجود خداوند یا درک نفس بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: دکارت درک این امور را مقدم بر عقل می‌دانست نه با استفاده از عقل.

گزینه ۲: غلبت جز این امور نیست.

گزینه ۴: معرفت‌های ذاتی اموری فطری هستند نه شهودی!

۱۸۶ - گزینه ۲ از نظر دکارت روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند و خاصیت‌های متفاوت دارند، گرچه با یکدیگر هستند و روح از بدن استفاده می‌کند. روح از قوانین فیزیکی آزاد است ولی بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی تبعیت می‌کند و آزاد نیست.

- ۱۸۷ - گزینه ۲ معتقدین به انسان تک‌ساختی یا همان ماتریالیست‌ها بر این باورند که حقیقت انسان را همان بدنش تشکیل می‌دهد و انسان حقیقتی غیر از آن بدن خود ندارد؛ همان‌طور که آب حقیقتی غیر از هیدروژن و اکسیژن که عناصر تشکیل‌دهنده‌اش هستند ندارد.
- ۱۸۸ - گزینه ۴ گزاره‌های «الف»، «ب» و «ه» نادرستند.
- الف - دکارت روح را از قوانین فیزیکی آزاد می‌داند و در واقع می‌گوید که بسیاری از فعالیت‌های انسان ناشی از روح اوست مانند اراده و اختیار.
- ب - از دیدگاه مارکس نیازهای مادی نیازهای اصلی انسان هستند و نیازهایی مانند نیاز به اجتماع و قانون و اخلاق به‌خاطر نیازهای مادی پیدا شده‌اند.
- ج - تحقیقات داروین در حوزه زیست‌شناسی بوده و کاری به امور غیرمادی ندارد. بنابراین دیدگاه او نه وجود روح و عالم غیرمادی را اثبات می‌کند و نه انکار. این دیدگاه هم می‌تواند با دیدگاه منکران روح سازگار باشد و هم با دیدگاه اثبات‌کنندگان.
- ه - این عبارت از هابز مربوط به ذهن انسان است نه بدن.
- ۱۸۹ - گزینه ۱ این‌سینا معتقد است که وقتی بدن انسان دوره جنینی را در رحم مادر گذراند و به مرحله‌ای رسید که صاحب همه اندام‌های بدنی شد، خداوند روح انسانی را به آن عطا می‌کند.
- گزینه ۲: قسمت دوم جمله مربوط به ماتریالیست‌ها (ماده‌گرایان) است نه ملاصدرا.
- گزینه ۳: نفس از نظر سهروردی، از جنس انوار است.
- ۱۹۰ - گزینه ۳ موارد مطرح شده به ترتیب دیدگاه افلاطون، ارسطو، ابن‌سینا و سهروردی می‌باشد.
- ۱۹۱ - گزینه ۳ این‌سینا در قالب تمثیلی روح انسان را به پرنده‌ای تشبیه کرده است که در قفس تن محبوس است. این روح در این بدن احساس بی‌قراری و فراق دارد و تلاش دارد که به جایگاه اصلی‌اش برسد. اما ملاصدرا روح و جسم را دو جنبه از یک حقیقت می‌داند.
- ۱۹۲ - گزینه ۴ از نظر افلاطون فعل اخلاقی با سعادت و نیک‌بختی حقیقی آدمی رابطه دارد. به اعتقاد او، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می‌گردد و اگر برخلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد، رذیلت و بدی شمرده می‌شود. از نظر افلاطون، در صورتی عمل انسان در جهت سعادت است که بنا به فرمان و راهنمایی عقل انجام پذیرد. یعنی قوه غضب و قوه شهوت، تحت کنترل و حکومت تحت کنترل عقل باشند با راهنمایی ...
- ۱۹۳ - گزینه ۱ ارسطو (شاگرد افلاطون) نظری نزدیک به استاد خود داشت. او معتقد بود که با حاکم شدن عقل بر قوای دیگر، انسان به اعتدال در میان قوا می‌رسد و همین اعتدال موجب سعادت و خوشبختی انسان می‌شود.
- ۱۹۴ - گزینه ۲ افلاطون معتقد است اگر عقل که از فضیلت حکمت برخوردار است، حاکم باشد، قوه شهوت «خویش‌تن‌داری» پیش می‌گیرد و قوه غضب متصرف به «شجاعت» می‌شود و نتیجه این امر، برقراری «عدالت» میان قوای عقل، شهوت و غضب است.
- ۱۹۵ - گزینه ۳ از نظر کانت، مثلاً اگر انسان عدل را نه به خاطر تشویق و تمجید و نه حتی برای رسیدن به سعادت، بلکه

تنها از آن جهت که وجدان به آن دعوت می‌کند، انجام دهد، عملش فضیلت شمرده می‌شود.

۱۹۶ - گزینه ۴ افلاطون معتقد است که ملاک فعل اخلاقی، یعنی فعلی که انسان را به سوی سعادت رهنمون می‌سازد این است که به فرمان عقل انجام شده باشد. وی بر این باور است که انسان در صورتی به سعادت می‌رسد که از دستورات عقل اطاعت کند و از آن سرپیچی نکند. ذکر شده که اگر انسان از عقل پیروی کند، دچار آز (نوعی صفت ناپسند) نمی‌شود و اصول اخلاقی را رعایت می‌کند. تشریح سایر گزینه‌ها:

۱ - افلاطون از اذیت نشدن مردم در مقابل رفتارهای انسان سخنی نگفته است.

۲ - افلاطون از ملالت و سرزنش انسان توسط عقل سخنی نگفته است.

۳ - این عبارت ارتباطی با فعل اخلاقی و سعادت ندارد و درباره پیروی از نفسی که ویژگی‌های زاغ را دارد، بیان شده است.

۱۹۷ - گزینه ۴ ذهن و روان انسان چیزی جز مغز و سلسله اعصاب انسان نیست.

۱۹۸ - گزینه ۳ کانت عقیده دارد معیار فعل اخلاقی را باید در وجدان اخلاقی، جست‌وجو کرد. کانت می‌گوید هر انسان در درون خود حقیقتی به نام وجدان اخلاقی دارد که او را به سوی عمل خیر اخلاقی دعوت می‌کند. هر کاری که انسان آن را صرفاً برای اطاعت از وجدان خود انجام دهد و هیچ‌گونه منفعت شخصی در آن نداشته باشد. خیر اخلاقی شمرده می‌شود.

۱۹۹ - گزینه ۳ ابزار شناخت رفتارهای اخلاقی و دستیابی به سعادت جایی است که مکاتب مختلف اخلاقی بر سر آن اجماع ندارند. مثلاً افلاطون و ارسطو و فیلسوفان مسلمان عقل را برای شناخت این امور کافی می‌دانند، اما یک فیلسوف تجربه‌گرا نمی‌تواند چنین چیزی را قبول کند. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: تمام مکاتب مختلف اخلاقی فضایی مانند عدالت را برای سلامت اجتماع ضروری می‌دانند، تفاوت آنها در شیوه توصیف و تبیین فضایل و قواعد اخلاقی است.

گزینه ۲: «ناگزیر بودن، رعایت منافع دیگران هم در تمام مکاتب اخلاقی هست، تفاوت در اینجاست که هر مکتب این «ناگزیر بودن» را به نحوی متفاوت توضیح می‌دهد.

گزینه ۴: این گزاره بیانی دیگر از قاعده اخلاقی «آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بپسند» است که مکاتب اخلاقی در اصل این گزاره اختلافی ندارد.

۲۰۰ - گزینه ۱ بنا بر دیدگاه فیلسوفان مسلمان، انسان فطرتاً فضیلت‌ها را دوست دارد و از رذائل اخلاقی گریزان است؛ یعنی گرایش‌های اخلاقی او صرفاً مایل به خوبی‌ها و فضائل اخلاقی است و جنبه دوسویه ندارد. اما تمایلات انسان به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱- تمایلات مادی: حاصل نیازهای مادی و حیوانی انسان

۲- تمایلات برتر: حاصل گرایش اخلاقی انسان به انجام فضائل

انسان گاهی به دلیل تلاقی تمایلات مادی و تمایلات برتر، به سوی رذیلت‌ها سوق پیدا می‌کند. اما این تغییری در گرایش اخلاقی او (علاقه به فضائل و دوری از رذائل) ایجاد نمی‌کند. سایر گزینه‌ها تا حد زیادی مطابق باور فلاسفهٔ مسلمان است.

پاسخنامه کلیدی

۱ - ۳	۳۰ - ۴	۵۹ - ۱	۸۸ - ۱	۱۱۷ - ۴	۱۴۶ - ۱	۱۷۵ - ۱
۲ - ۴	۳۱ - ۴	۶۰ - ۲	۸۹ - ۲	۱۱۸ - ۳	۱۴۷ - ۲	۱۷۶ - ۲
۳ - ۴	۳۲ - ۲	۶۱ - ۲	۹۰ - ۴	۱۱۹ - ۲	۱۴۸ - ۱	۱۷۷ - ۱
۴ - ۳	۳۳ - ۱	۶۲ - ۱	۹۱ - ۳	۱۲۰ - ۳	۱۴۹ - ۳	۱۷۸ - ۱
۵ - ۲	۳۴ - ۲	۶۳ - ۱	۹۲ - ۴	۱۲۱ - ۲	۱۵۰ - ۴	۱۷۹ - ۳
۶ - ۲	۳۵ - ۱	۶۴ - ۲	۹۳ - ۱	۱۲۲ - ۳	۱۵۱ - ۲	۱۸۰ - ۲
۷ - ۲	۳۶ - ۳	۶۵ - ۳	۹۴ - ۴	۱۲۳ - ۲	۱۵۲ - ۱	۱۸۱ - ۲
۸ - ۳	۳۷ - ۱	۶۶ - ۲	۹۵ - ۱	۱۲۴ - ۱	۱۵۳ - ۴	۱۸۲ - ۲
۹ - ۲	۳۸ - ۳	۶۷ - ۳	۹۶ - ۴	۱۲۵ - ۱	۱۵۴ - ۳	۱۸۳ - ۴
۱۰ - ۲	۳۹ - ۴	۶۸ - ۱	۹۷ - ۲	۱۲۶ - ۳	۱۵۵ - ۳	۱۸۴ - ۳
۱۱ - ۲	۴۰ - ۴	۶۹ - ۲	۹۸ - ۳	۱۲۷ - ۱	۱۵۶ - ۱	۱۸۵ - ۳
۱۲ - ۴	۴۱ - ۲	۷۰ - ۴	۹۹ - ۴	۱۲۸ - ۴	۱۵۷ - ۴	۱۸۶ - ۲
۱۳ - ۳	۴۲ - ۴	۷۱ - ۱	۱۰۰ - ۴	۱۲۹ - ۲	۱۵۸ - ۴	۱۸۷ - ۲
۱۴ - ۱	۴۳ - ۲	۷۲ - ۲	۱۰۱ - ۴	۱۳۰ - ۳	۱۵۹ - ۴	۱۸۸ - ۴
۱۵ - ۳	۴۴ - ۲	۷۳ - ۳	۱۰۲ - ۲	۱۳۱ - ۲	۱۶۰ - ۴	۱۸۹ - ۱
۱۶ - ۲	۴۵ - ۲	۷۴ - ۲	۱۰۳ - ۳	۱۳۲ - ۲	۱۶۱ - ۴	۱۹۰ - ۳
۱۷ - ۴	۴۶ - ۱	۷۵ - ۱	۱۰۴ - ۱	۱۳۳ - ۳	۱۶۲ - ۳	۱۹۱ - ۳
۱۸ - ۲	۴۷ - ۴	۷۶ - ۳	۱۰۵ - ۲	۱۳۴ - ۱	۱۶۳ - ۳	۱۹۲ - ۴
۱۹ - ۲	۴۸ - ۴	۷۷ - ۴	۱۰۶ - ۲	۱۳۵ - ۱	۱۶۴ - ۱	۱۹۳ - ۱
۲۰ - ۱	۴۹ - ۱	۷۸ - ۲	۱۰۷ - ۲	۱۳۶ - ۳	۱۶۵ - ۲	۱۹۴ - ۲
۲۱ - ۲	۵۰ - ۳	۷۹ - ۲	۱۰۸ - ۱	۱۳۷ - ۲	۱۶۶ - ۴	۱۹۵ - ۳
۲۲ - ۳	۵۱ - ۳	۸۰ - ۱	۱۰۹ - ۳	۱۳۸ - ۱	۱۶۷ - ۴	۱۹۶ - ۴
۲۳ - ۱	۵۲ - ۱	۸۱ - ۳	۱۱۰ - ۴	۱۳۹ - ۲	۱۶۸ - ۴	۱۹۷ - ۴
۲۴ - ۱	۵۳ - ۳	۸۲ - ۳	۱۱۱ - ۴	۱۴۰ - ۲	۱۶۹ - ۳	۱۹۸ - ۳
۲۵ - ۳	۵۴ - ۲	۸۳ - ۴	۱۱۲ - ۴	۱۴۱ - ۱	۱۷۰ - ۴	۱۹۹ - ۳
۲۶ - ۲	۵۵ - ۱	۸۴ - ۴	۱۱۳ - ۴	۱۴۲ - ۴	۱۷۱ - ۱	۲۰۰ - ۱
۲۷ - ۱	۵۶ - ۴	۸۵ - ۱	۱۱۴ - ۱	۱۴۳ - ۱	۱۷۲ - ۳	
۲۸ - ۱	۵۷ - ۴	۸۶ - ۱	۱۱۵ - ۴	۱۴۴ - ۱	۱۷۳ - ۴	
۲۹ - ۴	۵۸ - ۴	۸۷ - ۲	۱۱۶ - ۳	۱۴۵ - ۳	۱۷۴ - ۳	

